

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

دین و زندگی (۱)

قرآن و تعلیمات دینی

رشته‌های علوم تجربی - ریاضی و فیزیک - فنی و حرفه‌ای - کار و دانش

پایه دهم

دوره دوم متوسطه





وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

دین و زندگی (۱) قرآن و تعلیمات دینی - پایه دهم دوره دوم متوسطه - ۱۴۰۲/۰۴

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری

پرویز آزادی، ناصر ابراهیمی، محمود الله وردی، عباس جوارشکیان، فضل الله خالقیان، سیدمحمد دلبری، حسین سوزنچی، سیدحمید طالب‌زاده، علی کاظمی، مصطفی فیض، علی لطیفی، سیدمحسن میرباقری و مسعود وکیل (اعضای شورای برنامه‌ریزی)
محمد مهدی اعتصامی، یاسین شکرانی و سیدمحمد دلبری (اعضای گروه تألیف) - سیداکبر میرجعفری (ویراستار)

اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - مجید ذاکری یونسی (مدیر هنری) - سیدعلی موسوی (طراح گرافیک) - مریم کیوان (طراح جلد) - مریم وثوقی انباردان (صفحه‌آرا) - سیدعلی موسوی و سونیا مهاجر (تصویرگر) - یوسف گلی، فاطمه باقری مهر، سیده‌فاطمه محسنی، فاطمه‌صغری ذوالفقاری، نیلوفر صفادل، زینت بهشتی شیرازی، حمید ثابت کلاچاهی و فاطمه رئیس‌یان فیروزآباد (امور آماده‌سازی)
تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

وبگاه: www.chap.sch.ir و www.irtextbook.ir

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

چاپ اول ۱۴۰۵

نام کتاب:

پدیدآورنده:

مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:

شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:

مدیریت آماده‌سازی هنری:

شناسه افزوده آماده‌سازی:

نشانی سازمان:

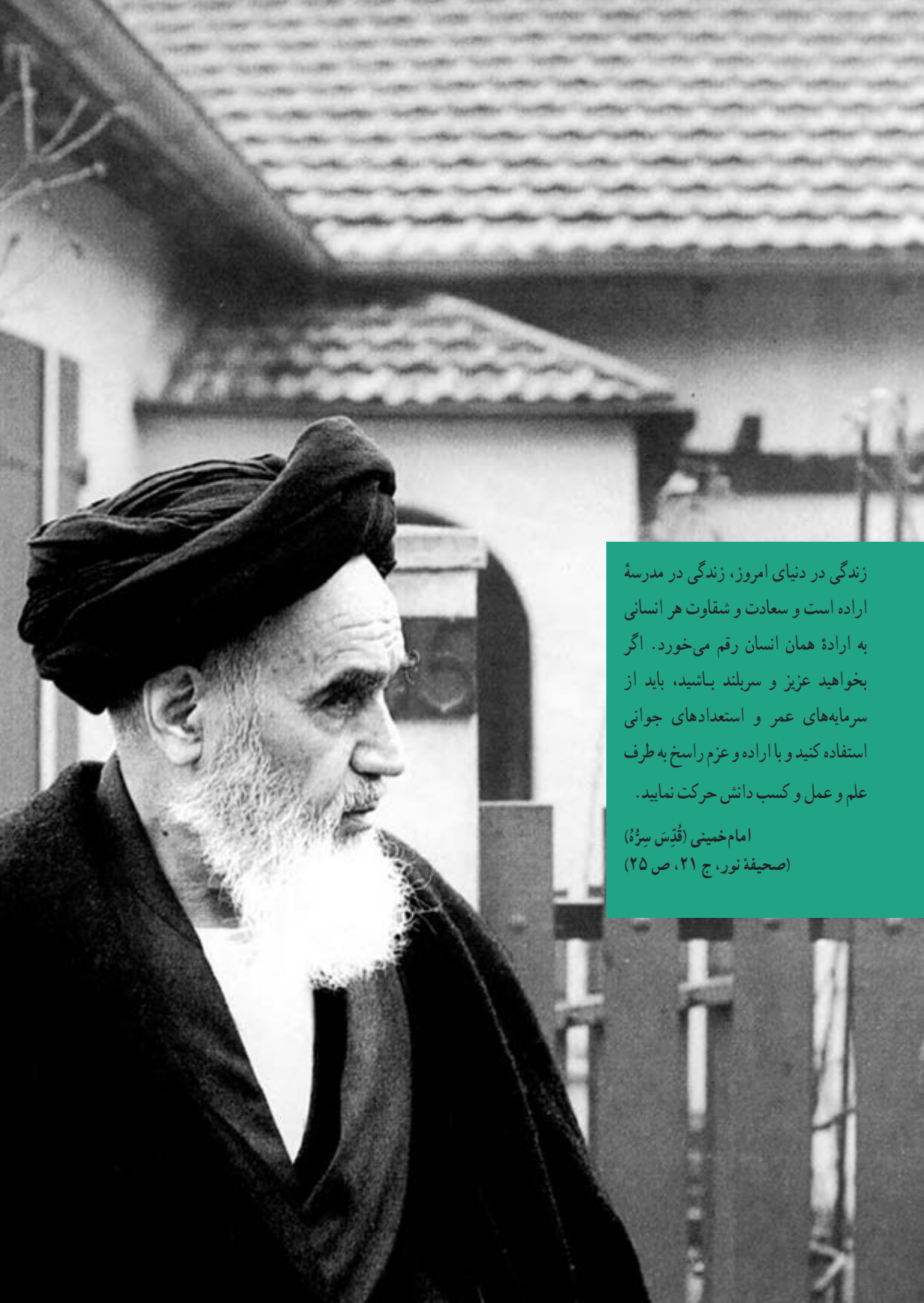
ناشر:

چاپخانه:

سال انتشار و نوبت چاپ:

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۳۸۰-۰۵

ISBN 978-964-05-3800-5



زندگی در دنیای امروز، زندگی در مدرسه
اراده است و سعادت و شقاوت هر انسانی
به اراده همان انسان رقم می‌خورد. اگر
بخواهید عزیز و سربلند باشید، باید از
سرمایه‌های عمر و استعدادهای جوانی
استفاده کنید و با اراده و عزم راسخ به طرف
علم و عمل و کسب دانش حرکت نمایید.

امام خمینی (قُدس سرّه)
(صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۲۵)

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکتیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

فهرست

بخش اول: تفکر و اندیشه



۱۲

درس دوم: قدرت پرواز



۲

درس اول: هدف زندگی



۳۳

درس چهارم: آینده روشن



۲۲

درس سوم: به سوی جاودانگی



۵۰

درس ششم: واقعه بزرگ



۴۲

درس پنجم: منزلگاه بعد



۵۸

درس هفتم: فرجام کار

بخش دوم: قدم در راه



۸۳

درس نهم: اعتماد بر او



۷۰

درس هشتم: آهنگ سفر



۱۰۴

درس یازدهم: فضیلت آراستگی



۸۹

درس دهم: یاری از دو یار عزیز



۱۱۷

درس دوازدهم: پیام پوشیدگی



پیش از مطالعه
کتاب، حتماً این
قسمت را بخوانید.

سخنی با دبیران



دوستان عزیز، سلام بر شما

۱- اصلاحات انجام شده در این کتاب، صرفاً در حد مرتبط ساختن آیات ابتدای درس با متن درس می باشد. برای اینکه قرائت آیات بهتر اتفاق بیفتد، سعی شده تا هر درس برای دو جلسه تنظیم شود تا در هر جلسه قرائت قرآن صورت بگیرد. همچنین، تغییرات جزئی در درس ها داده شده تا فعالیت تدریجی روی آیات بهتر انجام بگیرد.

۲- برای انس بیشتر دانش آموزان با قرائت قرآن کریم، آیاتی از قرآن کریم و ترجمه آن، در ابتدای هر درس آمده است. در هنگام تدریس، ۱۰ دقیقه ابتدای کلاس به قرائت اختصاص دارد. از آنجا که آموزش صحیح قرائت در دوره های تحصیلی گذشته انجام شده و قواعد قرائت صحیح، آموزش داده شده است، انتظار می رود که دانش آموزان بتوانند این قواعد را مراعات کنند و آیات را صحیح بخوانند. به همین جهت باید از دانش آموزان بخواهیم که آیات هر درس را روز قبل از طریق رمزینه های سریع پاسخ، مرور و تمرین کنند و در فرصت کوتاه کلاس، متن تمرین شده را به صورت «جمله به جمله» بخوانند.

۳- این درس وقتی نتیجه بخش و ثمردهنده خواهد بود که عرصه حضور، فعالیت و خلاقیت های فکری دانش آموزان باشد و به آنها شهامت اندیشیدن و ابتکار بدهد. میزان موفقیت ما در تدریس به میزان تفکر و اندیشه ورزی دانش آموزان بستگی دارد. روش تدریس و ارزشیابی ما نباید به گونه ای باشد که دانش آموزان مجبور باشند کتاب را چندبار بخوانند و حفظ کنند. آن امتحان و آن ارزشیابی با اهداف این درس هماهنگ است که امکان تحقیق، اظهار نظر و فکر کردن را برای دانش آموزان فراهم کند.

توجه :

۱- هنگام طراحی سؤال از آیات قرآن کریم، حتماً باید به دو نکته مهم توجه داشت :

الف) ترجمه آیاتی که در ابتدای هر جلسه آمده است، جزء محتوای آموزشی است و می توان از مفهوم آن سؤال داد، اما نمی توان دانش آموزان را ملزم به حفظ کردن عین ترجمه نمود.

ب) نمی‌توان صرفاً از آیه قرآن (بدون ذکر ترجمه) سؤال طراحی کرد و حتماً باید ترجمه آن نیز در کنار آن نوشته شود، زیرا گنجاندن متن عربی آیات در ابتدای هر درس صرفاً با هدف قرائت آن در آغاز کلاس است و نباید بدون ذکر ترجمه از آن سؤال داده شود.

۲- قسمت‌های «بیشتر بدانیم» و «باسخ سوالات شما» و «پیشنهاد» فقط برای توسعه اطلاعات و کسب نمره تشویقی است و در امتحانات پایانی و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها نباید از این قسمت‌ها سؤال طرح شود.

۳- فعالیت‌هایی که با علامت  مشخص شده‌اند، فعالیت‌های واگرا هستند و فقط در زمان تدریس و ارزشیابی مستمر از آنها استفاده می‌شود و در امتحانات پایانی و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها نباید سؤال از آنها طرح شود.

۴- «پاورقی‌ها» صرفاً جهت توسعه اطلاعات می‌باشد و در ارزشیابی پایانی و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها نباید مورد سؤال قرار گیرند.

۵- در برخی درس‌ها، گزینه‌هایی جهت آموزش بهتر برخی مفاهیم قرار داده شده است. این گزینه‌ها که با علامت  مشخص شده‌اند، صرفاً جهت یادگیری هر چه بهتر درس بوده و نباید از محتوای آن در ارزشیابی‌های مستمر و پایانی سؤال طراحی شود. اما برای ارائه آن در کلاس درسی می‌توانید نمره تشویقی در نظر بگیرید.



نظر سنجی کتاب درسی

پیش از مطالعه
کتاب، حتماً این
قسمت را بخوانید.

سخنی با دانش آموزان

دانش آموزان گرامی! سلام بر شما

سرمایه ما، اندیشه‌های پویا و ذهن‌های مبتکر و خلاق شماست. ما به وجود این سرمایه ایمان داریم و با تکیه بر همین ایمان آماده مشارکت شما در چهارچوب این کتاب هستیم. می‌دانید که خدای بزرگ در قرآن کریم اطمینان داده است که راه‌های هدایت را به آنان که در راه او می‌کوشند، نشان می‌دهد.

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا

لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا عَنكَوَتْ، ۶۹ به راه‌های خویش هدایتشان می‌کنیم.

آری، قرآن کریم کتاب هدایت است؛ هدایت انسان به سوی زندگانی توأم با رستگاری. پس ضروری است که برای شناخت این زندگی به پیشگاهش برویم و در آیات آن بیندیشیم. همچنین شایسته است راه و روش معصومین بزرگوار علیهم‌السلام را فراگیریم و در پیروی از آنان بکوشیم.

شما در سال‌های گذشته، در درس قرآن، توانایی خواندن این کتاب الهی و درک معنای بسیاری از آیات ارزشمند آن را به‌دست آورده‌اید و در درس دینی نیز با اصول دین، اخلاق اسلامی و برخی از احکام آشنا شده‌اید. اینک که به دوره دوم متوسطه آمده‌اید، با پیوستن این دو درس به یکدیگر «راه زندگی بر مبنای قرآن» را خواهید آموخت. به تدریج آیتانی از این کتاب آسمانی را مطالعه خواهید کرد و از هدایت‌های آن بهره‌مند خواهید شد. می‌توان گفت دو درس «آموزش قرآن» و «تعلیمات دینی» که در دوره‌های ابتدایی و متوسطه اول از یکدیگر جدا بودند، در این کتاب به یکدیگر پیوسته‌اند و قرآن کریم چراغ هدایت شما به سوی معرفت دینی شده است. امیدواریم این چراغ همواره فرا راه ما باشد و همگی ما را به منزل سعادت برساند.

اکنون توجه شما را به توضیحاتی پیرامون این کتاب جلب می‌کنیم:

۱- قسمت‌هایی از کتاب با مشارکت شما در کلاس درس تکمیل می‌شود؛ این قسمت‌ها عبارت‌اند از:

- تدبیر در ترجمه آیات یا احادیث درس‌ها.

- نتایج مورد نظر در برخی درس‌ها، با فعالیت فردی یا گروهی شما در کلاس به‌دست می‌آید.

- بخش «اندیشه و تحقیق» در پایان هر درس با تفکر، تحقیق و مطالعه شما به انجام خواهد رسید.

۲- در پایان بیشتر درس‌ها، با عنوان «پیشنهادهای»، فعالیت‌های تحقیقی، ادبی و هنری خواسته شده که با وجود اهمیت بسیاری که دارند، انجام آنها داوطلبانه است. با این حال، هر دانش‌آموزی که تعدادی از این پیشنهادها را انجام دهد، حداکثر تا دو نمره به نمره مستمر وی، هم در نوبت اول و هم در نوبت دوم، افزوده خواهد شد.

۳- آموزش این کتاب در فضایی فعال، پویا و با نشاط، نیازمند حرمت نهادن به کلاس و صمیمیت متقابل شما و دبیر گرامی است، بنابراین:

- برنامه دبیر را برای هدایت کلاس کاملاً اجرا کنید.

- به اظهار نظرهای دوستان خود، احترام بگذارید.

- نظرات هم‌کلاسی‌های خود را با تجزیه و تحلیل دقیق ارزیابی کنید.

۴- این درس عرصه حضور احساسات درونی و خلاقیت‌های فکری شماست و موفقیت شما در این درس، به میزان تفکر، اندیشه، ذوق و ابتکار شما بستگی دارد؛ کتاب نیز اگر فرصتی برای اندیشیدن فراهم کند، موفق خواهد بود. در واقع ما هرگز نخواسته‌ایم درس‌ها به گونه‌ای باشند که مطالب کتاب را با چند بار خواندن و حفظ کردن به‌خاطر بسپارید تا در امتحان موفق شوید. پس شما هم به آن امتحانی ارزش دهید که امکان فهمیدن، فکر کردن و تحقیق را برایتان فراهم می‌سازد. با توجه به آنچه گفته شد، ارزشیابی این درس در دو بخش انجام می‌گیرد:

بخش اول: ارزشیابی مستمر؛ شامل موارد زیر:

۱- قرائت صحیح آیات شریفه؛ ۴ نمره

توجه کنید که ده دقیقه اول هر جلسه اختصاص به قرائت دارد و باید آیات ابتدای هر جلسه به درستی قرائت شود.

۲- انجام فعالیت‌های داخل درس و پرسش از متن؛ ۸ نمره

۳- مشارکت در گفت‌وگو و کار گروهی؛ ۴ نمره

۴- پاسخ به سؤال‌های بخش‌های «اندیشه و تحقیق»؛ ۴ نمره

توجه: انجام پیشنهادها، نگارش مقالات تحقیقی، بازکردن رمزینه‌ها و استفاده از آنها و ارائه ابتکارهای ادبی و هنری تا دو نمره به معدل نمره مستمر اضافه می‌کند.

بخش دوم: ارزشیابی پایانی؛ این ارزشیابی در پایان هر نیم‌سال به‌صورت کتبی انجام می‌شود. در این آزمون، سؤال‌هایی از قسمت‌های مختلف درس، طرح می‌شود و شما دانش‌آموزان به آن سؤال‌ها به‌صورت کتبی پاسخ می‌دهید. این سؤال‌ها بیشتر به گونه‌ای خواهد بود که نیازمند تفکر و تجزیه و تحلیل باشد و قدرت تعقل و استنباط شما را نشان دهد. بنابراین شایسته است کتاب را به نحوی مطالعه کنید که پاسخگوی این گونه سؤال‌ها باشید.

خداوند یار و نگهدار تان باد

مؤلفان

تفکر و اندیشه

۱

بخش اول

وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِّلْمُوقِنِينَ وَفِي أَنفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ
در زمین برای اهل یقین نشانه‌هایی است؛ و نیز در خودتان، آیا نمی‌نگرید؟!
ذاریات ۲۰ و ۲۱



قرائت: آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن خداست
و او بر هر کاری تواناست
در آفرینش آسمان‌ها و زمین
و در آمد و شد شب و روز
نشانه‌هایی برای خردمندان است
همانان که خدا را یاد می‌کنند
چه ایستاده و چه نشسته
و چه خوابیده بر پهلوهایشان،
و در آفرینش آسمان‌ها و زمین تفکر می‌کنند
[ومی‌گویند: پروردگارا اینهارا بیهوده نیافریده‌ای
تو از بیهوده کاری منزهی،
ما را از عذاب آتش در امان بدار.
پروردگارا، هر کس را که تو در آتش افکنی
خوار و رسوایش ساخته‌ای

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ
وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝۱۸۹
إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ
وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ
لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ ۝۱۹۰
الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ
قِيَامًا وَ قُعُودًا
وَ عَلَى جُنُوبِهِمْ
وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ
رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا
سُبْحَانَكَ
فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ۝۱۹۱
رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تُدْخِلِ النَّارَ
فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ



وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ

﴿ رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا

يُنَادِي لِلْإِيمَانِ

أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ

فَأْمَنَّا

رَبَّنَا فَاعْفُ رَنَا ذُنُوبَنَا

وَكُفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا



وَتَوْفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ

و ستمکاران یآوری ندارند

پروردگارا ما ندای آن منادی را شنیدیم

که مردم را به ایمان فرا می خواند

و می گفت: به پروردگارتان ایمان بیاورید.

ما نیز ایمان آوردیم

پس پروردگارا گناهانمان را ببخش

و بدی هایمان را بپوشان

و در زمره نیکان بمیران.

آل عمران، ۱۸۹ تا ۱۹۳

جهان هدفمند

در پس خلقت تک تک موجودات این جهان هدفی وجود دارد، گرچه ما نتوانیم به هدف خلقت هر کدام آنها پی ببریم؛ زیرا خالق حکیم و قدرتمند این جهان منزّه از بیهوده کاری است و براساس حق عمل می کند، نه بر باطل. از این رو می فرماید:

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

وَمَا بَيْنَهُمَا لِأَعْبِثَ

مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ^۱

و ما آسمان ها و زمین

و آنچه بین آنهاست را به بازیچه نیافریدیم،

آنها را جز به حق خلق نکردیم.

حق بودن آفرینش آسمان ها و زمین به معنای هدف دار بودن خلقت آنهاست و انسان نیز به عنوان مخلوقی از مخلوقات خدا، از این قاعده کلی جدا نیست و قطعاً هدفی از آفرینش او وجود داشته است. گام نهادن او در این دنیا، فرصتی است که برای رسیدن به آن هدف به او داده شده است. از این رو، حضرت علی (علیه السلام) هرگاه که مردم را موعظه می کرد، معمولاً سخن خود را با این عبارات آغاز می نمود:

ای مردم ... هیچ کس بیهوده آفریده نشده تا خود را سرگرم کارهای بیهوده کند و او را به خود وانگذاشته اند تا به کارهای لغو و بی ارزش بپردازد.^۲

۱- سورة دخان، آیات ۳۸ و ۳۹

۲- نهج البلاغه، حکمت ۳۷۰

البته میان هدف انسان و موجودات دیگر تفاوت‌های زیادی است؛ تفاوت‌هایی که به ویژگی‌های خاص انسان و تمایز او از سایر موجودات باز می‌گردد. برخی از این تفاوت‌ها عبارت‌اند از:

۱- انسان خود باید هدف از خلقت خود را بشناسد و آن را انتخاب کند و به‌سوی آن گام بردارد؛ در حالی که گیاهان به‌صورت طبیعی و حیوانات به‌صورت غریزی به‌سوی هدف خود حرکت می‌کنند؛ مثلاً دانه گندم به‌صورت طبیعی در جهت رسیدن به هدف نهایی خود یعنی تبدیل شدن به خوشه‌ای با ده‌ها دانه حرکت می‌کند و یا نهال کوچک خرما در مسیر رسیدن به نخلی تنومند پیش می‌رود.

۲- انسان برخلاف حیوانات و گیاهان که استعداد‌های محدودی دارند، دارای مجموعه‌ای فراوان از استعداد‌های مادی و معنوی است. به همین دلیل گزینه‌های فراوانی از انتخاب، جلو روی اوست که باید گزینه درست را از میان صدها گزینه دیگر بیابد و انتخاب نماید.

۳- انسان روحیه‌ای بی‌نهایت طلب دارد و عطش او در دستیابی به خواسته‌هایش نه تنها کم نمی‌شود، بلکه روز به روز فروز تر می‌گردد. او به دنبال چیزی است که هرگز پایان نپذیرد و تمام نشود. درحالی که حیوان‌ها و گیاهان هدف‌های کوچک و کوتاهی دارند و هنگامی که به حدی از رشد و کمال می‌رسند، متوقف می‌شوند؛ چنان که گویی راهشان پایان یافته است.

اختلاف در انتخاب هدف

وقتی به دنیای انسان‌ها می‌نگریم، با صحنه‌ای حیرت‌انگیز از اختلاف‌ها و تفاوت‌ها روبه‌رو می‌شویم؛ اختلاف‌ها آن‌چنان گسترده و عمیق است که در بسیاری از مواقع هیچ نقطه مشترکی با هم ندارند و در تضاد کامل با یکدیگر هستند؛ به‌گونه‌ای که انسان سرگردان و متحیر می‌ماند و با خود می‌گوید که آیا خداوند واقعاً انسان را برای این همه اهداف متفاوت و متضاد آفریده است؟! دسته‌ای دل به پول و ثروت سپرده، دسته‌ای سرگرم کشف اسرار جهان شده، برخی برای رسیدن به قدرت به هرکاری تن در داده، گروهی هنرمندی ورزیده و دل در گرو هنرهای گوناگون داده، برخی خدمت به خلق را سر لوحه زندگی کرده و کسانی در آرزوی قهرمانی در ورزش خود را به رنج انداخته‌اند و صدها آرزو و آمال دیگر.



فعالیت کلاسی

به نظر شما منشأ این اختلاف‌ها چیست؟

آیا خداوند برای هر گروهی هدف متفاوت در خلقت قرار داده است؟

.....

.....

وقتی که بیشتر با خود فکر می‌کنیم و احوال افراد را زیر نظر می‌گیریم، می‌یابیم که: اختلاف در انتخاب‌ها، ریشه در اختلاف در بینش‌ها و نگرش‌های انسان‌ها دارد. هرکس با بینش و نگرش خاص خود به سراغ هدفی می‌رود و راهی را انتخاب می‌کند. اگر کسی چنین بیندیشد که کمک به دیگران ارزشمند است و می‌تواند روحیه بی‌نهایت طلب او را سیراب کند و پاسخگوی استعدادهای گوناگونش باشد، می‌کوشد به دیگران کمک کند. کسی هم که فکر می‌کند با داشتن شهرت می‌تواند به این نتایج برسد، همه زندگی خود را در مسیر رسیدن به شهرت قرار می‌دهد. پس اختلاف در هدف‌ها، ریشه در نوع نگاه و اندیشه انسان‌ها دارد. تفاوت نگاه آنها به جهان، انسان و خود سبب انتخاب‌های متنوع و گوناگون آنها می‌شود و راه آنها را از یکدیگر متفاوت می‌سازد.

تدبر در آیات (۱)

به آیات ابتدای درس برگردیم و از قرآن کریم در این زمینه کمک بگیریم. جملات زیر را تکمیل کنید و مشخص کنید که هر جمله از کدام آیه گرفته شده است.

۱- از منظر قرآن کریم، جهان است و به خود و انهاد و آیه نیست.

۲- رسیدن به نگاه درست درباره جهان، نیازمند است. آیه

۳- اندیشه درباره خلقت ما را به آنجا می‌رساند که امکان ندارد خداوند برای جهان خلقت معین نکرده باشد؛ زیرا کسی که خلقت را بی هدف بیابد، خداوند را موجودی فرض کرده است. آیه

۴- کسی که خداوند را موجودی این چنین بیندارد، راه رفته و خود را کرده است. آیه

۵- آن کس که با دست خود، خود را گرفتار کند به خود کرده و خداوند از چنین کسی نمی‌کند. آیه

۶- اما آن کس که را محکم کند و دل به او بسپارد و به او اعتماد کند و راه و هدف زندگی را از او بپرسد، در نهایت و با برای ابد همراه خواهد بود. آیه

قرائت: آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



* مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ
عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ
لِمَنْ نُرِيدُ

ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ
يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا ﴿١٨﴾

* وَ مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ
وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا

وَهُوَ مُؤْمِنٌ

قَالَتْ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا ﴿١٩﴾
* كَلَّا نَبْدُ هُوَ لَاءٌ وَ هُوَ لَاءٌ

مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ

وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا ﴿٢٠﴾
* أَنْظِرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا

بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ

وَ لِلْآخِرَةِ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ

وَ أَكْبَرُ تَفْضِيلًا ﴿٢١﴾

* لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ

فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَّخْذُولًا ﴿٢٢﴾

هر کس بهره زودیاب دنیا را بخواهد

آن مقدار از آن را که بخواهیم،

به هر کدامشان که اراده کنیم، می دهیم

سپس جهنم را برای او قرار می دهیم

که سرزنش شده و مطرود به آن در آید

و هر کس آخرت را بخواهد

و چنان که باید برای آن بکوشد

و مؤمن به خدا باشد

چنین کسانی ثمره تلاش خود را خواهند دید

ما هر دو گروه را مدد می دهیم

با بهره ای که از پروردگارت دریافت می کنند

و مانعی بر سر راه عطای پروردگارت نیست

بنگر که چگونه برخی از مردم را در دنیا

بر برخی دیگر برتری می دهیم

البته در آخرت درجات بزرگتر

و فضل و برتری های بزرگتری است

پس در کنار خدا، خدایی دیگر قرار مده

که سرزنش و خواری دامنگیرت خواهد شد

اسراء، ۱۸ تا ۲۲

معیارهای انتخاب هدف‌های اصلی

با توجه به تفاوت نگاه‌ها و اندیشه‌ها و گزینه‌های بسیار متضاد و مخالف با یکدیگر، برای اینکه بتوانیم هدف‌های خود را به درستی انتخاب کنیم، نیازمند معیار و ملاک دقیقی هستیم که اشتباه را از بین ببرد یا به حداقل برساند و عمر و فرصتی را که فقط یک بار به ما داده می‌شود، پرتیر کند و رضایت واقعی و همیشگی را به دنبال داشته باشد.

خدای رحیم و مهربان که از همه به ما مهربان‌تر و از خود ما به نیازهای ما آگاه‌تر است، در این مورد ما را هدایت و راهنمایی کرده و معیار انتخاب هدف را مشخص فرموده و آثار و نتایج آن را نیز یادآور شده است.

تدبر در آیات (۲)

ترجمه آیات ۱۸ تا ۲۲ سوره اسراء را بخوانید و با تفکر در آنها جدول زیر را تکمیل کنید.

پیام	آیات مرتبط با پیام
- برخی از هدف‌ها محدود و پایان‌پذیر هستند و تنها پاسخگوی برخی از استعدادهای مادی ما هستند. - اگر کسی این هدف‌ها را به عنوان هدف اصلی برگزیند، ممکن است به مقداری از آن برسد. - اگر کسی فقط این هدف‌ها را انتخاب کند - برخی هدف‌ها پایان‌ناپذیر و همیشگی اند و پاسخگوی استعدادهای مادی و معنوی بیشتری در وجود ما هستند. - اگر کسی این هدف‌ها را به عنوان هدف اصلی برگزیند و به هدف خود خواهد رسید. - هدف‌های پایان‌ناپذیر همان هدف‌های اخروی هستند. - هدف‌های پایان‌پذیر همان هدف‌های دنیوی هستند. - اصل قرارگرفتن هدف‌های اخروی، مانع بهره‌مندی انسان از نعمت‌های دنیایی نمی‌شوند. - اگر هدف‌های دنیوی اصل قرار گیرند، مانع رسیدن ما به هدف‌های اخروی می‌شوند.	 آیه ۱۸ سوره اسراء
نتیجه: برنامه‌ریزی انسان باید در برگزیده اهداف اخروی و اهداف باشد، به گونه‌ای که اهداف اصل قرار گیرند و هدف‌های دنیوی و تابع آنها باشند.	

همان طور که با تدبّر در آیات به دست آوردیم، اینجا سخن از تشخیص هدف های اصلی از فرعی است، هدف هایی که هر دو خوب می باشند و برای زندگی ما ضروری هستند. مهم این است که هدف فرعی را به جای هدف اصلی قرار ندهیم که در این صورت مانع ما در رسیدن به اهداف اصلی می شوند و ما را از رسیدن به اهداف بزرگ که خدا ما را برای آنها خلق کرده، باز می دارند. تلاش برای رسیدن به نعمت های دنیا نه تنها بد نیست، بلکه ضروری و خوب است. فقط باید توجه کنیم که برای رسیدن به نعمت های دنیا از انجام فرمان های خدا غافل نشویم که در آن صورت، خوبی ها و زیبایی های ابدی را از دست خواهیم داد و گرفتار رنج های بی پایان خواهیم شد.

بعد از دیدن فیلم بیان کنید که داستان مسلمان شدن و شهادت ادواردو آنیلی، فرزند مدیر و مالک کارخانه های اتومبیل سازی فیات، فراری و مازراتی و صاحب باشگاه یوونتوس با بحث هدف های اصلی و فرعی چه ارتباطی دارد؟



❁ بررسی ۱

با توجه به اهدافی که دیگران برای زندگی خود انتخاب کرده اند، فهرستی از هدف ها تهیه کنید و با توجه به آنچه از فعالیت تدبّر آموخته اید، آنها را مطابق با جدول زیر تفکیک کنید.

اهداف و دل بستگی های اصلی	اهداف و دل بستگی های فرعی
۱-	۱-
۲-	۲-
۳-	۳-
۴-	۴-
۵-	۵-
۶-	۶-
۷-	۷-
۸-	۸-

۱- فعالیت هایی که با علامت (❁) مشخص شده اند، فعالیت های واگرا هستند و فقط برای ارزشیابی مستمر استفاده می شوند و در امتحانات پایانی و آزمون های ورودی دانشگاه ها نباید از آنها سؤال طرح شود.

برترین هدف

حتماً این مصرع از شعر زیبای مولوی را شنیده‌اید که می‌گوید :

چون که صد آمد نود هم پیش ماست

این مصرع را به صورت یک ضرب‌المثل برای حقیقتی استفاده می‌کنند که در دل خود چند حقیقت را با هم داشته باشد و در بردارندهٔ مجموعهٔ آنها باشد.

برخی هدف‌ها در زندگی انسان این گونه‌اند؛ یعنی به تنهایی در بردارندهٔ هدف‌های دیگر نیز هستند و رسیدن به آنها برابر با رسیدن به اهداف زیرمجموعه نیز است. حال، به میزانی که این گونه هدف‌ها کامل‌تر و جامع‌تر باشند، هدف‌های بیشتری را در درون خود جای می‌دهند. معمولاً آدم‌های زیرک و هوشمند، به سراغ این گونه هدف‌ها می‌روند تا به قول معروف «با یک تیر چند نشان بزنند».

حال به نظر شما در میان هدف‌های اصلی، برترین و کامل‌ترین هدف کدام است؟ هدفی که رسیدن به آن مساوی با رسیدن به هدف‌های دیگر نیز باشد؟

امیرالمؤمنین علی علیه السلام را بنگرید! ایشان رشد و تکامل خود را زیر نظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آغاز کرد و به تمام کمالات و زیبایی‌ها دست یافت. وقتی به شخصیت ایشان می‌نگرید، می‌بینید که ایشان در میدان‌های علم و دانش، رشادت و جنگاوری، سخنوری و خطابه، مهربانی و دوستی، پهلوانی و جوانمردی، نیایش و عبادت، حق‌طلبی و عدالت، پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله بی‌نظیر است. مگر ایشان چه چیزی را مقصود و هدف خود قرار داده که به همهٔ این زیبایی‌ها دست یافته است؟

بعد از دیدن این فیلم کوتاه، به سؤال زیر پاسخ دهید :
خدا ما را خلق کرد تا به کجا برسیم؟



با اندکی تأمل در خود، در می‌یابیم که همگی در جست‌وجوی منبع اصلی خوبی‌ها و زیبایی‌ها هستیم و تا خود را به آن منبع و مبدأ نرسانیم، آرام و قرار پیدا نخواهیم کرد و از پای نخواهیم نشست. این منبع و این سرچشمه، خودِ خداوند است که خالق همهٔ کمالات و زیبایی‌هاست؛ هر کمال و خوبی از او سرچشمه می‌گیرد و در جهان گسترده می‌شود.

۱- بیت کامل آن که در مدح پیامبر اکرم است، این می‌باشد :

نام احمد نام جمله انبیاست چون که صد آمد نود هم پیش ماست

پس مقصود و هدف نهایی ما خداست. به راستی جز او چه کسی و چه چیزی می تواند روح پایان ناپذیر انسان را سیراب کند و زمینه شکوفا شدن استعداد های متنوع مادی و معنوی انسان را فراهم آورد؟ اگر روح انسان بی نهایت طلب است و خوبی های بی پایان را می خواهد، شایسته است که تنها نزدیکی به خدای بزرگ را مقصد نهایی خود قرار دهد و آماده حضور در پیشگاه او باشد.

البته نزدیکی و تقرب به خداوند، نزدیکی مکانی و ظاهری نیست. چه بسا دو نفر در یک مکان در کنار هم باشند ولی هیچ نزدیکی به هم احساس نکنند. نزدیکی به خدا یک نزدیکی حقیقی است، همان طور که دوری از او هم بدترین نوع دوری است.

افراد زیرک با انتخاب خدا به عنوان مقصود اصلی زندگی خود، در عین حال که جان و دل به خدا سپرده اند و او را می طلبند، از نعمت های مادی خداوند و خوبی های دنیا، آن طور که خدا اجازه داده بهره می برند و دیگران را هم بهره مند می سازند. در نتیجه هم دنیای سرافراز و عزتمندی دارند و هم آخرت شادی بخشی در انتظار آنان است.

مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا
فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
هر کس نعمت و پاداش دنیا را بخواهد
نعمت و پاداش دنیا و آخرت نزد خداست.

ای دوست، بگر بهتر یا آن که بگر سازد؟	خوبی قمر بهتر، یا آن که قمر سازد؟
ای باغ تویی خوش تر یا گلشن و گل در تو؟	یا آن که برآرد گل، صد نرگس تر سازد؟
ای عقل تو به باشی در دانش و در بیش؟	یا آن که به هر لحظه صد عقل و نظر سازد؟ ^۲

۱- سورة نساء، آیه ۱۳۴

۲- مولوی، دیوان شمس

- ۱- شعر «چون که صد آمد، نود هم پیش ماست» چه ارتباطی با موضوع هدف زندگی دارد؟
- ۲- دلیل بیاورید :
- الف) انتخاب خداوند به عنوان هدف اصلی زندگی، نشانه زیرکی مؤمنان است.
- ب) کسی که هدف اصلی زندگی خود را فقط ثروتمند شدن قرار دهد، زیان دیده خواهد بود.
- ۳- شخصی می گوید: «لازمه تقرب به خدا این است که کارهایی مانند کسب مال و ثروت کنار گذاشته شود» با او موافقت یا خیر؟ چرا؟
- ۴- حکایت زیر را بخوانید و با توجه به آن به سؤال پاسخ دهید.
- «مسافری در سفر خود به یک دو راهی رسید. از پیرمردی که در آنجا نشسته بود پرسید: من از کدام یک از این دو راه باید بروم؟ پیرمرد گفت: قصد داری به کجا بروی؟ مسافر جواب داد: نمی دانم! پیرمرد گفت: وقتی نمی دانی به کجا می خواهی بروی، تفاوتی نمی کند که کدام راه را انتخاب کنی!»
- به نظر شما این حکایت، با کدام یک از بخش های درس در ارتباط است؟ چرا؟

پیشنهاد

با توجه به آیه ۳۷ سوره سبأ بیان کنید که خداوند چه چیز را عامل قُرب انسان ها به خود می داند؟

معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
طعم شیرین خدا	محسن عباسی ولدی	آیین فطرت	دانش آموز
نقش و حضور خدا در جهان	هادی فنایی اشکوری	حکمت اسلامی	معلم
به سوی بی نهایت	محمدحسن و کیلی	مؤسسه جوانان آستان قدس	دانش آموز / معلم
تنهاترین عاشق، عاشق ترین تنها	نصرالله قادری	نیستان	دانش آموز
خدا در شعر فارسی	علیرضا خوشدل	پیام اندیشه	معلم / دانش آموز
خدا بود و دیگر هیچ	مصطفی چمران	بنیاد شهید چمران	دانش آموز
عشق خدا	مؤسسه جوانان آستان قدس	مؤسسه آستان قدس	دانش آموز

درس دوم

قدرت پرواز



قرائت: آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



روی خود را حق گرایانه به سوی دین خدا قرار ده
همان سرشتی که خدا مردم را بر آن آفرید
آفرینش خدا دستخوش تبدیل و تغییر نمی شود
این همان دین استوار و پابرجاست
گرچه اکثر مردم نمی دانند

﴿۳۰﴾ * فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا
فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا
لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ
ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ
وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

روم، ۳۰

در آفرینش آسمان ها و زمین
و آمد و شد شب و روز
نشانه هایی برای خردمندان است
همنان که خدا را یاد می کنند
چه ایستاده و چه نشسته
و چه خوابیده بر پهلوهایشان
و تفکر می کنند
در آفرینش آسمان ها و زمین
[و می گویند] پروردگارا، اینها را بیهوده نیافریده ای
منزهی تو، ما را از عذاب آتش در امان بدار
آل عمران، ۱۹۰ و ۱۹۱

﴿۱۹۰﴾ * إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ
﴿۱۹۱﴾ * الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ
قِيَامًا وَقُعُودًا
وَعَلَى جُنُوبِهِمْ
وَيَتَفَكَّرُونَ
فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا
سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

سوگند به نفس و آن که سامانش داد
آن گاه بدکاری و تقوایش را به او الهام کرد
شمس، ۷ و ۸

﴿۷﴾ * وَ نَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا
﴿۸﴾ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا

در درس پیشین دانستیم که جامع‌ترین و اصلی‌ترین هدف زندگی انسان، نزدیکی و تقرب به خداست. رشد و کمال انسان و در نتیجه رستگاری او فقط با گام برداشتن به سوی این هدف میسر می‌شود. اولین گام برای حرکت انسان در این مسیر، شناخت انسان است؛ یعنی شناخت سرمایه‌ها، توانایی‌ها و استعدادهای او و چگونگی به کارگیری این سرمایه‌ها و همچنین شناخت موانع حرکت انسان در مسیر تقرب به خداوند و نحوه مقابله یا اجتناب از این موانع. به همین دلیل است که خودشناسی سودمندترین دانش‌ها شمرده شده است.^۱

سرمایه‌های انسان

خداوند آنچه در آسمان‌ها و زمین است، برای انسان آفریده و توانایی بهره‌مندی از آنها را در وجود او قرار داده است.^۲ اینها نشان می‌دهد خداوند متعال انسان را گرامی داشته و برای انسان در نظام هستی جایگاه ویژه‌ای قائل شده است.

همچنین، خداوند متعال برای اینکه انسان بتواند در مسیر رشد و کمال خود حرکت کند و به هدف خلقت یعنی تقرب به خدا دست یابد، سرمایه‌هایی در اختیارش قرار داده است. برخی از این سرمایه‌ها عبارت‌اند از:

۱- پروردگار، به ما نیرویی عنایت کرده تا با آن بیندیشیم و مسیر درست زندگی را از راه‌های غلط تشخیص دهیم. حقایق را دریابیم و از جهل و نادانی دور شویم.

- (الف) نام این توانایی چیست؟
- (ب) کدام آیه ابتدای درس به این توانایی اشاره کرده است؟
- (ج) دو پیام از ترجمه این آیه استخراج کنید:
-

۲- خداوند، ما را صاحب اراده آفرید و مسئول سرنوشت خویش قرار داد. سپس راه رستگاری و راه شقاوت را به ما معرفی کرد تا با تشخیص خود راه رستگاری را برگزینیم و از شقاوت دوری کنیم.

با توجه به همین ویژگی است که خدا می‌فرماید:

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ
إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا^۳
ما راه را به او نشان دادیم
یا سپاسگزار خواهد بود یا ناسپاس

(الف) برای این ویژگی، نام مناسب انتخاب کنید:

۳- سوره انسان، آیه ۳

۲- برگرفته از سوره لقمان، آیه ۲۰

۱- غُرُزُ الْحِکْم / تمیمی آمدی، ح ۹۸۶۵

..... (ب) پیام مهم این آیه چیست؟

.....
۳- هرکس در خود می‌نگرد و یا به تماشای جهان می‌نشیند، خدا را می‌یابد و محبتش را در دل احساس می‌کند. امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید :

« هیچ چیزی را مشاهده نکردم، مگر اینکه خدا را قبل از آن، بعد از آن و با آن دیدم »^۱

گاهی غفلت‌ها سبب دوری ما از او و فراموشی یاد او می‌شود، ولی زمانی که به خود باز می‌گردیم، او را در کنار خود می‌یابیم و می‌گوییم :

دوست نزدیک‌تر از من به من است و من عجب‌تر که من از وی دورم
چه کنم با که توان گفت که او در کنار من و من مجورم^۲

..... الف) برای این ویژگی، نام مناسب انتخاب کنید :

..... ب) کدام آیه به این ویژگی اشاره می‌کند؟

..... ج) دو پیام از ترجمه این آیه استخراج کنید :

.....
۴- خدای متعال، شناخت خیر و نیکی و گرایش به آن و شناخت بدی و زشتی و بیزاری از آن را در وجود ما قرار داد، تا به خیر و نیکی روآوریم و از گناه و زشتی بپرهیزیم. به همین جهت همگی ما خوبی‌هایی چون صداقت، عزت نفس و عدالت را درک می‌نماییم و دوست داریم و دورویی، حقارت نفس، ریا و ظلم را می‌فهمیم و از آن بیزاریم.

..... الف) برای این ویژگی، نام مناسب انتخاب کنید :

..... ب) کدام آیه از درس اول به این ویژگی اشاره می‌کند؟

..... ج) یک پیام از ترجمه این آیه استخراج کنید :

.....
۵- عاملی در وجود انسان هست که در مقابل گناه و زشتی واکنش نشان می‌دهد و اگر انسان به گناه آلوده شود، خود را سرزنش و ملامت می‌کند و در اندیشه جبران آن برمی‌آید. قرآن کریم، این عامل

۲- گلستان سعدی

۱- علم الیقین، ملا محسن فیض کاشانی، ج ۱، ص ۴۹

درونی را «نفسِ لَوَّامه»، یعنی نفسِ سرزنشگر، نامیده و به آن سوگند خورده است.

و لَا أَقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ^۱ و سوگند به نفسِ ملامت کننده

(الف) نام دیگر این عامل درونی را بنویسید :

(ب) یک پیام از ترجمهٔ این آیه استخراج کنید :

۶- علاوه بر این سرمایه‌های بزرگ که خداوند در درون خود انسان قرار داده، انسان را تنها نگذاشته و راهنمایان الهی را همراه با کتاب راهنما برای او فرستاده و راه کسب سعادت را به وی نشان داده است. کدام یک از اصول دین به این راهنمایی اشاره می‌کند؟

تناسب میان سرمایه‌ها و هدف زندگی

سرمایه‌ها و توانایی‌های هر موجودی با هدف او تناسب دارد و نمی‌شود که خداوند یک توانمندی و سرمایهٔ بزرگ به مخلوقی بدهد ولی برای او هدف کوچکی تعریف کند؛ مثلاً اگر خداوند می‌خواست انسان فقط مانند سایر حیوان‌ها بخورد و بیاشامد و تولید مثل کند، نیازی نبود که چنان قدرت فکری به او بدهد که بتواند هزاران رشته و شاخهٔ دانش، هزاران شاخهٔ هنر، هزاران فکر در سیاست و اخلاق و معنویت را ابداع کند، بفهمد و به پیش ببرد. روشن است که این قدرت فکری برای رسیدن به حقایق بسیار فراتر از نیازهای بدنی و حیوانی است. پس چگونه می‌توانیم به کاری که در حد و اندازهٔ حیوانات است، قانع شویم و در همان سطح بمانیم؟ هدف ما باید به وسعت سرمایه‌هایمان باشد.^۲

بله، حیوان همان غذایی را امروز می‌خورد که دیروز و پریروز می‌خورد و اجدادش می‌خوردند. اما انسان، از همان روزی که بر روی زمین خلق شده تا امروز هزاران نوع غذا را کشف یا ابداع نموده و برای لذت بردن از آنها، به آشپزخانهٔ خود وارد کرده است. اما آیا این نشانهٔ برتری انسان بر حیوان است؟ نه، چون هر دو نیاز به غذا داریم و غذا می‌خوریم، با این تفاوت که غذا خوردن حیوان به طبیعت آسیب نمی‌رساند اما غذا خوردن ما، با این روشی که در پیش گرفته‌ایم، صدها آسیب به طبیعت وارد کرده است. به همین جهت اگر دغدغهٔ یک انسان و انتظار وی از خودش بهتر زندگی کردن به معنای مادی و بدنی آن باشد، مسلماً از حیوان پایین‌تر است.

آنچه ما را از حیوان ممتاز می‌کند همان بُعد روحی و انسانی ماست که معنای آزادگی، عدالت، شجاعت و نظایر اینها را می‌فهمد. خدا، عقل با این عظمت را به‌خاطر رسیدن به چنین خوبی‌ها و لذت بردن از آنها در اختیار ما قرار داده است. همین عقل است که با دوراندیشی، ما را از خوشی‌های زودگذر منع می‌کند

۲- سورة فرقان، ۴۴ و سورة اعراف، ۱۷۹

۱- سورة قیامت، ۲

و همان وجدان است که با محکمه‌اش، ما را از راحت‌طلبی‌های حیوانی باز می‌دارد. اگر بنا بر خوردن و خوابیدن باشد، حیوانات از ما خوش‌تر زندگی می‌کنند! چون نه عقل دارند که مانع آنان باشد و نه وجدانی که گاه و بیگاه آنان را سرزنش کند.

بیشتر بدانیم

در جست‌وجوی گنج

شخصی سال‌ها در جست‌وجوی گنج بود. روزها زمین را می‌کاوید و شب‌ها به زاری از خدا می‌خواست تا در یافتن گنج به او کمک کند تا سر و سامانی به زندگی خویش دهد. تا اینکه یک شب، هاتفی در عالم خواب به او گفت: «من از طرف خدا مأمورم تو را در یافتن گنج کمک کنم. تیر و کمانت را بردار و به فلان تپه برو و در نقطه‌ای که می‌گویم، تیر را در کمان قرار ده. تیر هرجا که افتاد، گنج همان‌جاست!»!

مرد با طلوع خورشید تیر و کمان خود را برداشت و به تپه‌ای که نشانی آن را در خواب گرفته بود رفت. اما هاتف نگفته بود تیر را به کدام سمت پرتاب کند. از همین رو، تیر را به جهت‌های مختلف پرتاب می‌کرد و هرجا تیر می‌افتاد، به کندن آن مشغول می‌شد. ولی هیچ خبری از گنج نبود. اندوهگین به گوشه‌ی مسجدی درآمد و گریه و ناله آغاز کرد که خدا یا آخر این چه راهنمایی‌ای بود که به من کردی؟

مدت‌ها کارش گریه و دعا به درگاه الهی بود تا سرانجام آن هاتف بار دیگر به خوابش آمد. مرد شکوه‌کنان به وی گفت: حرف تو غلط از کار درآمد. من نقطه‌ای را که گفتی پیدا کردم، تیر را به کمان کردم و به قوت کشیدم اما...

هاتف گفت: تو آن‌گونه که من گفتم، عمل نکردی. گفتم تیر را به کمان بگذار، هرجا افتاد همان‌جا گنج است، نگفتم به قوت بکش.

مرد گفت: راست می‌گویی.

فردا به همان نقطه رفت؛ تیر را به کمان گذاشت. تا تیر را رها کرد؛ پیش پای خودش افتاد. آن‌گاه بود که فهمید منظور هاتف این بوده که گنجی که سال‌ها به دنبال آن بوده است چقدر به او نزدیک و او در دوردست‌ها به دنبال آن می‌گشته است. یعنی آن گنج در درون خودش بوده است.

ای کمان و تیر! بر ساخته گنج نزدیک و تو دور انداخته!

اندیشه و تحقیق

۱- چرا با این که همه انسان‌ها دارای قوه‌ی عقل هستند، همه عاقلانه رفتار نمی‌کنند؟

۲- برای رشد عقل و رسیدن به صفت عاقل، چه پیشنهادهایی دارید؟

قرائت : آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



ای مردم	* يَا أَيُّهَا النَّاسُ
حلال و پاکیزه های زمین را بخورید	كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا
و تابع گام های شیطان نباشید	وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ
چرا که او دشمن واقعی شماست	إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿١٦٨﴾
او حتماً شما را به بدی و زشتی وا می دارد	* إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ
و بر آن می دارد که به خدا نسبت دهید	وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ
چیزهایی را که علمی به آن ندارید	مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿١٦٩﴾
و زمانی که به آنها گفته شود تبعیت کنید	* وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا
از آنچه خدا نازل کرده،	مَا أَنْزَلَ اللَّهُ
گویند خیر، ما پیروی می کنیم	قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ
آنچه را که از نیاکانمان بافته ایم	مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا
گرچه نیاکانشان	أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ
چیزی نیندیشیده	لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا
و راهی نیافته باشند.	وَلَا يَهْتَدُونَ ﴿١٧٠﴾
داستان کسانی که کفر ورزیدند،	* وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا
همانند آن شخصی است که	كَمَثَلِ الْذِي
تنها صدایی می شنود [و چیزی از آن نمی فهمد]	يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً
اینان ناشنوا و گنگ و نابینای واقعی اند	صُمٌّ بُكْمٌ عُمْى
و از همین رو اهل تعقل کردن نیستند	فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٧١﴾

موانع راه

مسیر رفتن به سوی خدا و کسب کمالات و خوبی‌ها صاف و هموار نیست. این مسیر با موانعی جدی هم‌در درون ما و هم در بیرون ما روبه‌روست :

۱- مانع اول یک مانع درونی است که توجهش صرفاً به بُعد بدنی و حیوانی انسان است و از انسان می‌خواهد که با هر روشی که شده، درست یا نادرست، خود را به لذت‌های حیوانی برساند، هر چند که به ظلم و گناهان دیگر آلوده شود. این مانع را «نفس اماره به بدی»، یعنی نفسی که بسیار به بدی فرامی‌خواند، می‌نامند. این نام را حضرت یوسف علیه السلام، آنگاه که در مقابل پادشاه مصر قرار گرفت و در آن لحظاتی که همه دانستند وی انسانی پاکدامن بوده است به کار برد و فرمود :

إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسَّوِّءِ

همانا که نفس به شدت آدمی را به بدی می‌خواند

إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي^۱

مگر این که خدا او را مورد لطف قرار دهد

امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز درباره این نفس می‌فرماید :

«دشمن‌ترین دشمن تو، همان نفسی است که در درون توست»^۲.

۲- مانع دوم که خداوند ما را از آن باخبر کرده، مانعی است که خود را برتر از آدمیان می‌پندارد و سوگند یاد کرده که فرزندان آدم را فریب دهد و از رسیدن به آرمان‌های انسانی و اهداف برتر زندگی بازدارد و سرگرم همین لذت‌های دنیایی کند.^۳ کاری که او با ما می‌کند، وسوسه کردن است. او راهی جز همین وسوسه کردن ندارد.

همین دشمن، در روز قیامت که فرصتی برای توبه باقی نمانده است، به کسانی که فریشان داده، می‌گوید :

«خداوند به شما وعده حق داد؛ اما من به شما وعده‌ای دیگر دادم و خلاف آن عمل کردم. البته من بر شما تسلطی نداشتم؛ فقط شما را به گناه دعوت کردم. این خودتان بودید که دعوت مرا پذیرفتید. امروز خود را سرزنش کنید نه مرا. امروز نه من می‌توانم به شما کمکی کنم و نه شما می‌توانید مرا نجات دهید».^۴

۱- سورة يوسف، آیه ۵۳

۲- المَحْجَةُ الْبَيْضَاء، فیض کاشانی، ج ۵، ص ۶ : أَعْدَى عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنَبَيْكَ

۳- سورة ص، آیه ۸۲

۴- سورة ابراهيم، آیه ۲۲

- الف) نام این دشمن چیست؟.....
- ب) کدام آیه به این دشمن اشاره می‌کند؟.....
- ج) دو پیام مهم از ترجمه آن آیه استخراج کنید :
-

پاسخ سوالات شما

۱- چرا خدا شیطان را آفرید تا انسان‌ها را گمراه کند؟

اولاً خداوند شیطان را شیطان نیافرید. او را مانند سایر مخلوقات آفرید تا خدا را عبادت نماید و پاداش آن را دریافت کند. او چون خدا را زیاد عبادت می‌کرد به مقام فرشتگان رسید و هزاران سال هم نشین آنان شد. اما عبادت‌های او، نوعی غرور در وی به وجود آورد که در برابر فرمان خدا ایستاد و برای آدم سجده نکرد. پس از آن بود که از درگاه خداوند رانده شد و آن مقام را از دست داد و راه فریب انسان‌ها را در پیش گرفت. پس خداوند از همان اول موجودی به عنوان شیطان با درونی پلید و شیطانی نیافریده بود بلکه این خود او بود که از اطاعت خدا اجتناب کرد و راه دیگری برگزید. همچنان که خداوند، از ابتدا فرعون را با صفت فرعون و ستمگری خلق نکرده بود، بلکه خداوند انسانی آفرید که شایستگی رشد و کمال داشت اما خودش با میل و اختیار خود، راه غلط را برگزید.

ثانیاً شیطان هیچ کس را وادار و مجبور به گناه نمی‌کند، بلکه شیطان تنها انسان را دعوت به گناه می‌نماید و انسان می‌تواند در مقابل شیطان بایستد و او را ناامید کند، همان‌طور که بسیاری از انسان‌ها چنین می‌کنند.

۲- چه اشکالی دارد اگر کسی بگوید من هرطور که بخوام خدا را عبادت می‌کنم؟

بعضی‌ها فرارشان از دستورات خدا را پشت حرف‌هایی پنهان می‌کنند که به ظاهر زیباست. مثلاً می‌گویند: «من نماز نمی‌خوانم اما به مردم ظلم نمی‌کنم و دست آنها را می‌گیرم. دعای مردم برای من کافی است.»

باید بدانیم این چنین حرف‌هایی تازه نیست. پیش از این، شیطان هم وقتی از فرمان خدا برای سجده کردن به حضرت آدم سرپیچی کرد، به همین شکل دلیل آورد. او گفت: «اگر مرا از سجده بر آدم معاف داری تو را عبادتی خواهم کرد که هیچ کس نکرده باشد.» خداوند در پاسخش فرمود: «می‌خواهم آن‌گونه عبادت شوم که خود می‌خواهم، نه آن‌گونه که تو می‌خواهی»^۱.

کسی که معنای واقعی عبادت و بندگی را بفهمد، نمی تواند خواسته های دل خودش را جایگزین عبادت بداند. عبادت یعنی آن گونه که خدا می خواهد باشیم. خداوند کامل مطلق است و هیچ گونه نیازی به عبادت ما ندارد، او حکیمی است که هیچ نقصی در علمش راه ندارد و بر مصلحت بندگان از خود آنها آشناتر است پس بهتر که بنده، بندگی کند و به خدایی او اعتماد نماید. کمک کردن به محرومان، وظیفه انسانی و دینی هر مسلمان است، اما این که بگوئیم دستور خداوند در باب کمک به محرومان جایگزین دستورات خدا برای نماز خواندن می شود، اشتباه است. ترویج این فکر، یعنی ترویج نافرمانی از خدا. مراقب باشیم، چون شیطان گاهی با لباس خوبی ها وارد می شود و با برجسته نمودن یک خوبی، خوبی های ضروری دیگر را در نگاه انسان کوچک و بی ارزش نشان داده و از بین می برد.

اندیشه و تحقیق

- ۱- آیا وجود شیطان، مانع اختیار و اراده ما در تصمیم گیری ها می شود؟
- ۲- چه رابطه ای میان «توانایی ها و سرمایه های ما» و «هدف» وجود دارد؟
- ۳- خداوند شیطان را از درگاه خود راند و برای همیشه او را طرد کرد، به خاطر اینکه فرمان خدا را برای سجده بر انسان اطاعت نکرد. نظر شما درباره انسان هایی که حاضر نیستند در برابر خدا سجده کنند و بندگی شیطان را می پذیرند، چیست؟

معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
جوان در کلام نور	مرتضی روحانی	مؤسسه امام خمینی ق.ع.ج	دانش آموز
مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی (انسان در قرآن)	شهید مرتضی مطهری	صدرا	معلم
به سوی او	محمدتقی مصباح یزدی	مؤسسه امام خمینی ق.ع.ج	دانش آموز / معلم
به سوی خودسازی	محمدتقی مصباح یزدی	مؤسسه امام خمینی ق.ع.ج	دانش آموز / معلم
جوان در چشم و دل پیامبر	محمدباقر پورامینی	کانون اندیشه جوان	دانش آموز
انسان شناسی قرآنی	شهید مرتضی مطهری	صدرا	معلم
معارف کاربردی (۲) انسان شناسی جهان شناسی	محمدحسن وکیلی	مؤسسه جوانان آستان قدس رضوی	دانش آموز / معلم



درس سوم به سوی جاودانگی



قرائت: آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



ای مؤمنان، مراقب رفتارتان در حضور خدا باشید
هر کس باید ببیند

برای فردای خود چه آماده کرده
مراقب رفتارتان در حضور خدا باشید
زیرا خدا آگاه است که چه می کنید.
مانند آنان نباشید که خدا را از یاد برده اند
و خدا هم خودشان را از یاد خودشان برده است
چون اینان افرادی نافرمان و طغیانگر هستند.
برابر نیستند

دوزخیان و بهشتیان
زیرا بهشتیان اند که رستگارند.
حشر، ۱۸ تا ۲۰

هر کسی طعم مرگ را می چشد
آنگاه به سوی ما بازگردانده می شوید.
آن وقت کسانی را که ایمان آورده اند
و کارهای شایسته کرده اند
در خانه های بهشتی جا می دهید
که از فرودست آنها جویبارهایی روان است
بهشتیان در آنجا جاویداند
چه نیکوست پاداش اهل عمل.
همانان که صبروری کردند
و بر پروردگارشان توکل نمودند.

عنکبوت، ۵۷ تا ۵۹

* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ
وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ

مَا قَدَّمَتْ لِعَدِ
وَاتَّقُوا اللَّهَ

إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٨﴾

* وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ
فَنَاسَاهُمْ أَنْفُسُهُمْ

أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿١٩﴾

* لَا يَسْتَوِ

أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ

أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿٢٠﴾

* كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ

ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ﴿٥٧﴾

* وَالَّذِينَ آمَنُوا

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

لَنُؤْتِيَنَّهُم مِّنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا

تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

خَالِدِينَ فِيهَا

نِعَمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴿٥٨﴾

* الَّذِينَ صَبَرُوا

وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٥٩﴾

آیا می‌توان پیام‌های زیر را از این آیات به دست آورد؟ آن قسمت‌هایی از ترجمه را که گویای این پیام‌ها هستند، کنار آنها بنویسید.

۱- زندگی این جهان یک زندگی موقتی است.

.....
.....

۲- زندگی دیگری وجود دارد که نتیجه زندگی دنیاست.

.....
.....

۳- انسان نابود نمی‌شود و همواره در سرای دیگر به زندگی ادامه می‌دهد.

.....
.....

۴- مؤمنان نیکوکار نگاه بهشتی به مرگ دارند و مراقب رفتار خود هستند.

.....
.....

دو نگاه و دو اعتقاد نسبت به آینده انسان

درباره آینده انسان پس از مرگ، دو نگاه وجود دارد :

• نگاه اول : مرگ، معبری برای ورود به حیات جدید

• نگاه دوم : پایان‌پذیری زندگی انسان با مرگ

در ادامه به توضیح هر یک از این دو نگاه می‌پردازیم :

نگاه اول : مرگ، معبری برای ورود به حیات جدید

پیامبران الهی و پیروان آنان مرگ را پایان‌بخش دفتر زندگی نمی‌پندارند؛ بلکه آن را غروبی برای جسم و تن انسان و طلوعی درخشان‌تر برای روح انسان می‌شمارند. آنان مرگ را پلی به حساب می‌آورند که آدمی را از یک مرحله هستی (دنیا) به مرحله دیگر هستی (آخرت) منتقل می‌کند. در این دیدگاه، دنیا تنها بخش کوچکی از زندگی انسان است و زندگی واقعی و ابدی وی پس از دنیا آغاز می‌شود.

رسول خدا ﷺ در این باره می‌فرماید :

شما انسان‌ها برای نابودی و فنا خلق نشده‌اید، بلکه برای بقا آفریده شده‌اید و با مرگ تنها از جهانی به جهان دیگر، منتقل می‌شوید.^۱

وقتی از ایشان پرسیدند : باهوش‌ترین مؤمنان چه کسانی هستند؟

در پاسخ فرمود : آنان که فراوان به یاد مرگ‌اند و بهتر از دیگران خود را برای آن آماده می‌کنند.^۲
در این دیدگاه، زندگی دنیوی نسبت با زندگی آخرت، همچون خوابی کوتاه و گذراست و زندگی حقیقی در جهان دیگر آغاز می‌شود؛ به همین جهت پیامبر ﷺ می‌فرماید :

النَّاسُ نِيَامٌ، فَإِذَا مَاتُوا، انْتَبَهَوْا^۳ مردم [در این دنیا] در خوابند، هنگامی که بمیرند، بیدار می‌شوند.

آثار و نتایج نگاه اول

۱- انسان میل به جاودانگی دارد و از نابودی گریزان است. زودگذر بودن عمر و پس از آن فرا رسیدن فصل مرگ تن، احساس نوعی مواجهه با بن‌بست را پیش روی انسان قرار می‌دهد. اعتقاد به معاد این بن‌بست را از میان می‌برد. بنابراین اولین نتیجه اعتقاد به معاد بازشدن پنجرهٔ جاودانگی در پیش روی انسان است؛ انسان، پس از رسیدن به این اعتقاد می‌داند که هیچ یک از کارهای نیک وی عبث و باطل نبوده و بی‌پاداش نمی‌ماند. هر خدمتی را که به محرومی می‌کند، هر غمگینی را که شاد می‌سازد و هر باری را که از دوش انسانی برمی‌دارد، در پیشگاه خداوند دارای اجر و مزد است. حتی اگر در کاری موفق نشود و یا در برابر کارهایش تقدیر و تشکری از سوی دیگران صورت نگیرد، ناامید و دلسرد نمی‌شود، زیرا می‌داند که خداوند او و تلاش‌هایش را می‌بیند و نیز اطمینان دارد که اگر در این مسیر ظلمی به او بشود و نتواند داد خود را از ظالمان بستاند، قطعاً در آخرت خداوند حق او را از ظالمان خواهد گرفت.

۱- تصحیح الاعتقاد، شیخ مفید، ص ۴۷

۲- المحجة البيضاء، فیض کاشانی، ص ۲۴۲

۳- تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، وزام بن ابی‌فراس، جلد ۱، ص ۱۵۰. قابل ذکر است که یکی از فیلسوفان معاصر آلمان به نام خانم «آنه‌ماری شیمیل» متوفی سال ۲۰۰۳ میلادی، وقتی که با قرآن کریم و نهج البلاغه و سخنان پیامبر آشنا شد، با اینکه خود از فیلسوفان بزرگ آلمان بود، چنان مجذوب عظمت قرآن و کلمات پیامبر و امام علی شد که هنگام درگذشت خود وصیت کرد که همین جمله پیامبر را روی سنگ قبر وی بنویسند و این جمله هم‌اکنون روی قبر او نقش بسته است.

۲- دومین اثر اعتقاد به آخرت نهراسیدن از مرگ است. آنان که واقعاً به آخرت ایمان دارند و از صمیم قلب به آن معتقدند، ترسی از مرگ ندارند و از این رو، همواره آماده فداکاری در راه خدا هستند. خداپرستان حقیقی گرچه در دنیا زندگی می کنند و زیبا هم زندگی می کنند؛ اما به آن دل نمی سپرند. آنان معتقدند که مرگ برای کسانی ناگوار و هولناک است که زندگی را محدود به دنیا می بینند یا با کوله باری از گناه از دنیا می روند. خداپرستان و معتقدان به آخرت، در عین حال که از آخرت نمی ترسند، از خداوند عمر طولانی طلب می کنند تا بتوانند در این جهان با تلاش در راه خدا و خدمت به انسان ها، زمینه رشد خود را فراهم آورند و با اندوخته ای کامل تر به ملاقات خدا بروند و به درجات برتر بهشت نائل شوند.

از طرف دیگر، همین عامل سبب می شود که دفاع از حق و مظلوم و فداکاری در راه خدا برای آنان آسان تر شود و شجاعتشان به مرحله عالی برسد و آنگاه که حیات این دنیا چیزی جز ننگ و ذلت نباشد، و فداکاری در راه خدا ضرورت پیدا کند، آنان به استقبال شهادت بروند و با شهادت خود راه آزادی انسان ها را هموار کنند؛ از این رو، آنگاه که امام حسین (علیه السلام) در دوراهی ذلت و شهادت قرار گرفت، شهادت را برگزید و فرمود:

من مرگ را جز سعادت، و زندگی با ظالمان را جز ننگ و خواری نمی بینم.^۱
و خطاب به یاران خود نیز فرمود:



مرگ چیزی نیست مگر پلی که شما را از ساحل سختی ها به ساحل سعادت و کرامت و بهشت های پهناور و نعمت های جاوید عبور می دهد. پس کدام یک از شما بدش می آید که از زندان این دنیا به قصر زیبای آخرت منتقل شود؟^۲

۳- سومین اثر این اعتقاد، راه و گذرگاه دیدن دنیاست، نه منزلگاه و محل اقامت. معتقدان حقیقی به آخرت، با این نگاه به دنیا، رفتارشان، مانند رفتار انسانی است که مثلاً قصد رفتن و مهاجرت کردن به مشهد را دارد و می خواهد در آن شهر اقامت کند. البته ناچار است مسیر راه تا مشهد را هم ببیماید. تمام نگاه چنین کسی آن است که سالم به مشهد برسد و آنچه را برای مشهد نیاز دارد، با خود بیاورد و فقط آن قدر در مسیر هزینه کند که بتواند با موفقیت وارد مشهد شود. چنین انسانی سرگرم مسیر نمی شود، بیش از حد برای آن هزینه نمی کند و عمر و زمان خود را صرف اموری که هیچ فایده ای برای آینده او ندارد، نمی نماید. به عبارت دیگر: فریب مسیر را نمی خورد و به عنوان سرمنزل و مقصد

۱- بحار الأنوار، مجلسی، ج ۴۴، ص ۲۸۱

۲- معانی الأخبار، شیخ صدوق، ص ۲۸۸

قرارش نمی‌دهد. این کاهش دلبستگی به مسیر موجب می‌شود در برابر سختی‌های راه از تاب‌آوری بالاتری برخوردار شود.

تطبیق

به آیات اول درس مراجعه کنید و ببینید کدام آیه بر این نگاه به دنیا دلالت می‌کند؟ عبارت‌هایی از ترجمه آیه را نیز انتخاب کنید.

.....

.....

.....

بیشتر بدانیم

پرواز عاشقانه

ای خدایی که عشق تو، قلب مرا به لرزه درمی‌آورد و روحم را به پرواز وامی‌دارد. اینک پرواز به سوی تو را برگزیده‌ام. بال‌هایم را به واسطه بی‌لیاقت بودنم و به جرم گناهانم نسوزان. خدایا می‌خواهم به ملاقات تو بیایم و به ملاقات رسول تو که روحم فدای او باد. ای یاری کسان، ای دریابنده از خود بی خودشدگان. به خودت قسم که در این جهان دیگر نمی‌گنجم و منتظر رسیدن فرمان تو هستم. به خودت سوگند که در این جهان بدون تو بی‌کس و تنها و ناامیدم. همه چیزم تویی، امیدم تویی، هسقم تویی، عشقم تویی. اینک کوله بار پر از گناه خویش را بر دوش می‌گیرم و در انتظارم تا دعوت خدایم را لبیک گویم. مبادا دعوتم نکفی! می‌خواهم این قلب شکافته شود و پیکرم متلاشی گردد تا روحم از این قفس بیرون آید و به سوی تو پرواز کند. شهادت سرمایه ماست. شهادت پرواز عاشقان است. شهادت اوج ایمان است.

برگزیده‌ای از دست‌نوشته‌های شهید سید محمود افتخاری

قرائت: آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



اما آنان که کفر ورزیده اند، (به آنان می فرماید)
آیا آیات من بر شما خوانده نمی شد
که استکبار ورزیدید؟
و قومی گنهکار شدید؟
و چون گفته می شد که وعده الهی حق است
و شکی در قیامت نیست
می گفتید نمی دانیم قیامت چیست
و آن را جز گمانی نمی پنداریم
و اصلاً آن را باور نمی کنیم
و بدی آنچه کرده بودند بر آنان آشکار شد
و آنها را در برگرفت،
آنچه را که به سخره و ریشخند گرفته بودند.
به آنان می گویند: امروز فراموشتان می کنیم
همان گونه که شما دیدار امروزتان را فراموش
کردید

و جایگاه شما آتش دوزخ است
و برای شما یآوری نیست.
این بدان خاطر است که شما
آیات خدا را مسخره کردید
و زندگی دنیا شما را فریفت.
پس امروز، نه از آن بیرون برده می شوند
و نه عذرشان را می پذیرند.

جائیه، ۳۱ تا ۳۵

﴿۳۱﴾ * وَ أَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا
أَفَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ
فَاسْتَكْبَرْتُمْ

﴿۳۲﴾ * وَ كُنْتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ
﴿۳۳﴾ * وَ إِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ
وَ السَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا
قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ
إِنْ نَظُنُّ إِلَّا ظَنًّا

﴿۳۴﴾ * وَ مَا نَحْنُ بِمُتَّبِعِينَ
﴿۳۵﴾ * وَ بَدَأَ لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا
وَ حَاقَ بِهِمْ

﴿۳۶﴾ * مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ
﴿۳۷﴾ * وَ قِيلَ الْيَوْمَ نَنْسَاكُمْ
كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا

﴿۳۸﴾ * وَ مَا أَوَّاكُمْ أَلَّا تُؤْمِنُوا
﴿۳۹﴾ * وَ مَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ

﴿۴۰﴾ * ذَلِكُمْ بِأَنكُمْ
اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا
وَ عَزَّيْتُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا
فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا
﴿۴۱﴾ * وَ لَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ

نگاه دوم : پایان‌پذیری زندگی انسان با مرگ

گروهی از مردم نیز هستند که زندگی پس از مرگ را انکار می‌کنند و معتقدند که با فرارسیدن مرگ پروندهٔ حیات انسان به کلی بسته می‌شود. اجزای بدن وی نیز به خاک برمی‌گردد و مسیر متلاشی شدن را می‌پیماید و چیزی از انسان باقی نمی‌ماند. از نظر اینان، انسان‌های ظالم و مظلوم، تنبل و تلاشگر، خودخواه و نوع‌دوست، مستبد و آزاده، استعمارگر و استعمارشده، همه در هنگام مرگ با یکدیگر مساوی‌اند و جملگی راه فنا می‌پیمایند و جز استخوان‌هایی پوسیده و اندامی به خاک تبدیل شده، چیزی از آنها باقی نمی‌ماند. فقط تا مدتی خاطره‌ای از آنها در اذهان خویشان یا همشهریان و برخی دیگر از انسان‌ها، به نیکی و یا به بدی، وجود دارد که آن هم اندک اندک فراموش می‌شود و از خاطره‌ها محو می‌گردد.

تدبّر در آیات (۲)

در ترجمهٔ آیات قبل تفکر کنید و به سؤال زیر پاسخ دهید :

کسانی که به آخرت اعتقادی ندارند، در پاسخ به پیامبران چه می‌گویند و چه رفتاری از خود بروز می‌دهند؟ به حداقل چهار نکته اشاره کنید.

.....

.....

.....

.....

آثار و نتایج نگاه دوم

۱- از مهم‌ترین پیامدهای این نگاه، آن هم برای انسانی که در درون خود بی‌نهایت‌طلبی را حس می‌کند و میل به جاودانگی در او قوی است، هراس از مرگ و ترس از فنا و نیستی است. به همین جهت این گونه افراد می‌کوشند دربارهٔ مرگ فکر نکنند و یاد این حادثهٔ عظیم را از خاطره خود ببرند. اینان به هر کسی هم که دربارهٔ مرگ صحبت کند و سبب شود که یاد مرگ برایشان زنده شود، اعتراض می‌کنند و می‌کوشند که از این قبیل صحبت‌ها دور بمانند.

۲- گروهی از این افراد نیز هستند که نمی‌توانند فکر مرگ را از ذهن خود خارج کرده و تلخی نابودشدن را از یاد ببرند. در نتیجه، همین زندگی چند روزه را هم که معمولاً همراه با مشکلات و ناملایمات است، بی‌ارزش می‌بینند و شادابی خود را از دست می‌دهند و گرفتار یأس و ناامیدی می‌شوند. گاهی این ناامیدی و یأس و تاریک و مبهم دیدن آینده، آنها را به کناره‌گیری از جمع و بیماری‌های روحی و روانی و آوردن به تسکین‌های موقتی و زودگذر می‌کشاند و در سرگردانی بیشتر فرو می‌برد.

۳- پیامد این نگاه برای برخی از افراد احساس آزادی و رهایی از هر قید و محدودیت اخلاقی و انسانی است. این دسته از افراد که احساس می‌کنند در برابر خدا مسئول نیستند و هیچ نظارتی بر کار آنان نیست، انجام هر عملی را که برای آنها لذت‌بخش باشد، برای خود مباح دانسته و به آن عمل مبادرت می‌ورزند.

نکته: در این میان کسانی نیز هستند که به لحاظ فکری و استدلالی، آخرت را قبول دارند، اما این قبول ذهنی به ایمان و باور قلبی آنها تبدیل نشده است. این افراد، با اینکه می‌دانند آخرتی هست، چون قلباً پایبند این فکر خود نیستند، در بسیاری از موارد متناسب با این نگاه و فکر خود عمل نمی‌کنند و مرتکب کارهایی می‌شوند که به ضرر آخرت آنها می‌باشد. اینان اگر به این رفتار خود ادامه دهند، کارشان به جایی خواهد رسید که آخرت را از یاد ببرند و مانند گروه سوم به گناهان بزرگ و کوچک آلوده شوند.



تدبیر در آیات (۳)

به ترجمه آیات این جلسه مراجعه کنید و به سؤال زیر پاسخ دهید.
چه سرنوشتی در انتظار منکرین آخرت است؟ این سرنوشت نتیجه چیست؟

.....

.....

.....

.....

غفلت از زندگی پس از مرگ چه آثار و نتایجی در دنیای امروز داشته است؟ امروزه در میان برخی جوامع، به ویژه در برخی جوامع صنعتی، اعتقاد به زندگی در جهان دیگر، ضعیف شده است یا از آن غافل مانده اند و کمتر بدان توجه می شود. این غفلت و کم توجهی، آثار و نتایج خطرناکی در زندگی آنان داشته؛ به طوری که خیرخواهان و دلسوزان آن جوامع را به فکر چاره اندیشی انداخته است.

از جمله این آثار می توان به آمار بالای مصرف مشروبات الکلی، قرص های روان گردان و مواد مخدر صنعتی اشاره کرد که می توان آنها را از آثار بی توجهی به آخرت دانست. جرج گوما^۱، پژوهشگر آمریکایی حوزه روان شناسی می گوید: «مصرف داروهای ضد روان پریشی مدتی است که در آمریکا از داروهای درمان کلسترول و چربی که پرمصرف ترین دارو در آمریکاست، سبقت گرفته است»^۲.

مارسیا انجل^۳، سردبیر اسبق مجله پزشکی نیوانگلند نیز بر این باور است که استفاده از داروهای روان گردان به حد انفجار رسیده است.^۴

این درحالی است که امکانات برای تفریح، سرگرمی و شادی، بیش از نیاز افراد در این کشورها وجود دارد و مردم در اوقات فراغت انواع و اقسام سرگرمی ها و تفریحات را در اختیار دارند. این وضعیت به کشورهای مسلمان نیز سرایت کرده است؛ به گونه ای که آن بخش از جوامع مسلمان که اعتقاد دینی در آنها ضعیف شده است و سبک زندگی جوامع صنعتی را انتخاب کرده اند، بیشتر گرفتار این گونه مواد هستند.

۱- Greg Guma

۲- این مطلب در مقاله ایشان با عنوان "Mind Games: Cyberspace and Psychiatric Drugs" ذکر شده است.

۳- Marcia Angell

۴- "the epidemic of mental illness: why", The New York Review of books, June 23, 2011

- ۱- آیا گروهی که راه بی‌توجهی و غفلت از مرگ را پیش می‌گیرند، شیوهٔ درستی را انتخاب کرده‌اند؟ چرا؟
- ۲- با دقت در جریانات و اتفاقات پیرامون خود، برخی از اعمال و رفتارهایی که ناشی از فراموشی و غفلت از آخرت است را بیان کنید.
- ۳- چرا برخی از کسانی که آخرت را قبول دارند، باز هم گناه می‌کنند؟
- ۴- آیا توجه به آخرت، لزوماً بی‌توجهی به دنیا و عقب‌ماندگی در زندگی دنیایی را در پی دارد؟

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی (زندگی جاوید یا حیات اخروی)	شهید مرتضی مطهری	صدرا	دانش‌آموز / معلم
معاد یا بازگشت به سوی خدا	محمد شجاعی	شرکت سهامی انتشار	دانش‌آموز / معلم
عروج روح	محمد شجاعی	کانون اندیشهٔ جوان	دانش‌آموز
مرگ	سید یحیی یشری	کانون اندیشهٔ جوان	دانش‌آموز / معلم

آینده روشن

درسیها



قرائت : آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



* وَ ضَرَبَ لَنَا مَثَلًا

وَ نَسِيَ خَلْقَهُ،

قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ

وَ هِيَ رَمِيمٌ ﴿٧٨﴾

* قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ

وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ ﴿٧٩﴾

* الَّذِي جَعَلَ لَكُم

مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا

فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تَوَفَّدُونَ ﴿٨٠﴾

* أَوَلَيْسَ الَّذِي

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ

بَلَىٰ وَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ﴿٨١﴾

* أَيْحَسِبُ الْإِنْسَانُ

أَلَّنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ، ﴿٨٢﴾

* بَلَىٰ قَادِرِينَ

عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ، ﴿٨٣﴾

برای ما مثلی می زند

در حالی که آفرینش خود را فراموش می کند

گوید چه کسی این استخوان ها را از نو زنده می کند

در حالی که پوسیده اند

بگو همان که نخستین بار او را پدید آورد

همو که بر هر آفرینشی داناست.

همان خدایی که برایتان به وجود آورد

از درخت سبز آتش را

که بتوانید از آن شعله بگیرید.

آیا کسی که

آسمان ها و زمین را آفریده

قادر به خلق مانند آنها نیست؟

آری می تواند که او آفرینشگر داناست.

یس، ۷۸ تا ۸۱

آیا انسان می پندارد

که استخوان های پوسیده اش را گرد نمی آوریم

آری ما قادریم که

سرانگشت های او را هم سامان دهیم.

قیامت، ۳ و ۴

■ اهمیت اندیشیدن به معاد

قبل از اینکه به بحث درباره جهان پس از مرگ بپردازیم، بهتر است به این سؤال پاسخ دهیم که ضرورت بحث از معاد چیست؟ آیا بهتر نیست به موضوعاتی بپردازیم که برای زندگی ما مفید باشد؟ برای اثبات اهمیت و ضرورت تأمل در موضوع معاد، تنها به یک دلیل بسنده می‌کنیم:

دفع خطر احتمالی

نگاهی کوتاه به زندگی روزمره انسان‌ها نشان می‌دهد که انسان در مواقعی که احتمال خطر یا خسارتی در میان باشد، سعی می‌کند جلوی خسارت احتمالی را بگیرد و از خطری که ممکن است پیش آید، بگریزد. در چنین شرایطی حتی اگر شخصی دیوانه یا دروغگو، که در شرایط عادی گفته او برای ما اعتباری ندارد، به ما خبری بدهد؛ مثلاً خبر از وجود سم در غذای ما دهد، این اعلام خطر را نادیده نمی‌گیریم و احتیاط می‌کنیم. همه ما در این گونه موارد از یک قانون عقلی پیروی می‌کنیم که می‌گوید: «دفع خطر احتمالی، لازم است». حال اگر با خبری مواجه شویم که نه تنها احتمالی نیست، بلکه از قطعی‌ترین خبرهاست، با آن چگونه برخورد می‌کنیم؟ آن هم خبری که درباره زندگی جاودانی ماست.

پیامبران درستکارترین و راست‌گوترین مردمان در طول تاریخ بوده‌اند. حتی آنان که با پیامبران مخالفت می‌کردند، کمتر آنها را به دروغ‌گویی و خیانت متهم می‌نمودند؛ به‌عنوان مثال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را حتی مشرکین و کافرین نیز به‌عنوان فردی امین و راستگو باور داشتند. حال، همین پیامبران با قاطعیت کامل از وقوع معاد خبر آورده و نسبت به آن هشدار داده‌اند.

اگر به فرض، در اثبات معاد، هیچ دلیلی جز همین خبر پیامبران نداشته باشیم، تکلیف ما در برابر این خبر چیست؟ ما که برای فرار از خطرهای کوچک احتمالی، سخن هر کسی را می‌پذیریم، چگونه می‌توانیم وقتی که پای سعادت یا شقاوت ابدی ما در میان است، بای تو جهی از کنار این خبر بگذریم؟

کسی را هست جامی پر عمل پیش	مثالی گوشت ظاهر، بیندیش
که زیر این عمل زهر است در جام	اگر طفلی بدو گوید بیارام
بلا شک دست از آن دارد کشیده	چو از طفل آن سخن دارد شنیده
که خواهد بود کاری صعب بر راه	تو را چنمین پیمبر کرده آگاه
به گفت انبیا از خواب برخیز	به گفت طفل بختی راه پرهیز

قرآن کریم دو دسته دلیل برای معاد عرضه کرده است : دسته اول دلایلی هستند که «امکان» معاد را ثابت می کنند و آن را امری ممکن و شدنی نشان می دهند و دسته دیگر، دلایلی هستند که «ضرورت» معاد را به اثبات می رسانند و تحقق آن را لازم می دانند.

دلایل امکان معاد

عده ای از انسان ها به این علت معاد را انکار می کنند که چنان واقعه بزرگ و با عظمتی را با قدرت محدود خود می سنجد و هنگامی که تحقق آن را با قدرت بشری ناممکن می بینند، به انکار آن می پردازند. حال آنکه بعید بودن چیزی برای انسان هرگز دلیل بر غیرممکن بودن آن نیست. از این رو، قرآن یکی از انگیزه های انکار معاد را نشناختن قدرت خدا معرفی می کند و دلایل و شواهد زیادی می آورد تا نشان دهد معاد امری ممکن و شدنی است و خداوند بر انجام آن تواناست؛ مانند :

۱- آفرینش نخستین انسان و جهان : در برخی آیات قرآن، خداوند توجه منکران معاد را به پیدایش نخستین انسان جلب می کند و توانایی خود در آفرینش وی را تذکر می دهد. در این آیات بیان می شود که همان گونه که خداوند قادر است انسان را در آغاز خلق کند، می تواند بار دیگر نیز او را زنده کند.

تدبّر در آیات (۱)

در ترجمه آیات ابتدای درس تأمل کنید و به سؤالات زیر پاسخ دهید :

۱- کدام یک از آیات آفرینش نخستین انسان را شاهی بر امکان معاد گرفته است؟

.....

۲- در این آیات کدام اسم از اسماء خداوند آمده است؟

.....

۲- تکیه بر قدرت خداوند : روش دیگر قرآن کریم، توجه دادن مردم به قدرت بی پایان خداوند می باشد تا آنان فکر نکنند که اگر کاری از آنان ساخته نیست، خداوند هم قادر به انجام آن نمی باشد.

تدبّر در آیات (۲)

ترجمه آیات ابتدای درس را مطالعه کنید و به سؤالات زیر پاسخ دهید :

۱- کدام آیه برای امکان معاد بر قدرت خداوند تأکید می کند؟

.....

۲- چرا توانایی انسان ها قابل مقایسه با توانایی خدا نیست؟

.....

قرائت : آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



و ما آسمان و زمین و آنچه را که
بین آن دو است، بیهوده نیافریده‌ایم،
این پندار کسانی است که کفر ورزیده‌اند
پس وای بر کافران از عذاب آتش!
آیا قرار می‌دهیم مؤمنان را
که عمل صالح کرده‌اند
همانند کسانی که در زمین فساد کرده‌اند؟
یا با تقوایان را مانند فاجران می‌شماریم؟
این، کتابی است مبارک که بر تونازل کرده‌ایم
تا مردم در آیات آن بیندیشند
و خردمندان از آن پند بگیرند.

ص، ۲۷ تا ۲۹

* وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَ الْأَرْضَ
وَ مَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا
ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا
فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ
* أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا
وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ
أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ
* كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ
لِيَذَّبَ رُوحًا
وَلِيُتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ

دلایل ضرورت معاد

قرآن نه تنها معاد را امری ممکن می‌داند، بلکه وقوع آن را نیز امری ضروری دانسته و واقع نشدن آن را امری محال و ناروا معرفی می‌کند. دلایلی که قرآن در بحث ضرورت معاد بیان کرده است، عبارت‌اند از:

۱- معاد لازمه حکمت الهی: خداوند حکیم است و لازمه حکمت خدا این است که هیچ کاری از کارهای او بیهوده و عبث نباشد. اگر خداوند تمایلات و گرایش‌هایی را در درون مخلوقات، از جمله انسان قرار داده، امکانات پاسخگویی به آن تمایلات و نیازها را نیز در عالم خارج قرار داده است؛ به‌طور مثال، در مقابل احساس تشنگی و گرسنگی، آب و غذا را آفریده است تا بتوانیم به وسیله آن تشنگی و گرسنگی خود را برطرف کنیم.

حال اگر به وجود آدمی توجه کنیم، می‌بینیم که خداوند انسان را به گونه‌ای آفریده که گرایش به بقا و جاودانگی دارد و از نابودی گریزان است و بسیاری از کارها را برای حفظ بقای خود انجام می‌دهد. همچنین هر انسانی خواستار همه کمالات و زیبایی‌هاست و این خواستن هیچ حدی ندارد. اما دنیا و عمر محدود انسان‌ها پاسخگوی این گونه خواسته‌ها نیست؛ بنابراین باید جای دیگری باشد که انسان به خواسته‌هایش برسد. اگر بعد از دنیا، زندگی‌ای نباشد، در این صورت باید گفت خداوند گرایش به زندگی جاوید را در وجود انسان قرار داده است و سپس او را در حالی که مشتاق حیات ابدی است، نابود می‌کند! این کار با حکمت خداوند سازگار نیست.

علاوه بر این، اگر بناست با این همه استعدادها و سرمایه‌های مختلفی که خداوند در وجود ما قرار داده است، خاک شویم و معادی هم نباشد، این سؤال مطرح می‌شود که دلیل آفریدن این استعدادها و سرمایه‌ها در درون ما چه بوده است؟ ما که از همان ابتدا خاک بودیم، پس دلیل این آمدن و رفتن چه بود؟ آیا بر این اساس، آفرینش انسان و جهان، بی‌هدف و عبث نخواهد بود؟

تدبّر در آیات (۳)

۱- کدام یک از آیات ابتدای درس از حکمت خداوند برای معاد استفاده کرده است؟

.....

۲- پیام اصلی آن آیه چیست؟

.....

۲- **معاد لازمه عدل الهی** : عدل یکی از صفات الهی است. خداوند عادل است و نیکوکاران را با بدکاران برابر قرار نمی‌دهد؛ از این رو، خداوند وعده داده است که هرکس را به آنچه استحقاق دارد برساند و حق کسی را ضایع نکند.

اما زندگی انسان در دنیا به گونه‌ای است که امکان تحقق این وعده را نمی‌دهد؛ زیرا :

الف) در این عالم همه به پاداش یا کیفر تمام اعمال خود نمی‌رسند. به عنوان نمونه، چه بسیار افرادی که کارهای نیک فراوانی دارند و به جمع زیادی از انسان‌ها خدمت کرده‌اند و نیز چه بسیار کسانی که در دوران عمر خود از هیچ جنایت و خیانتی فروگذار نمی‌کنند، اما قبل از آنکه به پاداش و یا سزای اعمال خود برسند، چشم از جهان فرو می‌بندند.

ب) این جهان ظرفیت جزا و پاداش کامل انسان‌ها را ندارد. به‌عنوان نمونه، چگونه می‌توان پاداش بسیاری از اعمال، مانند شهادت در راه خدا را در این دنیا داد؟ و یا چگونه می‌توان در این جهان کسی را که به هزاران نفر ستم روا داشته و یا صدها نفر را قتل عام کرده است، کیفر داد؟ به‌عنوان مثال اعدام کسی چون صدام و حامیان وی به هیچ‌عنوان با جرم شهید کردن صدها هزار انسان بی‌گناه، و معلول و شیمیایی کردن هزاران جانباز برابری نمی‌کند.

اگر جهان دیگری نباشد که ظالم را به مجازات واقعی‌اش برساند و حق مظلوم را بستاند، بر نظام عادلانه خداوند ایراد وارد می‌شود.

تدبّر در آیات (۴)

۱- کدام آیه به این استدلال اشاره می‌کند؟

.....

۲- در این آیه چه کسانی با هم مقایسه شده‌اند؟

.....

پاسخ سوالات شما

کی رفته و کی برگشته؟!

برای برخی هر قدر هم از دلایل عقلی اثبات معاد، آیات قرآن و سخنان پیشوایان دین در خصوص جهان آخرت گفته شود، می‌گویند: «چه کسی از آن جهان برگشته که خبر آورده باشد؟» به این‌گونه افراد چه باید گفت؟

پاسخ: برخی رانندگان هنگام مسافرت، به توصیه پلیس درباره خطرات جاده و لزوم همراه داشتن وسایل ضروری توجه می‌کنند و وسایلی را که احتمال می‌دهند در جاده مورد نیازشان باشد، همراه خود برمی‌دارند (مانند زنجیر چرخ، جک، چرخ اضافه، چراغ سیار و...). بعضی از رانندگان نیز بی‌اعتنا به توصیه‌های پلیس و گاه با تمسخر آنها به جاده می‌زنند. در هر صورت یا نیازی به این وسایل پیش می‌آید یا پیش نمی‌آید. اگر نیازی نبود (که البته با توجه به علم و آگاهی پلیس راهنمایی و رانندگی و توصیه‌ها و هشدارهای آنان قطعاً نیاز خواهد شد)، راننده‌ای که این

وسایل را همراه داشته است، ضرری نکرده است؛ اما اگر به آن وسایل نیاز شد، کسی که آنها را بر نداشته است، در وسط جاده چه خواهد کرد؟

شرط عقل آن است که انسان نسبت به حوادث، حتی اگر احتمال کمی برای رخ دادن آن وجود داشته باشد، پیش‌بینی لازم را بکند، چه رسد به حوادثی که یقینی باشند.

پیامبران از حساب و کتاب پس از مرگ در قیامت خبرهایی داده‌اند و بر این اساس برنامه و دستوراتی نیز برای عبور آسان و موفق از این جهان در اختیار ما گذاشته‌اند. گروهی این خبرها را پذیرفته و گروهی منکر شده‌اند. کسانی که پذیرفته‌اند در شبانه‌روز دقایقی با خدا گفت‌وگو می‌کنند؛ نماز می‌خوانند؛ در سال یک ماه روزه می‌گیرند؛ از انجام برخی کارها که ضررش به خود انسان برمی‌گردد (مانند نوشیدن مشروبات الکلی، خوردن گوشت خوک و مصرف مواد مخدر) خودداری می‌کنند. حال بر فرض که قیامت و حساب و کتابی در کار نباشد، این افراد ضرری نکرده‌اند و چیزی را از دست نداده‌اند؛ اما اگر حساب و کتابی باشد (که با دلایلی که ذکر شد، حتمی است) افرادی که به سخن خدا و پیام انبیا توجه نکردند، چه خواهند کرد؟ آنها زندگانی ابدی و جاوید در آخرت را به هفتاد سال عمر دنیوی فروخته‌اند.

پس عاقل کسی است که حتی اگر یقین به قیامت ندارد، خود را آمادهٔ آخرت کند و هشدارهای انبیا را جدی بگیرد.

امام رضا علیه السلام در گفت‌وگو با یکی از منکران معاد به او فرمود: «اگر نظر شما درست باشد — که چنین نیست — در این صورت ما و شما یکسان و برابریم؛ و نماز، روزه، عقیده و ایمان ما ضرر و زبانی به ما نمی‌رساند. ولی اگر حق با ما باشد — که چنین هست — در این صورت ما رستگار و سعادت‌مند می‌شویم؛ اما شما زیان‌کار شده، هلاک خواهید شد»^۱.

۱- احنجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۱۷۱

- ۱- تعدادی از کارهای نیک و تعدادی از گناهان را که در این دنیا قابل پاداش و مجازات نباشند، ذکر کنید.
- ۲- اگر در بحث وجود معاد، دلیلی جز خبر پیامبران نداشتید، آیا آن را می پذیرفتید؟ به چه دلیل؟
- ۳- رابطه میان «آفرینش استعدادها و سرمایه های مختلف در وجود انسان» و «ضرورت معاد» را توضیح دهید.

بیشتر بدانیم

پیامی از حضرت علی علیه السلام

اگر گوش جان به کلام مردگان باز کنیم از آنها می شنویم که : چهره های زیبایمان پژمرده شد، بدن های ناز پرورده مان پوسیده شد... اقامت ما در این خانه های وحشتناک طولانی و نه از مشکلات رهایی یافته و نه از تنگی قبر گشایش... آگاه باشید! هرگز چیزی مانند بهشت ندیدم که خواستاران آن در خواب غفلت باشند و نه چیزی مانند آتش جهنم که فراریان آن چنین در خواب فرو رفته باشند!

نهج البلاغه، ترجمه آزاد از خطبه ۲۲۱ و خطبه ۲۸

معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
آفتاب اندیشه (ج ۲ و ۳)	حسین سوزنجی	مدرسه	معلم
معاد	شهید مرتضی مطهری	صدرا	دانش آموز / معلم

درس پنجم
منزل گاه بعد



قرائت : آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



* حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ

قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ ﴿٩٩﴾

* لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا

فِيمَا تَرَكْتُ

كَأَلَا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا

وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ

إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ ﴿١٠٠﴾

* فَاِذَا نَفَخَ فِي الصُّورِ

فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ

وَلَا يَتَسَاءَلُونَ ﴿١٠١﴾

* إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ

ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ

قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ

قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ

قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً

فَتُهَاجِرُوا فِيهَا

فَأُولَٰئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ

وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿٩٧﴾

آنگاه که مرگ یکی از آنها فرا رسد

می گوید : پروردگارا! مرا بازگردانید

باشد که عمل صالح انجام دهم

که در گذشته ترک کرده بودم

هرگز! این سخنی است که او می گوید

و پیش روی آنها برزخی است

تا روزی که برانگیخته شوند.

پس آنگاه که در صور دمیده شود (و قیامت آید)

در این روز، هیچ یک از پیوندهای خویشاوندی

در میانشان نیست

و از حال یکدیگر نمی پرسند.

مؤمنون، ۹۹ تا ۱۰۱

آنان که فرشتگان جانشان را می گیرند

در حالی که بر خود ستم روا داشته اند،

به ایشان می گویند در چه حال بودید؟

گویند ما در سرزمین خود مستضعف^۱ بودیم

فرشتگان می گویند : مگر زمین خدا

وسیع نبود که هجرت کنید؟

سرانجام اینان جهنم است

و این، بد فرجامی است.

۱- مستضعف : آنان که راهی برای فهم حق و هدایت در پیش رویشان نبوده است.

﴿إِلَّا الْمُسْتَزْعَفِينَ﴾

مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوِلْدَانِ
لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً

وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا ﴿٩٨﴾

مگر آنان که مستضعف شدند

از مردان و زنان و کودکان

که نمی‌توانند چاره‌ای پیدا کنند

و راهی برای هدایت نمی‌یابند

نساء، ۹۷ و ۹۸

عالم برزخ

قرآن کریم از وجود عالمی پس از مرگ، به نام «برزخ» خبر می‌دهد. برزخ در لغت به معنای فاصله و حایل میان دو چیز است. عالم برزخ میان زندگی دنیایی و حیات اخروی قرار گرفته و آدمیان، پس از مرگ وارد چنین حیاتی می‌شوند و تا قیامت در آن می‌مانند و در صورتی که نیکوکار باشند، از لذت‌های آن برخوردار و اگر بدکار و شقی^۱ باشند، از رنج‌ها و دردهای آن متألّم می‌گردند.

سوره/آیه

.....

■ ویژگی‌های عالم برزخ

۱- وجود حیات

پس از مرگ، گرچه فعالیت‌های حیاتی بدن متوقف می‌شود اما فرشتگان، حقیقت وجود انسان را که همان روح اوست، «توقّی» می‌کنند؛ یعنی آن را به‌طور تمام و کمال دریافت می‌نمایند. بنابراین، گرچه بدن حیات خود را از دست می‌دهد اما روح، همچنان به حیات و فعالیتش ادامه می‌دهد. اشاره به توقّی در قرآن کریم خود نشان‌دهنده تفاوت روح و بدن است.

سوره/آیه

.....

۲- وجود شعور و آگاهی

با توجه به اینکه عامل شعور و آگاهی انسان در دنیا روح وی است و روح در برزخ، به حیات خود ادامه می‌دهد، یکی از ویژگی‌های برزخ، وجود شعور و آگاهی در آن خواهد بود. براساس آیات و روایات برخی از نشانه‌های شعور و آگاهی انسان در عالم برزخ عبارت‌اند از:

الف) گفت‌وگوی فرشتگان با انسان: به‌عنوان نمونه در سوره نساء آمده است که، فرشتگان به ظالمان خطاب کرده و از احوال آنها می‌پرسند و در مقابل، آنها پاسخ داده و خود را از مستضعفین بر روی زمین

۱- شقی: بدبخت و کسی که از سعادت محروم است.

معرفی می کنند. این مکالمه و طرف خطاب قرار دادن، دلیلی بر وجود شعور و آگاهی در برزخ است.

سوره/آیه

.....

ب) سخن گفتن پیامبر ﷺ با کشته شدگان جنگ بدر: در جنگ بدر، وقتی بزرگان لشکر کفار کشته شدند و سپاه اسلام پیروز شد، رسول خدا ﷺ آن کشتگان را این گونه مورد خطاب قرار داد:

«آنچه پروردگارمان به ما وعده داده بود، حق یافتیم؛ آیا شما نیز آنچه پروردگارتان وعده داده بود، حق یافتید؟».

اصحاب گفتند: «ای رسول خدا ﷺ چگونه با آنها سخن می گویی در حالی که مرده اند؟!». حضرت فرمود: «قسم به کسی که جانم در دست اوست، ایشان به این کلام از شما شنواترند و فقط نمی توانند پاسخ دهند».^۱

۳- وجود ارتباط میان عالم برزخ و دنیا

با مرگ انسان و ورود وی به عالم برزخ، ارتباط او با دنیا به طور کامل قطع نمی شود. برخی از نشانه های تداوم این ارتباط عبارت است از:

الف) بسته نشدن پرونده اعمال: پرونده برخی اعمال انسان با مرگ بسته نمی شود و امکان دارد بر اعمال نیک و بد آن افزوده و یا از آنها کاسته شود.

يُنَبِّؤُا الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ

در آن روز [قیامت] به انسان خبر داده می شود

بِمَا قَدَّمْ وَأَخَّرَ^۲

به آنچه پیش [از مرگ] فرستاده و آنچه پس [از

مرگ] فرستاده است.

همان گونه که قرآن کریم می فرماید، دامنه برخی از اعمال، محدود به دوران زندگی انسان است و با مرگ، پرونده این اعمال بسته می شود (آثار ماتقدم)؛ اعمالی مانند نماز و روزه؛ اما پرونده بسیاری از اعمال حتی بعد از مرگ ما نیز باز می ماند (آثار ماتأخر)؛ به عنوان مثال اگر کسی کتابی را به کسی یا کتابخانه ای هدیه دهد، یا مطلب مفیدی را به دیگران آموزش دهد، تا وقتی که آن کتاب توسط دیگران خوانده می شود و آموزش های وی به دیگران منتقل می شود یا از آن استفاده می شود، در پرونده عمل

۱- محجة البیضاء، فیض کاشانی، ج ۸، ص ۲۹۶

۲- سوره قیامت، ۱۳

او پاداش می‌نویسند و بر حسنات او می‌افزایند، گرچه خود فرد از دنیا رفته باشد. در مقابل، کسی که راه و رسم نادرست و مخالف فرمان الهی را از خود بر جای می‌گذارد، تا وقتی آثار این راه و رسم غلط در جامعه باقی است، گناه در دفتر اعمال وی ثبت می‌شود و روز به روز بر عذاب وی افزوده می‌شود. تولید و نشر مطالب نامناسب و غیراخلاقی در فضای مجازی، ایجاد یا تقویت آداب و رسوم غلط در امر ازدواج، ایجاد انحرافات فکری و اخلاقی در دیگران، نمونه‌هایی از اعمال ناشایستی است که موجب سنگین شدن پرونده گناهان فرد، حتی پس از مرگ وی می‌شود.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: **هر کس سنت و روش نیکی را در جامعه جاری سازد، تا وقتی که در دنیا مردمی به آن سنت عمل می‌کنند، ثواب آن اعمال را به حساب این شخص هم می‌گذارند، بدون اینکه از اجر انجام‌دهنده آن کم کنند و هر کس سنت زشتی را در بین مردم مرسوم کند، تا وقتی که مردمی بدان عمل کنند، گناه آن را به حساب او نیز می‌گذارند، بدون اینکه از گناه عامل آن، کم کنند.**^۱

فعالیت کلاسی

نمونه‌هایی از اعمال را ذکر کنید که دارای آثار طولانی خوب یا بد هستند و بعد از مرگ انسان ادامه می‌یابند.

.....

.....

بیشتر بدانیم

دومینویی به امتداد جهان آخرت

آیا تاکنون به سرگرمی دومینو دقت کرده‌اید؟

هزاران قطعه، در برنامه‌ای از قبل تنظیم شده، انرژی خود را به قطعات دیگر منتقل می‌کنند و در چند ثانیه پدیده‌ای جذاب و لذت‌بخش به وجود می‌آورند. اما برخی دومینوها از قطعات و اجسام مادی و در فضای مادی، شکل نمی‌گیرند و قطعه‌هایشان محدود به هزاران و صدها هزار نمی‌شود. این دومینوها

زمانی بیش از ثانیه‌ها و دقیقه‌ها و حتی سال‌ها برای کامل شدنشان طی می‌کنند و حتی ممکن است به آن سوی حیات انسان کشیده شوند و مهم‌تر از همه اینکه سرگرمی نیستند! چون هم ممکن است به فاجعه‌ای هولناک تبدیل شوند و هم ممکن است آینده‌ای درخشان را در پی داشته باشند!

جالب است که تک‌تک من و شما در این دومینو، شرکت داریم.

دومینویی که با بارگذاری، ارسال و بازنشر یک محتوا در شبکه‌های اجتماعی، نقش مادر ایجاد آن پایان می‌یابد اما آثارش آغاز می‌شود؛ آثاری که برای همیشه پایدار است؛ حتی برای پس از مرگ ما.



ب) دریافت پاداش خیراتِ بازماندگان : اعمال خیری که بازماندگان برای درگذشتگان انجام می‌دهند مانند دادن صدقه، طلب مغفرت، دعای خیر و انفاق برای آنان، در عالم برزخ به آنها می‌رسد و در سرنوشت آنها تأثیر می‌گذارد.

ج) ارتباط متوفی با خانواده : شخصی از امام کاظم علیه السلام دربارهٔ وضعیت مؤمنان پس از مرگ پرسید : «آیا مؤمن به دیدار خانواده خویش می‌آید؟»

فرمود : آری

پرسید : چقدر؟

فرمود : «برحسب مقدار فضیلت‌هایش. برخی از آنان هر روز و برخی هر دو روز و برخی هر سه روز و کمترین آنان هر جمعه».

منظور از فشار قبر و عذاب‌های داخل قبر چیست؟ آیا منظور تنگ شدن قبر خاکی و عذاب جسم بی جان انسان است؟

در روایات هر جا که سخن از عذاب قبر به میان آمده است، منظور قبرهای دنیوی نیست؛ بلکه در این روایات، قبر کنایه از عالم برزخ است و فشار قبر فشاری است که به روح انسان، به علت قطع تعلق از دنیا و ورود به عالم برزخ وارد می شود. توضیح اینکه، با مرگ انسان و جدا شدن روح از بدن، انسان به عالم برزخ وارد می شود؛ عالمی که دارای ویژگی‌ها و معیارهای دنیا نیست و از این رو انسان با محیطی ناشناخته و متفاوت با دنیا مواجه می شود. انسان‌هایی که در زندگی دنیوی موفق به ترک تعلق به دنیا نشده اند و اسیر دنیا و تعلقات آن بوده اند و انس با دنیا و دلبستگی شدید به آن هنوز در قلب و روح آنها وجود دارد، با ورود به این عالم جدید و از دست دادن دلبستگی‌های دنیوی، دچار ترس و وحشت می شوند و همچنین به دلیل گناهانی که انجام داده اند، در عذاب و فشار روحی قرار می گیرند. هرچه انس و تعلق انسان به دنیا بیشتر باشد، این فشارها و وحشت‌ها بیشتر خواهد بود و هرچه تعلق کمتر باشد، این ترس و فشار کمتر می شود. پس این عذاب و فشار قبر به معنای تنگ شدن قبر خاکی نیست؛ بلکه منظور در فشار و عذاب بودن روح انسان است.^۱

اندیشه و تحقیق

۱- منظور از کلمه «تَوْفَى» در قرآن کریم، چیست و برای اشاره به کدام بُعد از وجود انسان استفاده شده است؟

۲- هریک از موارد زیر به کدام یک از ویژگی‌های برزخ اشاره دارد؟

(الف) تلقین میّت به هنگام دفن

(ب) انجام خیرات و طلب آمرزش برای گذشتگان

(ج) زیارت قبور در گذشتگان



آرم روبه‌رو مربوط به کدام یک از مؤسسات است؟
ارتباط آن را با بحث اعمال ماتقدم و ماتأخر بیان کنید.

بیشتر بدانیم

سخن گفتن حضرت علی علیه السلام با مردگان!

حضرت علی علیه السلام در راه بازگشت از جنگ صفین به قبرستانی رسیدند. در این هنگام، روبه سوی قبرها کردند و فرمودند :

«ای اهل سرزمین وحشت و محله‌های خالی و قبرهای تاریک، ای اهل خاک و غربت و تنهایی و ترس. شما زودتر از ما رفتید و ما نیز به شما ملحق می‌شویم، اما در خانه‌هایتان دیگران ساکن شدند و همسراتان با دیگران ازدواج کردند و اموالتان بین دیگران تقسیم شد. این خبر ما برای شما بود، شما چه خبری برای ما دارید؟»

سپس به یاران خود نگاه کردند و فرمودند : «اگر به آنان اجازه سخن گفتن داده شود، شما را با خبر می‌کردند و می‌گفتند : بهترین توشه [برای ابدیت] تقواست.»

نهج البلاغه، حکمت ۱۳۰

معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
حیات پس از مرگ	علامه محمدحسین طباطبائی	دفتر انتشارات اسلامی	معلم

درس ششم واقعہ بزرگ



قرائت : آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



* وَنُفِخَ فِي الصُّورِ

فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ

وَمَنْ فِي الْأَرْضِ

إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ

ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى

فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ ﴿٦٨﴾

* وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا

وَوُضِعَ الْكِتَابُ

وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ

وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ

وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٦٩﴾

و در صور دمیده می شود

و مدهوش می شود هر کس که در آسمانهاست

و هر کس که در زمین است

مگر آن که خدا بخواهد

سپس بار دیگر در آن دمیده می شود

آنگاه آنان در حالی که ایستاده اند در انتظارند.

آنگاه زمین به نور پروردگارش روشن گردد

و کتاب را در جایگاه قرار دهند

و پیامبران و شاهدان را بیاورند

و بین مردم به حق داوری شود

و به آنان ستم نمی شود.

زُمر، ۶۸ و ۶۹

برپایی قیامت بزرگ ترین واقعه جهان خلقت است که با پایان دنیا رخ می دهد و انسان ها را وارد زندگی ابدی می کند. این رخداد بزرگ که در آیاتی از قرآن کریم ترسیم شده، در دو مرحله انجام می گیرد و در هر مرحله وقایع خاصی رخ می دهد.



■ الف) مرحلهٔ اوّل قیامت

در این مرحله، دنیا پایان می‌پذیرد و جهان خلقت آماده ورود به مرحلهٔ بعد که ورود به جهان آخرت است، می‌شود. در این مرحله حوادث زیر اتفاق می‌افتد:

۱- شنیده شدن صدایی مهیب: صدایی مهیب و سهمگین آسمان‌ها و زمین را فرا می‌گیرد و این اتفاق چنان ناگهانی رخ می‌دهد که همه را غافلگیر می‌کند؛ قرآن کریم از این واقعه به نفع صورت یاد می‌کند.
سوره/آیه
.....

۲- مرگ اهل آسمان‌ها و زمین: همهٔ اهل آسمان‌ها و زمین، جز آنها که خداوند خواسته است، می‌میرند^۱ و بساط حیات انسان و دیگر موجودات در دنیا برچیده می‌شود.
سوره/آیه
.....

۳- تغییر در ساختار زمین و آسمان‌ها: تحولی عظیم در آسمان‌ها و زمین رخ می‌دهد. خورشید در هم می‌پیچد و بی‌نور و تاریک می‌شود.^۲ آن همه ستاره‌ای که در آسمان می‌درخشید، همه به یک‌باره تیره می‌شوند،^۳ زمین به شدت به لرزه در می‌آید^۴ و خرد می‌شود،^۵ کوه‌ها سخت در هم کوبیده شده^۶ و متلاشی می‌شوند و همچون ذرات گرد و غبار در هوا پراکنده می‌گردند.^۷
این تغییرات چنان گسترده و عمیق است که آسمان‌ها و زمین به آسمان‌ها و زمینی دیگر که متناسب با قیامت و آخرت است، تبدیل می‌شوند.

■ ب) مرحلهٔ دوم قیامت

در این مرحله وقایعی رخ می‌دهد تا صحنهٔ داوری الهی فراهم شود و انسان‌ها آمادهٔ دریافت پاداش و کیفر گردند.

۱- زنده شدن همهٔ انسان‌ها: بار دیگر بانگی سهمناک در عالم می‌پیچد و حیات مجدد انسان‌ها آغاز می‌شود. با این صدا، همهٔ مردگان با قدرت خداوند دوباره زنده می‌شوند و در پیشگاه خداوند حاضر می‌گردند تا برای رسیدگی به حساب آماده شوند.

سوره/آیه
.....

۱- بنابر روایات، پیامبران الهی و امامان بزرگوار از این قضیه استثناء شده‌اند. (انسان از آغاز تا انجام، علامه طباطبائی، ص ۹۳)

۴- سورهٔ واقعه، آیه ۴

۳- سورهٔ تکویر، آیه ۲

۲- سورهٔ تکویر، آیه ۱

۷- سورهٔ واقعه، آیات ۵ و ۶

۶- سورهٔ حافه، آیه ۱۴

۵- سورهٔ فجر، آیه ۲۱

۲- آشکار شدن تمام حقایق : در آن روز با تاییدن نور حقیقت از جانب خداوند، پرده‌ها کنار می‌رود و اسرار و حقایق عالم آشکار می‌شود و واقعیت همه چیز از جمله اعمال و رفتار و نیت انسان‌ها و نیز حوادث تلخ و شیرینی که در زمین اتفاق افتاده است، عیان می‌گردد.

سوره/آیه

.....

۳- برپا شدن دادگاه عدل الهی : با آماده شدن صحنه قیامت، رسیدگی به اعمال آغاز می‌شود و ترازوهای ویژه‌ای که اعمال را می‌سنجند و ترازوهای عدل نام دارند، گذاشته می‌شود. اعمال، افکار و نیت‌های انسان‌ها در ترازوی حق و عدل پروردگار سنجیده می‌شود و هر عملی حتی اگر به اندازه ذره‌ای ناچیز باشد، به حساب آن نیز رسیدگی خواهد شد.^۱ اعمال پیامبران و امامان معیار و میزان سنجش اعمال دیگران قرار می‌گیرد؛ زیرا اعمال آنان عین آن چیزی است که خدا به آن دستور داده است؛ از این رو هرچه عمل انسان‌ها به راه و روش آنان نزدیک‌تر باشد، ارزش بیشتری خواهد داشت.

۴- حضور شاهدان و گواهان : براساس آیات و روایات، در این روز شاهدان و گواهانی بر اعمال و رفتار انسان‌ها در پیشگاه خداوند شهادت می‌دهند. برخی از این شاهدان عبارت‌اند از :

الف) پیامبران و امامان : ایشان همان گونه که در دنیا ناظر و شاهد بر اعمال انسان‌ها بوده‌اند^۲، در روز قیامت نیز شاهدان دادگاه عدل الهی‌اند و چون ظاهر و باطن اعمال انسان‌ها را در دنیا دیده‌اند و از هر خطایی مصون و محفوظ‌اند، بهترین گواهان قیامت‌اند. رسول خدا ﷺ نیز شاهد و ناظر بر همه پیامبران و امت‌هاست.

سوره/آیه

.....

ب) فرشتگان الهی : فرشتگان در طول زندگی انسان‌ها، همواره مراقب آنها بوده‌اند و تمامی اعمال آنها را ثبت و ضبط کرده‌اند.^۳

ج) اعضای بدن انسان : برخی آیات و روایات از شهادت اعضای بدن انسان یاد می‌کنند. بدکاران در روز قیامت سوگند دروغ می‌خورند تا شاید خود را از مهلکه نجات دهند. در این حال، خداوند بر دهان آنها مهر خاموشی می‌زند و اعضا و جوارح آنها به اذن خداوند شروع به سخن گفتن می‌کنند و علیه صاحب خود شهادت می‌دهند.^۴

بدکاران از مشاهده گواهی اعضای خویش به شگفت می‌آیند و خطاب به اعضای بدن خود با لحنی اعتراضی می‌گویند که چرا علیه ما شهادت می‌دهید؟ اعضای بدن آنها می‌گویند : ما را خدایی به سخن آورد که هر چیزی را به سخن می‌آورد.^۵

۱- سوره انبیاء، آیه ۴۷ ۲- شیعیان، براساس روایات رسیده از معصومین علیهم‌السلام عقیده دارند که پیامبران و امامان ناظر بر اعمال ما هستند.

۳- سوره انفطار، آیات ۱۲-۱۰ ۴- سوره یس، آیه ۶۵ ۵- سوره فصلت، آیه ۲۱

قرائت : آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



اما آن که کارنامه اش را به دست راستش می دهند

می گوید : بیایید کارنامه مرا بخوانید

من می دانستم

که با حساب و کارنامه خویش روبه رو می شوم

او، آنگاه در زندگی پسندیده ای است

در بهشتی عالی

که میوه هایش در دسترس است.

بخورید و بیاشامید؛ گوارایتان

به خاطر آنچه در گذشته انجام داده اید

اما کسی که کارنامه اش را به دست چپش

می دهند

می گوید : کاش کارنامه ام داده نمی شد

و نمی دانستم حساب و کتابم چیست

ای کاش با مرگ [همه چیز] تمام می شد

مال و ثروتم مرا بی نیاز نکرد.

تسلطم بر اراده و توانم از دستم رفت.

* فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ

فَيَقُولُ هَؤُلَاءِ أَمْرُوا كِتَابِيهِ ۚ

* إِنِّي ظَنَنْتُ

أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيهِ ۚ

* فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ۚ

* فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ۚ

* قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ ۚ

* كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا

بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ ۚ

* وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ

فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيهِ ۚ

* وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيهِ ۚ

* يَا لَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ ۚ

* مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيهِ ۚ

* هَلْكَ عَنِّي سُلْطَانِيهِ ۚ

۱- گرفتن کارنامه : در هنگام برپایی دادگاه عدل الهی و رسیدگی به عقاید و اعمال انسان‌ها، کارنامه نیکوکاران را به دست راست و کارنامه بدکاران را به دست چپ آنها می‌دهند.

سوره/آیه

.....

۲- حقیقت کارنامه انسان : این کارنامه یا نامه عمل چیست و اعمال انسان چگونه در آن ثبت شده است؟ در پاسخ به این سؤال می‌گوییم که : آن کارنامه، با کارنامه‌ها و نامه‌های دنیا به کلی متفاوت است. نامه عمل، مانند نامه دنیا نیست که گزارشی از عمل باشد؛ بلکه، خود عمل و حقیقت و باطن عمل است. این کارنامه، عقاید قلبی و نیت‌های درونی و خُلقیات انسان‌ها را هم دربردارد. حقیقت آن است که انسان، در آن نامه عمل، تمام هویت خود را از بدو تولّد، تا پایان زندگی و حتی زندگی در برزخ را در آن می‌یابد.^۱ با توجه به چنین کارنامه‌ای، هر انسان نیکوکاری، به آنچه که شایسته و لایق اوست، می‌رسد و هر گناهکاری نیز دقیقاً مطابق با عمل خود مجازات می‌شود. اصولاً پاداش‌ها و مجازات‌ها، همان عمل خود انسان هستند که در آخرت به صورت پاداش یا مجازات درآمده‌اند، نه چیزی خارج از آن. بنابراین، به اندازه سروسوزنی به کسی ظلم نمی‌شود. البته خداوند به نیکوکاران وعده داده که ده برابر بیشتر از عمل نیکی که انجام داده‌اند، به ایشان پاداش بدهد که این به خاطر لطف و مهربانی خدا به بندگان است.

۳- عوامل بهشتی یا جهنمی شدن انسان : چه عواملی نیکوکاران را بهشتی و بدکاران را جهنمی می‌کند؟ خداوند، با نقل گفت‌وگوهایی که در آخرت رخ می‌دهد، به برخی از آن عوامل اشاره می‌کند. گاهی بهشتیان از گناهکاران علت سقوط آنها در آتش را می‌پرسند. آنان می‌گویند :

«ما از نمازگزاران نبودیم،

بینوایان را هم اطعام نمی‌کردیم،

سرگرم لهو و لعب خود بودیم،

و روز قیامت را هم انکار می‌کردیم،

تا اینکه مرگ به سراغمان آمد و دستمان از دنیا کوتاه شد.»^۲

گاهی نیز فرشتگان از دوزخیان می‌پرسند :

مگر راهنما و اندازنده‌ای به سوی شما نیامد؟

آنان می‌گویند :

چرا، آمد، اما ما آنان را تکذیب کردیم و گفتیم خدا چیزی نازل نکرده است.

۱- سوره کهف، آیه ۴۹

۲- سوره مدثر، آیات ۴۲ تا ۴۷

سپس به فرشتگان می‌گویند :

کاش به سخنان پیامبران گوش می‌دادیم و یا به ندای عقل خود عمل می‌کردیم و اگر چنین کرده بودیم، اکنون در آتش نبودیم.^۱

تفکر

مجموعه این عوامل را می‌توان در دو دسته «حق خداوند» و «حق مردم» قرار داد. آنان که حق خدا و مردم را مراعات کرده، به بهشت می‌روند و آنان که این حق را زیر پا گذاشته‌اند، وارد جهنم می‌شوند. با توجه به مجموعه آیاتی که ترجمه آنها در جلسه دوم آمده، نمونه‌هایی از حق خدا و حق مردم را یادداشت کنید.

۱- حق خدا :

.....

۲- حق مردم :

.....

.....

.....

بیشتر بدانیم

پناه من باش!

حضرت علی علیه السلام در مناجات خود در مسجد کوفه این گونه با خدا درباره روز قیامت سخن می‌گوید :

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ الْاَمَانَ یَوْمَ لَا یَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُوْنَ،

اِلَّا مِنْ اَتٰی اللّٰهُ بِقَلْبٍ سَلِیْمٍ

خدایا پناه من باش در روزی که نه مال به درد انسان می‌خورد نه فرزند

و تنها آوردن قلبی پاک به نزد خداست که انسان را فایده می‌بخشد.

۱- سوره ملک، آیات ۸ تا ۱۱

وَ أَسْأَلُكَ الْإِمَانُ يَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ
يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا

خدایا پناه من باش روزی که گناهکار دست حسرت به دندان می‌گزد
و می‌گوید ای کاش با رسول خدا همراه می‌شدم.

... وَ أَسْأَلُكَ الْإِمَانُ يَوْمَ يَفْزُ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَ أُمِّهِ وَ أَبِيهِ وَ صَاحِبَتِهِ وَ بَنِيهِ
خدایا پناه من باش روزی که انسان حتی از برادر، مادر، پدر، همسر و فرزند خود فرار می‌کند.

وَ أَسْأَلُكَ الْإِمَانُ يَوْمَ يَوْدُ الْمُجْرِمُ، لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابٍ يَوْمِئِذٍ بَنِيهِ وَ صَاحِبَتِهِ وَ أَخِيهِ وَ
فَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ^۱
خدایا به من پناه ده در روزی که انسان‌های گناهکار حاضرند فرزند، همسر، برادر و خویشانی که به او پناه
می‌دادند، بلکه تمام مردم زمین به جای آنها عذاب شوند تا خود نجات یابند.

معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
مواقف حشر	محمد شجاعی	کانون اندیشه جوان	دانش‌آموز / معلم
قیام قیامت	محمد شجاعی	کانون اندیشه جوان	دانش‌آموز / معلم

درس هفتم فرجام کار



قرائت : آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



* وَ سِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا

کافران را برانند

إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا^۱

به سوی جهنم گروه گروه^۱

حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا

تا چون به نزدیک آن رسند،

فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا

درهایش گشوده شود

وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا

و نگهبانان جهنم به آنان گویند

أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ

آیا رسولانی از خودتان برایتان نیامدند

يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ

که آیات پروردگارتان را بر شما بخوانند

و يُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا

و شما را از دیدار این روزتان بترسانند

قَالُوا بَلَىٰ

گفتند : چرا، (آمدند)

وَلَكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ

اما فرمان عذاب مسلم شده است

عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٧١﴾

بر کافران.

* قِيلَ ادْخُلُوا

گفته شود به آنها وارد شوید

أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا

از درهای جهنم که در آن جاودانه اید،

فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٧٢﴾

چه بد منزلگاهی برای متکبران است.

زُمر، ۷۱ و ۷۲

۱- عبارت «زُمرًا» به معنای گروه گروه، نشان می دهد که در روز قیامت، افراد برحسب ویژگی های مشترک فکری، رفتاری و... که با یکدیگر دارند در یک گروه قرار می گیرند و این امر تأکیدی بر طرافت و ساختار حاکم بر جزا و کیفر الهی است و بایست دقت نمود در طول زندگی با چه افرادی ویژگی های مشترک پیدا می کنیم.

در آیات ۷۱ و ۷۲ سوره زمر بیندیشید و چگونگی ورود گناهکاران به جهنم را بیان کنید :

- ۱- گناهکاران، گروه گروه.....
- ۲-.....
- ۳- نگهبانان جهنم.....
- ۴-.....
- ۵-.....

جایگاه دوزخیان

پس از پایان محاکمه، دوزخیان گروه گروه به سوی جهنم رانده می شوند^۱ و در حالی که در غل و زنجیر بسته شده اند، در جایگاهی تنگ افکنده می شوند.^۲

آتش جهنم، بسیار سخت و سوزاننده است. این آتش حاصل عمل خود انسان هاست و برای همین، از درون جان آنها شعله می کشد.^۳

در این حال، ناله حسرت دوزخیان بلند می شود و می گویند: ای کاش خدا را فرمان می بردیم و پیامبر او را اطاعت می کردیم.^۴ ای کاش فلان شخص را به عنوان دوست خود انتخاب نمی کردیم. او ما را از یاد خدا بازداشت.^۵ دریغ بر ما، به خاطر آن کوتاهی هایی که در دنیا کردیم!^۶

آنان به خداوند می گویند: پروردگارا شقاوت بر ما چیره شد و ما مردمی گمراه بودیم. ما را از اینجا بیرون ببر که اگر به دنیا بازگردیم، عمل صالح انجام می دهیم.^۷

پاسخ قطعی خداوند این است که آیا در دنیا به اندازه کافی به شما عمر ندادیم تا هرکس می خواست به راه راست آید؟^۸ ما می دانیم اگر به دنیا بازگردید، همان راه گذشته را پیش می گیرید.^۹

آنان گاهی دیگران را مقصر می شمارند و می گویند: شیطان و بزرگان و سرورانمان سبب گمراهی ما شدند.^{۱۰} شیطان می گوید من فقط شما را فراخواندم و شما نیز مرا پذیرفتید. مرا ملامت نکنید، خود را

۳- سوره همزه، آیات ۴ تا ۷

۶- سوره انعام، آیه ۳۱

۹- سوره انعام، آیه ۲۸

۲- سوره فرقان، آیه ۱۳

۵- سوره فرقان، آیات ۲۸ و ۲۹

۸- سوره فاطر، آیه ۳۷

۱- سوره زمر، آیه ۷۱

۴- سوره احزاب، آیه ۶۶

۷- سوره مؤمنون، آیات ۶ و ۷ و ۱۰

۱۰- سوره احزاب، آیه ۶۷

ملامت کنید.^۱ به نگهبانان جهنم رو می آورند تا آنها برایشان از خداوند تخفیفی بگیرند؛ ولی فرشتگان می گویند: مگر پیامبران برای شما دلایل روشنی نیاوردند؟ آنان می گویند: بلی! فرشتگان نیز تقاضای آنها را نمی پذیرند و درخواستشان را بیجا می دانند.^۲

لذت‌های زودگذر آلوده به گناه ← پشیمانی و حسرت همیشگی

بیشتر بدانیم

چهار رفیق

تاجری چهار رفیق صمیمی داشت. از میان آنها، رفیق چهارم را بیشتر از همه دوست داشت. تاجر با خرید هدایای فراوان، دوستی خود را به او ابراز می کرد و با احترام بسیار با وی رفتار می نمود. او بهترین هر چیز را برای این دوست خود کنار می گذاشت.

تاجر، رفیق سومش را هم دوست داشت؛ چنان که همه جا به داشتن چنین رفیقی افتخار می کرد و همواره وی را به دیگران نشان می داد؛ اما ترسی همواره بر دل تاجر بود که مبادا او ترکش کند و با دیگران رفاقت کند.

رفیق دوم تاجر خیلی قابل اعتماد و صبور بود. تاجر هرگاه با مشکلی روبه‌رو می شد به سراغ او می رفت و او هم به تاجر اعتماد به نفس می داد و موجب دلگرمی او می شد.

رفیق اول تاجر، فردی بسیار وفادار بود. اما مرد تاجر به ندرت به او توجه می کرد و کمتر پاسخ محبت‌های بی دریغ او را می داد.

روزی، تاجر به شدت بیمار شد و دریافت که رفتنی است. زندگی مرفه و اشرافی خود را از جلوی چشمانش گذراند و با خود گفت: اگرچه در این دنیا چهار دوست صمیمی دارم؛ اما اگر بمیرم تنهای تنها خواهم شد.

۲- سورة غافر، آیات ۴۹ و ۵۰

۱- سورة ابراهیم، آیه ۲۲

از این رو، رفقاییش را به نزد خود فراخواند. ابتدا رو به رفیق چهارم خود کرد و گفت: من در این دنیا بیش از حد تو را دوست داشتم و برای تو بهترین‌ها را فراهم کردم؛ حالا که من در حال مرگ هستم، آیا با من می‌آیی و مرا در این سفر همراهی می‌کنی؟

رفیق چهارم گفت: به هیچ وجه، و راه خود را گرفت و رفت.

با دلی شکسته درخواستش را با رفیق سومش در میان گذاشت؛ اما او هم بلافاصله گفت: نه، نمی‌توانم. تصمیم دارم پس از مرگت با کس دیگری رفیق شوم.

تاجر رو به رفیق دومش کرد و مصرانه گفت: من هرگاه کمک خواسته‌ام، تو یاورم بوده‌ای. آیا این بار هم مرا یاری می‌کنی؟

رفیق دوم با ناراحتی گفت: این بار نمی‌توانم؛ اما برای تو هر هفته خیرات می‌دهم و طلب آمرزش می‌کنم.

حرف‌های رفیق دوم مانند صاعقه، قلب رنجور تاجر را درید و ویران کرد.

ناگاه ندایی شنید: من با تو می‌آیم، من تو را همراهی می‌کنم، هر جا که بروی با تو هستم.

تاجر گریست؛ این صدای رفیق اولش بود که تکیده و رنجور در گوشه‌ای نشسته بود. تاجر با شرمساری دست نحیف او را گرفت و گفت: حالا می‌فهمم که باید در تمام این مدت، قدر تو را می‌دانستم و همه دارایی‌ام را به پای تو می‌گذاشتم.

این داستان واقعی زندگی همه ما انسان‌هاست:

رفیق چهارم، جسم ماست که همه چیز را برای زیبایی و تغذیه او صرف می‌کنیم؛ اما پس از مرگ، خیلی زود ما را ترک می‌کند.

رفیق سوممان، ثروت و اموال ماست. وقتی ما می‌میریم، بلافاصله به دیگران می‌رسد.

رفیق دوم ما، خانواده، فرزندان و دوستان ما هستند که به رغم نزدیکی و همراهی با ما در زمان حیات، پس از مرگ، تا قبر ما می‌آیند و برمی‌گردند.

و اما رفیق اول که بسیاری از اوقات آن را فراموش می‌کنیم، فقط اوست که ما را در این سفر، همراهی می‌کند. او کسی نیست جز...

قرائت : آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید :

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



* وَ سِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ
إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا
حَتَّى إِذَا جَاءُوهَا
وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا
وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا
سَلَامٌ عَلَيْكُمْ
طِبِّئْكُمْ

فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ ﴿٧٣﴾

* وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَهُ
وَ أَوْثَرْنَا الْأَرْضَ
نَتَّبِعُوا مِنَ الْجَنَّةِ
حَيْثُ نَشَاءُ

فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴿٧٤﴾

پرواداران از پروردگار را برانند
به سوی بهشت، گروه گروه
تا به نزدیک آن رسند
درحالی که درهایش گشوده است
نگهبانان آن به اهل بهشت گویند
سلام بر شما
پاکیزه و نیکو گشتید
پس به آن وارد شوید و جاودانه بمانید.
و گویند ستایش خدا را
که وعده اش را بر ما راست گردانید
و زمین را به ما میراث داد
که در بهشت جای گیریم
در هر جا که بخواهیم
پس چه نیک است پاداش عمل کنندگان

زُمر، ٧٣ و ٧٤

جایگاه نیکوکاران



اینجا بهشت است! جایی که پس از پایان حسابرسی، نیکوکاران و رستگاران را به سوی آن راهنمایی می‌کند؛ بهشت آماده استقبال و پذیرایی از آنهاست و چون بهشتیان سررسند، درهای آن را به روی خود گشوده می‌بینند. از هر دری فرشتگان برای استقبال به سوی آنان می‌آیند^۱ و به بهشتیان سلام می‌کنند و می‌گویند: خوش آمدید؛ وارد بهشت شوید و برای همیشه در آن زندگی کنید.^۲ بهشتیان می‌گویند خدای را سپاس که به وعده خود وفا کرد و این جایگاه زیبا را به ما عطا فرمود.^۳ هریک از بهشتیان در درجه‌ای خاص از بهشت قرار می‌گیرند.

هرچه دل‌هایشان تمنا کند و دیدگان‌شان را خوش آید، آماده می‌بینند.^۴ خدا را سپاس می‌گویند که حزن و اندوه را از آنان زدوده و از رنج و درماندگی، دور کرده است.^۵ علاوه بر این، بالاترین نعمت بهشت، یعنی رسیدن به مقام خشنودی خدا را برای خود می‌یابند و از این رستگاری بزرگ مسرورند.^۶

بهشتیان با خدا هم صحبت‌اند و به جمله «خدا یا! تو پاک و منزهی» مترنم‌اند.^۷ بهشت برای آنان سرای سلامتی (دارالسلام) است؛^۸ یعنی هیچ نقصانی، غصه‌ای، ترسی، بیماری‌ای، جهلی، مرگ و هلاکتی، و خلاصه، هیچ ناراحتی و رنجی در آنجا نیست. نعمت‌های دائمی آن هیچ‌گاه خستگی و سستی نمی‌آورد. در آنجا انسان همیشه شاداب و سر حال است و همواره احساس طراوت و تازگی می‌کند. دوستان و هم‌نشینان انسان در آنجا، پیامبران، راستگویان، شهیدان و نیکوکاران‌اند و آنان چه نیکو هم‌نشینانی هستند.^۹

زنان و مردان بهشتی در زیباترین و جوان‌ترین صورت و قیافه در بهشت به سر می‌برند. زندگی آنان سرشار از عشق، لذت و سرور است. همسران بهشتی خوش‌رفتار و زیبارو، جوان و شاداب، پاک و طاهر، خوش و خرم، پیوسته عاشق و خرسند از همسر خود هستند.^{۱۰} و^{۱۱}

یک زندگی سالم، شاداب و خداپسند کوتاه مدت در دنیا ← یک زندگی زیبا و لذت‌بخش ابدی در آخرت

- | | | |
|--|----------------------------|----------------------|
| ۱- سورة رعد، آیه ۲۳ | ۲- سورة زمر، آیه ۷۳ | ۳- سورة زمر، آیه ۷۴ |
| ۴- سورة زخرف، آیه ۷۱ | ۵- سورة فاطر، آیات ۳۴ و ۳۵ | ۶- سورة توبه، آیه ۷۲ |
| ۷- سورة یونس، آیه ۱۰ | ۸- سورة انعام، آیه ۱۲۷ | ۹- سورة نساء، آیه ۶۹ |
| ۱۰- سورة واقعه، آیات ۲۲ تا ۲۴ و ۳۵ تا ۳۷؛ سورة الرحمن، آیات ۷۰ تا ۷۷ | | |
| ۱۱- برای اطلاع بیشتر از ویژگی‌های بهشت به جلد ۱۰ «معادشناسی» از علامه حسینی تهرانی و کتاب «معاد» استاد قرائتی مراجعه کنید. | | |

جایی که در آن ملال و دل‌زدگی نیست

ممکن است این سؤال برای برخی پیش آید که آیا زندگی کردن تا ابد در بهشت موجب خستگی و دل‌زدگی بهشتیان نخواهد شد؟

منشأ این سؤال مقایسه لذت‌های بهشتی با لذت‌های دنیوی است و اینکه لذت‌های دنیوی پس از مدتی، تکراری و خسته‌کننده می‌شوند. خوب است بدانیم علت اینکه لذت‌های دنیا بعد از مدتی تکراری و خسته‌کننده می‌شوند این است که :

اولاً دامنۀ لذات مادی محدود است و در برابر روح بی‌نهایت‌طلب و بلندپرواز انسان نمی‌تواند برای مدت طولانی ارزش خود را حفظ کند. برای همین حتی ثروتمندترین افراد نیز پس از مدتی از زندگی یکنواخت خود خسته می‌شوند. اما نعمت‌ها و لذات بهشتی پایان‌ناپذیر است و بدون هیچ حدی در اختیار بهشتیان است.

ثانیاً از آنجا که روح انسان متعلق به خداست و تنها با او آرام می‌گیرد، مدام در تلاش برای رسیدن به اوست و از همین‌رو هیچ هدف یا لذتی نمی‌تواند برای همیشه او را به خود مشغول سازد و او را قانع کند. از این‌رو، آنان که از خدا دور افتاده‌اند، مدام از این هدف به آن هدف و از این لذت به آن لذت دیگر روی می‌آورند تا مگر آرام و قرار گیرند، اما چون گمگشته خود را در هیچ‌یک از این لذت‌ها نمی‌یابند، نمی‌توانند برای همیشه خود را با آن سرگرم کنند. اما در بهشت، انسان خواسته حقیقی و گمگشته درونی خویش که همان لقای پروردگار است را، می‌یابد و با او آرام می‌گیرد و دیگر به هیچ‌رو خواستار تغییر این وضعیت و دگرگونی در آن نیست؛ زیرا در نهایت آرامش به سر می‌برد و روح بی‌نهایت‌طلب او از مواهب پایان‌ناپذیر بهشت برخوردار است. قرآن کریم می‌فرماید :

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا^۱

در آن [بهشت ابدی] جاویدانند و خواستار هیچ‌گونه دگرگونی نیستند.

رابطه میان عمل و پاداش و کیفر

از سؤال‌های قابل توجه این است که رابطه اعمال دنیایی با جزا و پاداش اخروی چگونه است؟

برای رسیدن به پاسخ این سؤال، می‌گوییم: رابطه میان عمل و جزا و پاداش سه‌گونه است:

۱- قراردادی: گاهی پاداش و کیفر براساس مجموعه‌ای از قراردادها تعیین می‌شود؛ مانند اینکه اگر کارگر در طول روز، کار معینی را انجام دهد، دستمزد مشخصی در برابر آن کار دریافت می‌کند. همچنین اگر کسی مرتکب جرمی شود، مطابق با قوانین و مقررات به پرداخت جریمه نقدی یا زندان و نظایر آن محکوم می‌شود. در این قبیل رابطه‌ها، انسان‌ها می‌توانند با وضع قوانین جدید این رابطه‌ها را تغییر دهند؛ برای مثال، اگر کیفر جرمی زندان است، آن را به پرداخت جریمه نقدی تبدیل کنند. آنچه در اینجا اهمیت دارد، تناسب میان جرم و کیفر است تا عدالت برقرار گردد.

۲- طبیعی: گاهی پاداش و کیفر، محصول طبیعی خود عمل است و انسان‌ها نمی‌توانند آن را تغییر دهند، بلکه باید خود را با آن هماهنگ کنند؛ مثلاً اگر کسی سیگار بکشد، به امراض گوناگونی مبتلا می‌شود. همچنین اگر کسی اهل مطالعه و تحقیق باشد، به‌طور طبیعی به علم و آگاهی دست می‌یابد.

۳- تجسم عمل: نوع دیگری از رابطه میان عمل و پاداش و کیفر وجود دارد که عمیق‌تر و کامل‌تر از دو نوع قبلی است و این نوع از رابطه، در برزخ و آخرت امکان‌پذیر می‌باشد. همان‌طور که در بحث از نامه عمل دیدیم، آنچه انسان با خود به قیامت می‌برد، حقیقت و باطن اعمالی است که اکنون در این دنیا قابل مشاهده نیست. هر عملی یک جنبه ظاهری و یک جنبه باطنی دارد. جنبه ظاهری، بعد از عمل از بین می‌رود؛ اما جنبه باطنی هرگز از بین نمی‌رود و در روح و جان هر انسانی باقی می‌ماند. بنابراین، هر عملی که ما در زندگی دنیوی انجام می‌دهیم، حقیقت و باطن آن عمل در جهان آخرت به صورت زشت یا زیبا، لذت‌بخش یا دردآور مجسم می‌شود و انسان خود را در میان اعمال خود می‌بیند. پس آنچه در روز قیامت به‌عنوان پاداش یا کیفر به ما داده می‌شود، عین عمل ماست. به‌عنوان مثال، کسی که ربا می‌خورد و یا مال یتیمی را به ناحق تصاحب می‌کند، اگر باطن و چهره واقعی عمل او در همین دنیا برملا شود، همگان خواهند دید که او در حال خوردن آتش است؛ اما در دنیا آتش آشکار نمی‌شود و هنگامی که او وارد جهان آخرت می‌شود و پرده‌ها کنار می‌رود و حقیقت و باطن عمل عیان می‌گردد، آتش از درون او زبانه می‌کشد.^۱

۱- سورة نساء، آیه ۱۰

رسول خدا ﷺ در هنگام پند و اندرز به یکی از یاران خود، فرمود :

«برای تو ناچار هم نشینی خواهد بود که هرگز از تو جدا نمی گردد و با تو دفن می شود ... آنگاه آن هم نشین در رستاخیز با تو برانگیخته می شود و تو مسئول آن هستی. پس دقت کن، هم نشینی که انتخاب می کنی، نیک باشد؛ زیرا اگر او نیک باشد، مایهٔ انس تو خواهد بود و در غیر این صورت، موجب وحشت تو می شود. آن هم نشین، کردار توست»^۱.

بنابراین در روز قیامت، تصویر اعمال و یا گزارشی از آنها داده نمی شود، بلکه خود عمل نمایان می شود و هر کس عین عمل خود را می بیند.

اندیشه و تحقیق

- ۱- چرا در کفر و مجازات اخروی ظلم راه ندارد؟
- ۲- چه تفاوت هایی میان ویژگی های آخرت با دنیا و برزخ وجود دارد؟ آن تفاوت ها را در جدولی مانند جدول زیر تنظیم کنید.

شماره	دنیا	برزخ	آخرت
۱			
۲			
۳			
۴			
۵			

۳- رسول خدا ﷺ فرمود : «الدُّنْيَا مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ»^۲.

یک کشاورز ماهر برای اینکه زراعت پر محصولی داشته باشد، پنج شرط را رعایت می کند :

- ۱- زمین مناسب انتخاب می کند.
- ۲- بذر سالم تهیه می کند.
- ۳- زمین را به موقع آبیاری و از کودهای مناسب استفاده می کند.
- ۴- زمین را از علف های هرز، پاک می کند.

۱- معانی الأخبار، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۲۳۳

۲- تنبيه الخواطر، ورام بن ابی فراس، ج ۱، ص ۱۸۳

۵- مخاطب است که آفات و حیوانات به کشت او ضرر نرسانند.

اگر «دل» بهترین و مناسب‌ترین زمین برای کشت محصول آخرت باشد، چهار شرط دیگر کدام‌اند؟

۱-

۲-

۳-

۴-

.....

فقط یک بار!

فقط یک بار به دنیا می‌آیم،

فقط یک بار خداوند زندگی را به من هدیه می‌کند؛

اما، در سربایی دیگر همواره خواهیم بود؛

اگر این فرصتِ یک باره را از دست بدهم،

چه خواهیم کرد؟

معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
تجسم عمل و شفاعت	محمد شجاعی	کانون اندیشه جوان	دانش آموز / معلم

قدم در راه

۲

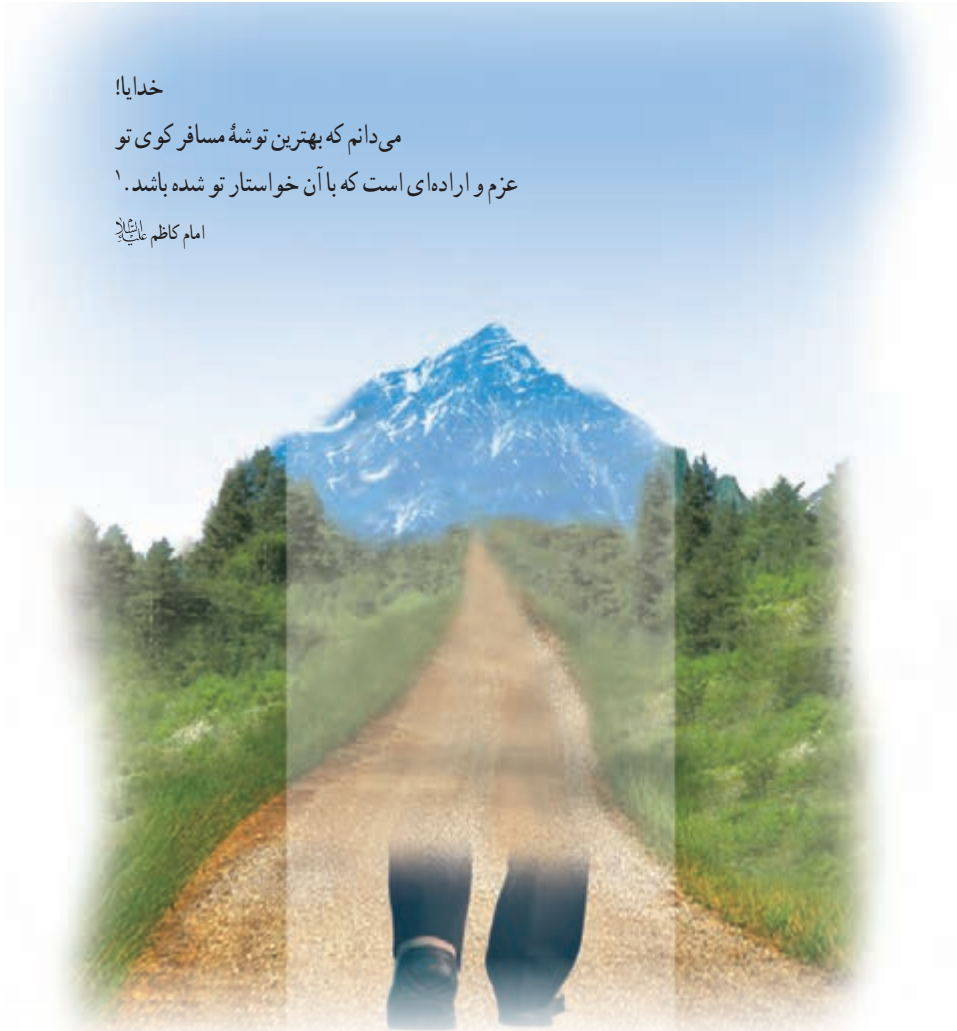
بخش دوم

خدایا!

می‌دانم که بهترین توشهٔ مسافر کوی تو

عزم و اراده‌ای است که با آن خواستار تو شده باشم.^۱

امام کاظم علیه السلام



۱- مفاتیح الجنان، دعای روز ۲۷ ماه رجب



درس هشتم آهنگ سفر

جلسه اول

قرائت: آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



به درستی که در پیامبر خدا، برای شما
سر مشقی نیکوست،
برای کسی که به خدا و روز آخرت امید بسته
و خداوند را بسیار یاد می کند.
وقتی مؤمنان گروه های مشرکان را دیدند^۱
گفتند این همان چیزی است که
خدا و رسولش به ما وعده داده بود
و خدا و رسولش به ما راست گفتند.
در نتیجه، جز بر ایمان و تسلیم آنان افزوده نشد.
از میان مؤمنان مردمانی هستند
که بر عهدهی که با خدا بسته اند، صادق اند.
برخی از آنان، پیمان و عهد خود را انجام دادند
و برخی دیگر نیز در انتظار به انجام رساندن عهد
خویشند.

* لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ
أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ

لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ
وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا ﴿٢١﴾

* وَ لَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ
قَالُوا هَذَا مَا

وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ
وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ

وَ مَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيْمَانًا وَ تَسْلِيمًا ﴿٢٢﴾

* مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ
صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ

فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ
وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ

۱- که برای جنگ با مؤمنان به مدینه لشکرکشی کرده بودند و جنگ احزاب یا خندق را به راه انداخته بودند.

وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا ﴿٣٣﴾

﴿ لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ
وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِن شَاءَ
أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ
إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ﴾

﴿٣٤﴾

و هیچ گونه تغییری در عهد و پیمان خود ندادند.
تا اینکه خدا پاداش اهل راستی را بدهد
و دورویان را اگر بخواهد، عذاب کند
یا راه توبه‌ای برای آنان باز نماید
زیرا خداوند آمرزنده‌ای مهربان است
احزاب، ۲۱ تا ۲۴

برای گام گذاشتن در راه خدا و رسیدن به خوبی‌ها و ثابت قدم ماندن در این مسیر، شایسته است اقدامات زیر را انجام دهیم :

۱- **تصمیم قوی و عزم محکم برای حرکت** : عزم به معنای اراده و تصمیم بر انجام کاری است. آدمی با عزم خویش، آنچه را که انتخاب کرده است، عملی می‌سازد. البته عزم و اراده انسان‌ها متفاوت است. هر قدر عزم قوی‌تر باشد، رسیدن به هدف آسان‌تر است. استواری بر هدف، شکیبایی و تحمل سختی‌ها برای رسیدن به آن هدف، از آثار عزم قوی است. کارهای بزرگ، عزم‌های بزرگ می‌خواهد. آنان که عزم ضعیفی دارند، در برابر تندباد حوادث، تاب نمی‌آورند و مشکلات راه، آنان را به عقب‌نشینی وادار می‌کند. اما آنان که عزم قوی دارند، سرنوشت را به دست حوادث نمی‌سپارند و با قدرت به سوی هدف قدم برمی‌دارند. به همین جهت بعد از سفارش‌هایی که لقمان حکیم به فرزندش می‌کند و راه و رسم زندگی را به او نشان می‌دهد، به وی می‌گوید :

وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ

بِرَأْنِجِه (در این مسیر) به تو می‌رسد صبر کن
إِنَّ ذَٰلِكَ مِّنْ عَزْمِ الْأُمُورِ
که این لازمه داشتن عزم و اراده قوی در کارهاست.

انسان‌هایی را که دارای عزم قوی هستند، با انسان‌هایی که عزم و ارادهٔ ضعیف دارند، مقایسه کنید و فرق آنها را با یکدیگر بنویسید.

دارای عزم قوی	دارای عزم ضعیف
۱.	۱.
۲.	۲.
۳.	۳.
۴.	۴.

۲- عهد بستن با خدا : کار دیگری که یک انسان مؤمن و آمادهٔ حرکت در راه خدا باید انجام دهد، عهد و پیمان بستن با خداست. او با خدای خود پیمان می‌بندد که بکوشد تا آنچه را خداوند فرمان داده، انجام دهد و از آنچه که نهی کرده دوری نماید.

چقدر زیباست که خداوند، رضایت خود از ما را به سعادت و خوشبختی خود ما گره زده است؛ یعنی وقتی خدا از ما راضی خواهد بود که ما در مسیر رستگاری و خوشبختی خود گام برداریم؛ و آنگاه از ما ناخشنود خواهد بود که به خود ظلم کنیم و در مسیر هلاکت خود پیش برویم.

دربارهٔ عهد با خدا خوب است دو پیشنهاد زیر را انجام دهیم :

اول : برای عهد بستن، بهترین زمان‌ها را انتخاب کنیم. زمان بعد از نمازها، شب‌های قدر و شب یا روز جمعه زمان‌های خوبی برای عهد بستن با خدا هستند.

دوم : عهد و پیمان خود را در زمان‌های معینی، مانند آخر هر هفته، آخر هر ماه یا شب قدر هر سال، تکرار کنیم تا استحکام بیشتر پیدا کند و به فراموشی سپرده نشود.

ترجمه آیات ابتدای درس را به دقت مطالعه کنید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید :

۱- چرا رسول خدا بهترین اسوه و سرمشق برای مؤمنان است؟

.....

۲- آیا می‌شود که خدا و رسول خدا به وعده‌های خود عمل نکنند؟ مؤمنان در این باره چه می‌گویند؟

.....

۳- مهم‌ترین وعده‌ای که خدا به مؤمنان داده، چیست؟

.....

۴- اولین کسی که مؤمن باید با او پیمان ببندد، کیست؟

.....

۵- چرا مؤمن حقیقی تا پای جان بر عهد خود با خدا ثابت قدم می‌ماند؟

.....

۶- مؤمنان درباره چه چیزهایی با خدا عهد می‌بندند؟

.....

۷- نتیجه ثابت قدم بودن بر پیمان با خدا چیست؟ خدا در این مورد چه وعده‌ای می‌دهد؟

.....

۸- خداوند کسانی را که در عهد خود صادق نیستند، چه می‌نامد؟

.....

آیا تاکنون عهدی با خدا بسته‌اید؟ نسبت به آن عهد چگونه بوده‌اید؟

.....

قرائت : آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



* وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ

وَنَعْلَمُ مَا تُوسِسُ بِهِ نَفْسُهُ

وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ

مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ﴿١٦﴾

* إِذِ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ

عَنِ اليمينِ وَعَنِ الشِّمَالِ

قَعِيدٌ ﴿١٧﴾

* مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا

لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴿١٨﴾

* وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ

ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ ﴿١٩﴾

همانا ما انسان را آفریده ایم

و می دانیم که نفسش چگونه او را وسوسه می کند

چون ما نزدیکتریم به او

از رگ گردن.

آن گاه که آن دو فرشته دریافت کننده اعمال انسان

از راست و از چپ

در انتظار و مراقبند [تأثیرات انسان را دریافت نمایند].

انسان هیچ سخنی بر زبان نیاورد مگر آنکه

مراقبانی آماده در نزدش هستند [تا آن سخن را ثبت

نمایند].

و سرانجام مستی و بیهوشی مرگ حقیقتاً فرا رسید،

[در این هنگام به او] می گویند : این همان است که

از آن فرار می کردی.

ق، ۱۶ تا ۱۹

تدبر در آیات (۲)

۱- خداوند که خالق انسان و سایر موجودات است، بهتر از هر کس مخلوقات خود و از جمله

انسان را می شناسد و می داند در درونش چه می گذرد.

سوره
آیه

۲- در عین حال، فرشتگانی را گمارده تا مراقب انسان باشند و اعمال آشکار و پنهان او را ثبت کنند؛

یعنی خود عمل را نگه دارند تا در دادگاهی که تعیین کننده سرنوشت ابدی انسان است، عرضه نمایند.

سوره
آیه

۳- **مراقبت** : این کلمه به معنای زیر نظر گرفتن و توجه دائمی است. باقی ماندن بر پیمان خود با خدا و وفای به عهد، رضایت خدا را در پی دارد و شکستن پیمان، شرمندگی در مقابل او را به دنبال می آورد؛ عهده‌ی که ابتدا بسته می شود، مانند نوزادی است که باید از او «مراقبت» شود تا با عهدشکنی، آسیب نبیند. امام علی علیه السلام می فرماید: **گذشت ایام، آفتابی در پی دارد و موجب از هم گسیختن تصمیم ها و کارها می شود.**^۱ به طور مثال، کسی عهد می بندد که هر روز پس از نماز صبح، یک صفحه قرآن بخواند؛ او باید مراقب باشد که امور دیگر، او را به خود مشغول نکند و او را از این تصمیم خود غافل نسازد. او همچنین باید بکوشد عواملی را که سبب سستی در اجرای این تصمیم می شود، از سر راه بردارد.

❁ بررسی

چه عواملی می تواند مانع اجرای تصمیم شود؟ برخی از آنها را نام ببرید :

- ۱-
- ۲-
- ۳-

۴- **محاسبه و ارزیابی** : بعد از مراقبت، نوبت محاسبه است تا میزان موفقیت و وفاداری به عهد، به دست آید و عوامل موفقیت یا عدم موفقیت، شناخته شود. بعد از محاسبه اگر معلوم شود که در انجام عهد خود موفق بوده ایم، خدا را سپاس می گوئیم و شکرگزار او می شویم؛ زیرا می دانیم که او بهترین پشتیبان ما در انجام پیمان هاست.

اما اگر معلوم شود که سستی ورزیده ایم، خود را سرزنش کنیم و مورد عتاب قرار دهیم و از خداوند طلب بخشش کنیم و با تصمیم قوی تر، دوباره با خداوند عهد ببندیم و وارد عمل شویم. یادمان باشد که همگی ما قیامتی در پیش داریم و اگر خودمان در اینجا به حساب خود نرسیم، در قیامت به طور جدی اعمال ما را محاسبه خواهند کرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا

«به حساب خود رسیدگی کنید، قبل از اینکه به حساب شما برسند».^۲

۱- غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، ج ۴، ص ۶۲۶

۲- وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۶، ص ۹۹

بهتر است در پایان هر شب رفتار خود در آن روز را ارزیابی کنیم و در پایان هفته نیز به حساب خود در آن هفته، رسیدگی نماییم. همچنین، سالی یک بار برنامه سال خود را مرور کنیم. یکی از بهترین زمان‌های محاسبه سالانه، شب‌های قدر ماه مبارک رمضان است. خوب است که بعد از محاسبه، تصمیم‌های بهتری برای آینده بگیریم.

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام پرسیدند:

زیرک‌ترین انسان کیست؟

فرمود: کسی که از خود و عمل خود برای بعد از مرگ حساب بکشد.

پرسیدند: چگونه؟

فرمود: چون صبح تا شب به کار و زندگی پرداخت، در شب به خود برگردد و بگوید:

ای نفس! امروز روزی بود که بر تو گذشت و دیگر باز نمی‌گردد. خدا درباره این روز از تو خواهد پرسید که آن را چگونه گذراندی و در آن چه کردی؟ آیا به یاد او و سپاس از او بودی؟ آیا گره از کار فرو بسته مؤمنی گشودی؟ آیا گرد غم از چهره‌ای زدودی؟ آیا...؟^۱



تفکر در احادیث

در جدول زیر، ترجمه سه سخن از امام علی علیه السلام آمده است.^۲ در این سخنان تأمل کنید و آثاری که آن حضرت برای محاسبه بیان فرموده است، استخراج کنید.

پیام	حدیث
.....	۱- آن‌کس که از خود حساب بکشد، عیب‌هایش را می‌شناسد و گناهانش را فراموش نمی‌کند، از گناه دوری می‌کند و عیب‌های خود را اصلاح می‌کند. ^۳
.....	۲- نتیجه محاسبه اعمال، اصلاح نفس خود انسان است. ^۴
.....	۳- کسی که از خود حساب بکشد، سعادتمند می‌شود. ^۵

۱- بحار الأنوار، مجلسی، ج ۷، ص ۶۹

۲- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، ص ۲۳۶

۳- مَن حَاسَبَ نَفْسَهُ وَ قَفَّ عَلَى غُيُوبِهِ وَ أَحَاطَ بِذُنُوبِهِ وَ اسْتَفَالَ الذُّنُوبَ وَ أَصْلَحَ الْعُيُوبَ

۴- نَمَرَةُ الْمُحَاسَبَةِ صِلَاحُ النَّفْسِ

۵- مَن حَاسَبَ نَفْسَهُ، سَعِدَ

پیامبر و اهل بیت ایشان، برترین اسوه‌ها

برای حرکت در مسیر هدف، وجود اسوه و الگوهای که راه را با موفقیت طی کرده و به مقصد رسیده‌اند، بسیار ضروری است؛ زیرا وجود این الگوها، اولاً به ما ثابت می‌کند که این راه موفقیت‌آمیز است؛ ثانیاً می‌توان از تجربه آنان استفاده نمود و مانند آنان عمل کرد و از همه مهم‌تر اینکه می‌توان از آنان کمک گرفت و با دنباله‌روی از آنان سریع‌تر به هدف رسید. از این رو قرآن کریم، پیامبر ﷺ را به عنوان الگو معرفی کرده است.

تدبّر در آیات (۳)

۱- کدام آیه از آیات ابتدای درس، پیامبر اکرم را به عنوان اسوه معرفی کرده است؟

.....

۲- چه کسانی بهتر می‌توانند پیامبر اکرم را اسوه خود قرار دهند؟

.....

پیامبر اکرم نیز همواره از اهل بیت به عنوان انسان‌هایی برتر که مسیر زندگی را با موفقیت پیموده‌اند و اسوه قرار دادن آنان موجب رستگاری و نجات انسان می‌شود، یاد کرده و ما را به الگو گرفتن از آنان دعوت کرده است.

■ ممکن است این سؤال به ذهن بیاید که چگونه می‌توان انسان‌هایی را که حدود ۱۴۰۰ سال قبل زندگی کرده‌اند، اسوه قرار داد؟

پاسخ این است که اسوه بودن آن بزرگان مربوط به اموری که به طور طبیعی و با تحولات صنعتی تغییر می‌کنند، نیست. وسایل حمل و نقل، وسایل خانه، امکانات شهری، شکل و جنس پارچه‌ها و لباس‌ها از این قبیل‌اند و نمی‌توان پیامبر را در این امور اسوه قرار داد.

اسوه بودن آن بزرگان در اموری است که همواره برای بشر خوب و با ارزش بوده‌اند. عدالت، گذشت، فداکاری، مهربانی، داشتن نظم و برنامه در زندگی و مانند آن از ارزش‌هایی است که همواره مورد احترام بشر بوده و با گذشت زمان، نه تنها جایگاه خود را از دست نداده‌اند، بلکه حتی درک بهتری از آنها نیز به دست آمده است. پیامبر و اهل بیت ﷺ اسوه‌های انسانیت هستند و انسانیت، دیروز و امروز و فردا ندارد.

■ همچنین ممکن است این سؤال پیش آید که پیامبر یک انسان معصوم است؛ چگونه می‌توان ایشان را اسوه قرار داد و مثل او عمل کرد؟

پاسخ این سؤال نیز این است که ما او را اسوه کامل خود قرار می‌دهیم چون می‌دانیم که هر کاری که انجام داده، درست بوده و مطابق دستور خداوند بوده است. اما اسوه قرار دادن ایشان به این معنا نیست که ما عین او باشیم و در حد ایشان عمل کنیم، بلکه بدین معناست که در حد توان از ایشان پیروی کنیم و خود را به راه و روش ایشان نزدیک‌تر نماییم.

امیرالمؤمنین درباره چگونگی پیروی از خودشان، به یکی از یاران می‌فرماید:

آگاه باش برای هر پیروی‌کننده‌ای، امام و پیشوایی است که باید از او تبعیت کند و از علم او کسب نور کند. هشیار باش، امام شما از دنیایش به دو لباس کهنه و از خوراکش به دو قرص نان کفایت کرده است. اما شما قطعاً توانایی این درجه از قناعت را ندارید؛ ولی با ورع^۱ و کوشش [در راه خدا] و عفت^۲ و درستکاری مرا یاری کنید.^۳

بیشتر بدانیم

توصیه‌ای برای پیروزی

در زمان حیات مرحوم علامه طباطبائی رحمته‌الله، نویسنده تفسیر المیزان، جوانی درباره مشکلات خود نامه‌ای به ایشان می‌نویسد و می‌گوید:

... جوانی هستم ۲۲ ساله؛ در محیط و شرایطی زندگی می‌کنم که هوای نفس و آمال بر من تسلط فراوان دارند و مرا اسیر خود ساخته‌اند و سبب بازماندن من از حرکت به سوی الله شده‌اند. درخواستی که از شما دارم این است که بفرمایید به چه اعمالی دست بزنم تا بر نفس مسلط شوم... نصیحت نمی‌خواهم، بلکه دستورات عملی برای پیروزی، لازم دارم.

علامه طباطبائی، به این جوان این‌گونه پاسخ می‌گویند:

برای موفق شدن و رسیدن به منظوری که مرقوم داشته‌اید، لازم است همتی برآورده و توبه نموده، به مراقبه و محاسبه بپردازید. به این نحو که هر روز، طرف صبح که از خواب بیدار می‌شوید، قصد جدی کنید که هر عملی پیش آید، رضای خدا را مراعات خواهیم کرد... و همین حال را تا شب، وقت

۱- وَرَع حالتی بالاتر از تقوا است؛ در تقوا، فرد حد و مرزهای الهی را رعایت می‌کند اما در ورع، فرد برای آنکه از حد و مرزهای الهی تجاوز نکند حتی به آنها نزدیک هم نمی‌شود؛ در ادبیات دینی از این حریم‌داری مرزهای گناه با عنوان ورع یاد می‌شود.

۲- در درس‌های آینده با مفهوم عفت بیشتر آشنا خواهیم شد.

۳- نهج البلاغه، نامه ۴۵

خواب ادامه دهید. وقت خواب، چهار – پنج دقیقه‌ای به کارهایی که در روز انجام داده‌اید، فکر کرده؛ یکی یکی را از نظر بگذرانید، هر کدام مطابق رضای خدا انجام یافته، شکر کنید و هر کدام تخلف شده، استغفار کنید و این رویه را هر روز ادامه دهید. این روش اگرچه در بادی حال [ابتدای کار]، سخت و در ذاتقه نفس تلخ می باشد، ولی کلید نجات و رستگاری است...^۱

دفتر برنامه ریزی

یک دفتر شخصی تهیه کنید و برنامه های زندگی خود را به طور منظم در آن یادداشت نمایید. این دفتر می تواند شامل دو قسمت باشد :

۱- عهدهای کلی و اساسی که برای تمام زندگی بسته می شود. ۲- برنامه ها و عهدهای روزانه یا هفتگی.

بهتر است هر یک از این دو قسمت دارای بخش های معین باشد که بتوانید به راحتی آنها را پیگیری کنید و در آن اصلاحات لازم را به عمل آورید. به طور مثال، برای برنامه های روزانه یا هفتگی می توانید مانند جدول عمل کنید.

مورد عهد:				تاریخ:
مراقبت: نکاتی که در طول عمل به این عهد، باید رعایت کنیم:				
۱-				
۲-				
محاسبه:				
زمان	میزان موفقیت	عوامل موفقیت	عوامل شکست	راه های کسب موفقیت بیشتر

۱- نامه های عرفانی، علی محمدی، ص ۷۸۱

چگونه یک عادت خوب بسازیم و عادت نادرست را ترک کنیم؟

همه ما تاکنون تصمیم گرفته‌ایم که عادت‌های خوب را در زندگی مان تقویت کنیم یا از عادت‌های ناپسند دوری کنیم؛ مانند مطالعه بیشتر، ورزش کردن یا کاهش وقت گذرانی بی‌هدف. اما معمولاً پس از مدت کوتاهی، این تصمیم را کنار می‌گذاریم. علت اصلی این موضوع، برنامه‌ریزی نامناسب است. چگونه باید برنامه‌ریزی کنیم؟ وقتی قصد تغییر داریم، معمولاً فهرستی طولانی از کارهایی که باید انجام دهیم تهیه می‌کنیم؛ مثلاً روزی ۵۰ صفحه مطالعه یا نیم ساعت پیاده‌روی. اما اگر به این کارها عادت نداشته باشیم، چنین برنامه‌ای بسیار دشوار به نظر می‌رسد و پس از چند روز از آن صرف نظر می‌کنیم. برای شکل دادن یک عادت جدید، باید به تدریج پیش رفت. این روند شبیه به صعود یک کوه است؛ قدم‌ها باید کوتاه، ساده و قابل انجام باشند. به عنوان مثال، اگر تاکنون مطالعه نمی‌کردید، بهتر است هدف گذاری کنید که «از فردا روزی ۵ صفحه کتاب مطالعه می‌کنم» یا «روزانه ۵ دقیقه پیاده‌روی خواهم داشت». پس از یک هفته، می‌توانید میزان مطالعه یا پیاده‌روی خود را کمی افزایش دهید. با این روش، پس از چند هفته پیشرفت قابل مشاهده‌ای خواهید داشت.

ممکن است تصور کنید این روند بسیار کند است، اما اگر بخواهید سریع پیش بروید، احتمال شکست و رها کردن برنامه افزایش می‌یابد. هدف ما ایجاد یک عادت پایدار است، نه انجام یک کار سخت برای مدت کوتاه، امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «کار کمی که بر آن مداومت باشد بهتر از کار زیادی است که ملال آور باشد.»^۱ بنابراین برنامه‌تان را طوری تنظیم کنید که انجام آن آسان باشد. مثلاً اگر نماز صبح شما قضا می‌شود، انتظار نداشته باشید که از فردا بتوانید دقیقاً اول وقت نماز بخوانید. قدم اول این است که فقط نماز قضا نشود و سپس به تدریج به سمت اول وقت نزدیک شوید.

در صورت شکست برنامه چه باید کرد؟

گاهی ممکن است برنامه خود را اجرا نکنیم؛ مثلاً به دلایلی چون خستگی، مشغله یا فراموشی. برخی افراد در این شرایط ناامید می‌شوند و برنامه را کنار می‌گذارند، اما باید بدانید که این موضوع طبیعی است و بخشی از فرآیند تغییر است، سه اقدام مهم در زمان شکست عبارتند از:

۱- ناامید نشوید: شکست یعنی نیاز به تلاش دوباره است، نه تسلیم شدن.

۲- علت شکست را بررسی کنید: شاید برنامه‌تان دشوار بوده یا شرایط زندگی تغییر کرده است، دلیل را بیابید و اصلاح کنید.

۳- ادامه دهید: حتی اگر چند روز عقب افتادید، بازگشت به برنامه موفقیت محسوب می‌شود.

چگونه یک عادت غلط را ترک نماییم؟

برای ترک عادت‌های غلط بایست به چند نکته توجه نمود:

اول: تقویت عادت‌های نیکو موجب ترک عادت‌های غلط می‌شود، عادت‌های نیک مانند یک آب زلال می‌ماند که اگر در یک لیوان گل‌آلود ریخته شود به مرور زمان آن لیوان گل‌آلود سرریز کرده و پس از مدتی آن لیوان پر از آب زلال می‌شود.

قرآن کریم علت شعله‌ور شدن میل انسان به شهوت‌ها را ضعف انسان‌ها در انجام درست و پسندیده‌ی نماز معرفی می‌نماید. با توجه به اینکه، حرکت به سمت عادت‌های نیکو، سوی دیگر دور شدن از عادت‌های زشت است توجه به نماز و به‌جا آوردن آن، موجب دور شدن از عادت‌های زشت خواهد شد.

دوم: همان‌طور که گفتیم شکل دهی یک عادت با آسان کردن انجام آن عادت رخ می‌دهد، ترک یک عادت نیز با سخت کردن انجام آن عادت صورت می‌پذیرد. اگر کسی می‌خواهد انجام یک عادت برایش سخت شود باید شرایط انجام آن عادت را طوری تنظیم نماید که صورت پذیرفتنش سخت شود. مثلاً شخصی در خلوت دچار عادت ناپسندی می‌شود می‌بایست بیشتر در جمع حاضر باشد و آن‌قدر خود را مشغول نماید که فرصت خلوت نمودن را نیابد.

سوم: در صورت تکرار عادت غلط، ناامیدی سوخت تکرار آن عادت غلط است. بنابراین نباید دست از اصلاح خود کشید و همه مطالب مطرح شده در قسمت «در زمان شکست برنامه‌ریزی چه کنیم» در همین مرحله نیز قابلیت پیاده‌سازی دارد.

اندیشه و تحقیق

۱- چرا انسان مؤمن باید برنامه «مراقبت» داشته باشد؟

۲- «محاسبه» یعنی چه؟ چگونه باید آن را انجام داد؟ نتیجه آن چیست؟

۳- چه تفاوتی میان آدم‌های مصمم و دارای قدرت تصمیم با آدم‌هایی که در تصمیم سستی می‌ورزند، وجود دارد؟

اگر در مسیر گام برداشتن به سوی خدا، سؤال‌هایی در زمینه‌های مختلف برای ما پیش آمد، به چه کسانی مراجعه کنیم؟
به کسانی که توانایی پاسخ‌گویی در مسائل دینی را دارند، مانند دبیران دینی و قرآن، امام جماعت محل و مراکز مطمئن علمی مراجعه کنیم و سؤال خود را با آنها در میان بگذاریم.

برخی از این مراکز علمی عبارت‌اند از:



۱- اداره مشاوره و پاسخ‌نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها

۲- مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان

۳- پایگاه اینترنتی حوزه

۴- پایگاه جامع پاسخ‌گویی به سؤالات و شبهات دینی

۵- مرکز فرهنگ و معارف قرآن

۶- مرکز ملی پاسخ‌گویی به سؤالات دینی

۷- مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمی قم

۸- مرجعی برای پاسخ‌گویی به سؤالات دینی و اعتقادی

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
رازهای زندگی	مرتضی نظری	منادی تربیت	دانش‌آموز
نامه‌های بلوغ	علی صفایی حائری	لیلة‌القدر	دانش‌آموز
سیمای روزانه فرد مسلمان	محراب صادق‌نیا	مرکز پژوهش‌های صداوسیما	دانش‌آموز / معلم
تصمیم‌های بزرگ جوانی	محمدباقر پورامینی	کانون اندیشه جوان	دانش‌آموز
این‌گونه باشیم	جواد محدثی	بوستان کتاب	دانش‌آموز
الفبای زندگی	جواد محدثی	بوستان کتاب	دانش‌آموز / معلم



درس نهم اعتماد بر او



قرائت : آیات شریفه زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



(ای پیامبر) به [برکت] رحمت الهی
در برابر آنان نرم و مهربان شدی
اگر تندخو بودی
و سنگدل،
از اطرافت پراکنده می شدند
پس از آنان در گذر
و برایشان آموزش بخواه
و در کارها با آنان مشورت کن
و چون عزم کاری کردی بر خدا توکل کن
زیرا خدا توکل کنندگان را دوست دارد.
اگر خدا شما را یاری کند
هیچ کس بر شما غلبه نخواهد کرد
و اگر دست از یاری شما بردارد
چه کسی بعد از او شما را یاری خواهد کرد؟
و مؤمنان تنها بر خدا توکل کنند.

* فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ
لِنْتَ لَهُمْ
وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا
عَلِيقَ الْقَلْبِ
لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ
فَاعْفُ عَنْهُمْ
وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ
وَسَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ
فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ
إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ﴿١٥٩﴾
* إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ
فَلَا غَالِبَ لَكُمْ
وَإِنْ يَخْذَلْكُمْ
فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ
وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٦٠﴾

آل عمران، ۱۵۹ و ۱۶۰

حقیقت توکل بر خدا

توکل بر خدا به معنای سپردن خود به خداوند و اعتماد کردن به اوست. توکل و اعتماد به خداوند، جایگزین تلاش و فعالیت انسان نیست. بلکه انسان متوکل وظیفه خود را انجام می‌دهد و نهایت تلاش خود را در هر کاری می‌کند، اما نتیجه کار را به خدا می‌سپارد و به آنچه خداوند برای او بخواهد اعتماد می‌کند و خود را تحت حمایت خداوند قرار می‌دهد.

انسان متوکل می‌داند که در صورت تفکر و مشورت در کار و انجام وظیفه‌ای که تشخیص می‌دهد، هر نتیجه‌ای که به دست آید، به مصلحت اوست، گرچه خود به آن مصلحت آگاه نباشد؛ زیرا نظام خلقت در دست خداست و او آینده‌ای را می‌بیند که ما نمی‌بینیم و به مصلحت‌هایی توجه دارد که ما درک نمی‌کنیم. گاهی چیزهایی را به نفع خود می‌پنداریم درحالی که به ضرر ماست یا اموری را به ضرر خود می‌دانیم درحالی که به نفع ماست.

وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ ۖ

چه بسا از چیزی بدتان آید درحالی که برای شما

خیر است

وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ^۱

و چه بسا از چیزی خوشتان آید درحالی که برای

شما شر است

در این مواقع است که خدایی که از هر کس به بندگانش مهربان‌تر است، آن چیزی را برای انسان متوکل رقم می‌زند که به خیر و صلاح اوست.

امام علی (علیه السلام) در یکی از دعاها می‌گوید:

«خداوند! تو با آنان که به تو بیشتر عشق می‌ورزند، بیش از دیگران انس می‌گیری و برای اصلاح کار

آنان که بر تو توکل می‌کنند از خودشان آماده‌تری، اسرار ایشان را می‌دانی و بر اندیشه‌هایشان آگاهی».

ایشان در ادامه به خدا عرض می‌کند:

«اگر تنهایی، آنان را به وحشت اندازد، یاد تو آنان را آرام سازد و اگر مصیبت‌ها بر آنان فرو بارد، به

تو پناه آورند و روی به درگاه تو دارند، چون می‌دانند سر رشته کارها به دست توست».^۲

۱- سورة بقره، آیه ۲۱۶

۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۱۸

با تفکر در آیات ابتدای درس، به سؤال‌های زیر پاسخ دهید و مشخص کنید که پاسخ‌ها را از کدام آیه به دست آورده‌اید.

شماره	سؤال و پاسخ	آیه
۱	چرا باید فقط بر خدا توکل کرد؟ مگر خداوند دارای چه ویژگی‌هایی است؟	
۲	چرا بر غیر خدا نمی‌توان توکل کرد؟	
۳	برای رسیدن به یک تصمیم بهتر است چه مراحل را طی کنیم تا به تصمیم درست برسیم؟	

شرایط توکل

۱- توکل کردن فقط به معنای گفتن لفظی جمله «خدایا، بر تو توکل می‌کنم» نیست. بلکه انسان باید در قلب خود حقیقتاً بر خدا توکل کند زیرا او خالق همه چیز است و هر اتفاقی در عالم رخ می‌دهد به اذن او صورت می‌پذیرد، بنابراین تکیه‌گاه حقیقی انسان‌ها خود اوست.

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند به داود علیه السلام وحی کرد هر بنده‌ای از بندگانم به جای پناه بردن به دیگری با نیت خالص به من پناه آورد، از کارش چاره‌جویی می‌کنم، گرچه همه آسمان‌ها و زمین و هر چه در آنهاست، علیه او برخیزند.^۱

۲- توکل در جایی درست است که انسان مسئولیت و وظیفه خود را به خوبی انجام دهد، یعنی فکر و اندیشه خود را به کار گیرد، با دیگران مشورت کند، بهترین راه ممکن را انتخاب نماید و با عزم و اراده محکم برای

۱- مشکاة الانوار، علی بن حسن طبرسی، ج ۱، ص ۱۹

رسیدن به مقصود تلاش کند. در این صورت است که می‌توان بر خدا توکل کرد؛ زیرا توکل، جانشین تنبلی و ندانم‌کاری افراد نیست بلکه کمک‌کننده و امیددهنده به کسی است که اهل همت، تعقل و پشتکار می‌باشد.

روزی، پیامبر اکرم ﷺ به مردمی برخورد که اهل کار و فعالیت نبودند. به آنان فرمود:

شما چگونه مردمی هستید؟

گفتند: ما توکل‌کنندگان بر خدا هستیم.

ایشان فرمود: **نه، بلکه شما سربار دیگران هستید.**^۱

گر توکل می‌کنی در کار کن کشت کن پس بکیم بر جبار کن^۲

فعالیت کلاسی

- ۱- شخصی دلیل بیمه نکردن ماشین خود را این گونه بیان می‌کند که من به خدا توکل دارم و خداوند خودش مال مرا حفظ خواهد کرد. شما عمل او را تأیید می‌کنید یا خیر؟ چرا؟
- ۲- برخی می‌گویند ما اهل خطر (ریسک) کردن هستیم. چه تفاوتی میان «خطر کردن» و «توکل بر خدا» وجود دارد؟

اندیشه و تحقیق

- ۱- با توجه به آیات، روایات و توضیحات درس، آثار و فواید توکل را ذکر کنید.
- ۲- آیا توکل، سبب تنبلی می‌شود یا تحرک؟ چرا؟
- ۳- شرایط توکل حقیقی کدام‌اند؟

۱- مستدرک الوسائل، شیخ حر عاملی، ج ۱۱، ص ۲۱۷

۲- مثنوی مولوی

- ۱- مولوی در دفتر اول مثنوی در «قصه نخجیران و بیان توکل و ترک جهد» رابطه توکل و تلاش را به خوبی به تصویر می کشد و در ضمن آن می گوید :
- گفت پیغمبر به آواز بلند با توکل ز انوی اشریند
- این داستان را مطالعه کنید و آن را برای دوستان در کلاس بیان کنید.
- ۲- آیا می دانید شیطان بر چه کسانی مسلط نمی شود؟ آیه ۹۹ سوره نحل را مطالعه کنید و جواب را بنویسید.

معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
توکل	حسین روحانی نژاد	کانون اندیشه جوان	دانش آموز



درس هشتم

یاری از دو یار عزیز



حضرت ابراهیم علیه السلام حدود چهار هزار سال پیش در سرزمین بابل، در کنار رودهای دجله و فرات به دنیا آمد. سرزمین بابل، در آن ایام، دارای شهرهای زیبا با معماری پیشرفته و کاخ‌های بزرگ و باشکوه بود. مردمان آن سرزمین بت می‌پرستیدند و پادشاه آنها که «نمرود» نام داشت، خود را نگهبان و پشتیبان بت‌ها و خدای خدایان معرفی می‌کرد. حضرت ابراهیم علیه السلام که هوشی سرشار و فکری روشن داشت، در همان آغاز نوجوانی به مبارزه با بت‌پرستی برخاست. در جوانی بت‌های بتکده را شکست و نمرود فرمان داد تا او را در آتش بیندازند و بسوزانند. خداوند حضرت ابراهیم را از آتش نجات داد و جان او را حفظ کرد. ابراهیم علیه السلام از سرزمین بابل بیرون آمد و به سوی سرزمین‌های دیگر مهاجرت کرد، تا به فلسطین رسید. سال‌ها در آنجا سکونت گزید و مردم را به توحید و خداپرستی فراخواند. او که دیگر پیرمردی سیید موی شده بود، به فرمان خدا، همراه با همسرش هاجر و نوزادش اسماعیل رهسپار سرزمین حجاز و منطقه‌ای سوزان و خشک و بدون آب شد که آن را «مکه» می‌نامیدند. او از کوه‌ها و درّه‌ها و از کویرها و بیابان‌ها گذشت و با هاجر و نوزادش به مکه رسیدند. او پس از چند بار آمد و رفت میان حجاز و فلسطین، در زمانی که فرزندش اسماعیل جوانی برومند شده بود، خانه کعبه را با همکاری فرزندش دوباره بنا کرد و آن را «بیت‌الله الحرام» «خانه مورد احترام خدا» نامید. سپس دست به سوی آسمان بلند کرد و این گونه با خدا سخن گفت :

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پروردگارا، برخی از فرزندانم را سُنْکَنَا دادم
در سرزمینی بی‌آب و علف
در کنار بیت‌الحرام تو
تا، ای پروردگار، آنان نماز را برپا بدارند
پس دل‌های مردم را
به آنان مهربان کن
و از فراورده‌ها روزی‌شان ده
باشد که سپاس تو را گزارند
پروردگارا، پنهان و آشکار ما را می‌دانی

* رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي
بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ
عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ
رَبَّنَا لِتُقِيمُوا الصَّلَاةَ
فَجَعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ
تَهْوِي إِلَيْهِمْ
وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ
لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ
* رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ

وَمَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ

فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ﴿٣٨﴾

﴿٣٨﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ

إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ

إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ ﴿٣٩﴾

﴿٣٩﴾ رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ

وَمِنْ ذُرِّيَّتِي

رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ ﴿٤٠﴾

و هیچ چیز بر خدا پنهان نیست

در زمین و در آسمان

ستایش خداوند را

که با وجود پیری به من هدیه کرد

اسماعیل و اسحاق را

چرا که پروردگارم شنوای دعاست.

پروردگارا، مرا برپا دارنده نماز گردان

و نیز فرزندانم را

پروردگارا دعای مرا بپذیر.

ابراهیم، ۳۷ تا ۴۰

تدبر در آیات (۱)

آیات قبل را با رعایت قواعد صحیح خوانی قرائت کنید.

سپس با تفکر در ترجمه آیات، به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

۱- چرا خداوند مأموریت رفتن به حجاز را در آن سن پیری به حضرت ابراهیم علیه السلام سپرد؟ فکر می‌کنید که او دارای چه ویژگی‌هایی بود؟

۲- حضرت ابراهیم در مناجات خود با خدا، بعد از بنای کعبه، از یک عبادت، دو بار نام می‌برد. آن عبادت چیست؟

۳- چرا حضرت ابراهیم علیه السلام زن و فرزند خود را در کنار خانه کعبه و در آن سرزمین بدون کشت و زرع سکنا داد؟ مگر این هدف چقدر ارزش داشت؟

۴- حضرت ابراهیم علیه السلام برای ذریه و نسل‌های بعد از خود از خداوند چه درخواستی کرد؟

۵- چه تفاوتی میان «برپا داشتن نماز» و «خواندن نماز» وجود دارد که حضرت ابراهیم علیه السلام برپا داشتن نماز را از خداوند تقاضا می‌کند؟

نماز و بازدارندگی از گناه

انسانی که پنج بار در طول روز نماز به پا می دارد، یاد خدا را در دل خود زنده می کند و حضور او را در جای جای زندگی استمرار می بخشد. توجه به حضور خدا در زندگی و نظارت او بر اعمال، موجب می شود تا انسان دست به هر کاری نزند و از گناهان دوری کند. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ
إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ
وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ
وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ^۱

و نماز را برپا دار،
که نماز از کار زشت و ناپسند نهی می کند
و قطعاً یاد خدا بالاتر است،
و خدا می داند چه می کنید.

با این حال، برخی می گویند: ما نماز می خوانیم اما تأثیر آن را کمتر در خود مشاهده می کنیم و معمولاً دست از رفتارهای قبلی بر نمی داریم. پس چگونه نماز بازدارنده انسان از زشتی ها و منکرات است؟ شایسته است دقت کنیم که تأثیر نماز به میزان دقت و توجه ما به نماز و پیوستگی و تداوم آن در طول زندگی بستگی دارد. چنان که اگر گفته شود هر کس درس بخواند، موفق می شود، طبیعتاً موفقیت همه یکسان نیست و به نحوه و کیفیت درس خواندن آنها بستگی دارد. بنابراین اگر نمازهای روزانه خود را ترک نکنیم و دقت و توجه خود را در نماز افزایش دهیم، از آن تأثیر خواهیم پذیرفت. نمی توان انتظار داشت خواندن چند رکعت نماز شتاب زده و بدون رعایت آداب، تأثیر چندانی در ما داشته باشد. اگر تلاش کنیم روز به روز نماز را با کیفیت بهتر و رعایت آداب آن انجام دهیم، به زودی تأثیر آن را خواهیم دید. هر کدام از ما می توانیم میزان تأثیر نماز را در میان اطرافیان و بستگان مشاهده کنیم. اکثر افرادی که به نمازشان توجه بیشتری دارند، در مقایسه با کسانی که نماز نمی خوانند، یا نماز خود را شتاب زده و بدون رعایت آداب می خوانند، بیشتر به دستورات خداوند توجه دارند و کمتر مرتکب گناه می شوند.

این سنجش و ارزیابی را از زاویه ای دیگر هم می توانیم انجام دهیم. مجرمان جامعه، هر قدر که جرمانان سنگین تر می شود و خلافتکاری آنها افزایش می یابد، توجه آنها به نماز کمتر می شود و بسیاری از آنها نماز را به طور کلی ترک کرده اند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هر کس می خواهد بداند آیا نمازش پذیرفته شده یا نه، باید ببیند که نماز، او را از گناه و زشتی باز داشته است یا نه. به هر مقدار که نمازش سبب دوری او از گناه و منکر شود، این نماز قبول شده است»^۲.

۱- سورة عنكبوت، آیه ۴۵

۲- بحار الأنوار، مجلسی، ج ۸۲، ص ۱۹۸

پس اگر نماز بعضی از افراد را از گناه و زشتی باز ندارد، معلوم می‌شود که عیب و نقصی در نماز خواندن آنها هست که باید آن عیب و نقص را بیابند و برطرف نمایند.

اگر در انجام به موقع نماز بکوشیم، می‌توانیم بی‌نظمی را از زندگی خود دور کنیم.
اگر در پنج نوبت با لباس و بدن پاکیزه به نماز بایستیم،
آلودگی‌های ظاهری ما کمتر خواهد شد.



اگر شرط غصبی نبودن لباس و مکان نمازگزار را به دقت رعایت کنیم، کمتر به کسب درآمد از راه حرام متمایل خواهیم شد.

اگر هنگام گفتن تکبیر به بزرگی خداوند بر همه چیز توجه داشته باشیم، قدرت‌های دیگر در نظرمان کوچک خواهند شد و به آنان توجه نخواهیم کرد.

اگر در رکوع و سجود، عظمت خدا را در نظر داشته باشیم، در مقابل مستکبران خضوع و خشوع نخواهیم کرد.

اگر عبارت «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» را صادقانه از خداوند بخواهیم، به راه‌های انحرافی دل نخواهیم بست.

اگر عبارت «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» را با توجه بگیریم، خود را در زمره کسانی که خدا بر آنها خشم گرفته یا راه را گم کرده‌اند، قرار نخواهیم داد.

بررسی

فهم و درک درست اعمال زیر، انسان را در برابر چه گناهایی حفظ خواهد کرد؟

منکرات	عبارات و اعمال نماز
۱-.....	۱- خواندن سوره توحید
۲-.....	۲- درود بر پیامبر در تشهد
۳-.....	۳- دعای قنوت
۴-.....	۴- حضور در نماز جماعت
۵-.....	۵- گفتن عبارت «إِيَّاكَ نَعْبُدُ»
۶-.....	۶- گفتن عبارت «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»

نماز، غذای روح

اصل و ریشهٔ انسان همان روح اوست و جسم انسان در خدمت این حقیقت است. آبادانی و قوت یافتن روح انسان به معنای آبادانی و قوت یافتن حقیقت انسان است و ویرانی و کدورت یافتن آن، به معنای ویرانی و هلاکت انسان است.

همان‌طور که بُعد جسمانی انسان نیازمند دریافت غذای مناسب در زمان‌های گوناگونی از شبانه‌روز است تا قوت یابد و به افعال خویش ادامه دهد، روح انسان نیز برای ادامهٔ حیات معنوی خود به غذایی از آن جنس احتیاج دارد؛ غذای روح انسان ذکر و توجه به خداست، بنابراین توجه به خداوند و درخواست از او موجب قوت یافتن روح آدمی می‌گردد و غفلت از خداوند موجب کدورت و ضعف روح انسان می‌شود.

خداوند متعال در قرآن کریم هدف از اقامهٔ نماز را ذکر و توجه به خودش معرفی می‌نماید.

نماز را برای ذکر و توجه به من به پا دار
أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي^۱

قرارگیری نماز در اوقات گوناگون شبانه‌روز به‌گونه‌ای است که انسان در حالتی قرار نگیرد که ساعات بسیاری بر او گذشته باشد و به همنشینی با خدا نیامده باشد. نماز یک ملاقات خصوصی انسان با خداست. در این ملاقات انسانی که ساعاتی از شبانه‌روز بر او گذشته است و مشغول بوده است فراخوانده می‌شود تا در محضر او بایستد و از کبريایی و عظمت او یاد نماید و به او در حالات گوناگون نماز عرضه دارد که من محتاج به تو هستم و بنده و عبد تو هستم نه کسی دیگر، تنها از تو مدد می‌خواهم، مرا هدایت نما، ای مهربان‌ترین مهربانان!

تمامی حرکات، اذکار و حالات نماز به‌صورتی تعبیه شده است که انسان به این حال برسد که در محضر خداوند است و با او سخن می‌گوید بنابراین بایست آدابی را رعایت نماید و در نهایت خضوع و خشوع نسبت به او درآید. از این‌رو خود نماز در صورتی که با توجه و شرایطش اقامه شود انسان را به بالاترین درجات انسانیت سوق می‌دهد و او را از مراتب پست حیوانی نجات می‌دهد.

تکمیل احکام

در سال‌های قبل آموختیم که برای انجام نماز، لازم است بدن و لباس ما پاک باشد و در صورتی که به یکی از نجاسات آلوده باشد باید قبل از نماز پاک گردد.

بنابراین، لازم است هر مسلمانی نجاسات را بشناسد و راه پاک کردن اشیای نجس را بداند.

توجه: همه چیز پاک است، مگر ۱۱ چیز؛ این یازده چیز می‌توانند چیزهای دیگر را نجس کنند.

برخی از این نجاسات عبارت‌اند از:

۱- خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.^۱

۲ و ۳- ادرار و مدفوع انسان و حیوان‌های حرام‌گوشتی که خون جهنده دارند مانند گربه، سگ،

موش و...



۴- مردار انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.

۵ و ۶- سگ و خوک، زنده و مرده آنها نجس است.

۷- کافر (یعنی کسی که به خدای یگانه اعتقاد ندارد).

۸- شراب و هر مایع مستی‌آور، نجس است.^۲



همچنین لازم است بدانیم: نوشیدن شراب، چه کم و چه زیاد حرام است و در زمره

بزرگ‌ترین گناهان شمرده شده است. خداوند در قرآن درباره این عمل ناروا می‌فرماید:

ای مردمی که ایمان آورده‌اید؛ به راستی شراب و قمار و بت‌پرستی و بخت‌آزمایی، پلید و از کارهای

شیطانی است. پس از آنها دوری کنید تا رستگار شوید. شیطان می‌خواهد با شراب و قمار بین شما

دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا دور سازد و از نماز باز دارد.^۳

پاسخ سوالات شما

مگر خدا به نماز ما نیاز دارد؟ پس برای چه باید نماز بخوانیم؟

اگر همه مردم روبه خورشید خانه بسازند، چیزی به خورشید اضافه نمی‌شود و اگر همه مردم پشت به

خورشید خانه بسازند، چیزی از خورشید کم نمی‌شود. خورشید به مردم نیازی ندارد که رو به سوی او

کنند. این انسان‌ها هستند که برای دریافت نور، سعی می‌کنند خانه‌های خود را روبه خورشید بسازند.

۱- حیوانی که اگر رگ آن را ببرند، خون آن جستن کند، خون جهنده دارد.

۲- برای آشنایی با سایر نجاسات به رساله مرجع تقلید خود مراجعه کنید.

۳- سورة مائده، آیات ۹۰ و ۹۱

خدا هم به نماز ما هیچ نیازی ندارد؛ بلکه این ما هستیم که به نماز محتاجیم. در حقیقت دستور خدا برای برپاداشتن نماز تنها به نفع خود ماست و خداوند با امر به نماز خواندن، خواهان رشد بندگان خود است. اما چرا ما به نماز محتاجیم؟

کمتر کسی است که در اثنای کار روزانه، لباسش، دست و صورتش، سر و پایش، و گاهی همه پیکرش، کثیف نشود و به تنظیف روزانه آنها نیازمند نگردد.

روح ما نیز در میدان زندگی روزانه به همین اندازه یا بیشتر در معرض آلودگی هاست؛ آلودگی به شهوت‌ها، هوس‌ها، خودخواهی‌ها و چشم و هم‌چشمی‌ها، حسد و کینه و انتقام و صدها آلودگی دیگر. این آلودگی‌ها روح را تیره می‌کند و ما را از مسیر قرب الهی دور می‌سازد و به دام شیطان و وسوسه‌های شیطانی می‌افکند.

بنابراین، باید همان‌طور که لباس و تن خود را می‌شوئیم و پاکیزه می‌کنیم، دل و جان خود را هم شست‌وشو دهیم و پاکیزه کنیم.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: رسول خدا نماز را به چشمه‌آبی تشبیه کرده است که در برابر خانه کسی جریان داشته باشد و او هر شبانه روز، پنج مرتبه خود را در آن شست‌وشو دهد؛ پس هرگز آلودگی بر بدن او باقی نمی‌ماند.

نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹

بیشتر بدانیم

دو رکعت عشق!

ایام عملیات قدس در خوزستان بود که در اورژانس، رزمنده‌ای را آوردند که هر دو دست او قطع شده بود. وقتی او را برای اتاق عمل آماده می‌کردند، ایشان را روی برانکارد گذاشتند تا به اتاق عمل ببرند. مسئول تعاون آمد تا از این رزمنده سؤالاتی بپرسد. ولی چشماش را بسته بود و جواب نمی‌داد. همگی فکر کردیم شاید شهید شده باشد. به دنبال آن بودیم که مقدمات کار را جهت آزمایش ضربان قلب و احتمالاً انتقال وی به سردخانه آماده کنیم. ناگهان دیدیم که چشمانش را باز کرد و با متانت خاصی گفت: برادر! ببخشید که جواب شما را ندادم؛ چون فکر می‌کردم اگر به اتاق عمل بروم شاید وقت زیادی طول بکشد؛ نمازم قضا می‌شود. آن موقع که شما سؤال کردید مشغول خواندن نماز بودم.

قرائت: آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ
كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ
لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿۱۸۳﴾

* أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ
فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا
أَوْ عَلَى سَفَرٍ
فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ
وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ

فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ

فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا
فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ

وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ
إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۱۸۴﴾

* شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ
هُدًى لِلنَّاسِ
وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ

ای مؤمنان

روزه بر شما واجب شده است

همان طور که بر گذشتگان شما واجب بود

باشد که تقوا پیشه کنید

اینها روزهای اندک است

پس هر کدام از شما که مریض شد

یا در سفر بود

به تعداد آن، در روزهای دیگر روزه بگیرد

و کسانی که روزه گرفتن برایشان طاقت فرسا
است

[برای هر روز] به اندازه غذای یک فقیر کفاره
بدهند

هر کس به اختیار خود کار خیری انجام دهد

حتماً برای او بهتر است

البته اگر روزه بگیرید برای شما بهتر است

اگر ارزش آن را بدانید

ماه رمضان است که قرآن در آن نازل شده

که راهنمای مردم است

دلایلی برای هدایت و جداکننده حق از باطل

فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ
فَلْيُضْمَهُ

وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا
أَوْ عَلَى سَفَرٍ

فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ

يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ

وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ

وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ

وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُم

وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ



پس هر کس وارد این ماه شود

باید روزه بگیرد

و اگر مریض بود

یا به سفر رفته بود

پس باید روزهای دیگری روزه بگیرد

خدا برای شما آسانی می خواهد

و برایتان دشواری نمی خواهد

تا سرانجام، روزهای روزه را کامل کنید

و خدا را به خاطر هدایت نمودن شما به بزرگی

یاد کنید

و باشد که سپاسگزار او محسوب شوید.

بقره، ۱۸۳ تا ۱۸۵

همان طور که در درس گذشته آمد، خداوند رسول خود را اسوه و سرمشق زندگی ما معرفی کرده است. مهم ترین ویژگی اسوه آن است که اگر پیروان خود را به کاری فرا می خواند، خودش مقدم بر دیگران و کامل تر از دیگران آن کار را انجام می دهد. پیامبر بزرگ ما نیز این گونه بود. ایشان اگر ما را به نماز دعوت کرده، خودش علاوه بر نمازهای روزانه، بخش قابل توجهی از شب را بیدار می ماند و نماز شب را اقامه می کرد. نماز شب بر آن حضرت واجب بود و ایشان هر شب از خواب برمی خاست و حدود نصفی از شب را تا اذان صبح عبادت می کرد.

در انجام روزه نیز ایشان علاوه بر روزه ماه رمضان، بیشتر روزهای ماه رجب و ماه شعبان را نیز روزه دار بود و برخی از روزهای هفته را نیز در طول سال روزه می گرفت. رسول خدا بهتر از هر کسی می دانست که وقتی خدا می فرماید: «من برای شما آسانی می خواهم، نه سختی و دشواری را»، حتماً در روزه گرفتن فواید بزرگی هست که ما را به انجام چنین عملی، در عین دشواری آن، فرا خوانده است.

در آیات قبل بیندیشید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

۱- هدف اصلی از روزه‌داری چیست؟

.....

۲- چه کسانی نباید روزه بگیرند؟

.....

۳- افرادی که در ماه رمضان نباید روزه بگیرند، بعد از ماه مبارک چه وظیفه‌ای بر عهده دارند؟

.....

۴- خداوند در آیه ۱۸۵ بعد از بیان دستورات و احکام روزه، علت انعطاف در این احکام را چه چیزی معرفی می‌کند؟

.....

■ روزه، تقویت‌کننده تقوا

خداوند، در آیه مربوط به واجب بودن روزه، تقوا را مهم‌ترین هدف روزه‌داری اعلام کرده است. تقوا چیست و چرا قرآن کریم همواره مردم را به آن دعوت کرده است؟ برای درک بهتر حقیقت تقوا، ابتدا مثالی را که امیر مؤمنان علی علیه السلام بیان فرموده است، ذکر می‌کنیم. ایشان می‌فرماید:

«انسان‌های بی‌تقوا مانند سوارکارانی هستند که بر اسب‌های چموش و سرکشی سوار شده‌اند که افسار را پاره کرده و اختیار را از دست سوارکار گرفته‌اند؛ به بالا و پایین می‌پرند و عاقبت، سوارکار را در آتش می‌افکنند. اما آدم‌های باتقوا، مانند سوارکارانی هستند که بر اسب‌های رام و نجیب سوار شده‌اند و افسار اسب را در اختیار دارند و راه می‌پیمایند تا اینکه وارد بهشت شوند».^۱

تفاوت اصلی میان این دو سوارکار که یکی به هلاکت می‌رسد و دیگری به سلامت راه را می‌پیماید، در سرکشی و لجام‌گسیختگی اسب یکی از آنها، و رهوار و مطیع بودن اسب دیگری است. امیر مؤمنان به ما می‌فهماند که آن لجام‌گسیختگی نتیجه بی‌تقوایی است و مطیع و تسلیم دستور خدا بودن، ثمره تقوا و پرواداری می‌باشد.

۱- نهج البلاغه، خطبة ۱۶

«تقوا» به معنای «حفاظت» و «نگهداری» است. انسان با تقوا خودنگهدار است و می‌تواند خود را از گناه حفظ کند؛ یعنی بر خودش مسلط است و زمام و لجام نفس خود را در اختیار دارد و نمی‌گذارد نفس با سرکشی خود، او را در دره‌های هولناک گناه بیندازد و یا از رسیدن به حقیقت بازدارد. به همین جهت، کسی می‌تواند بهره‌مند از راهنمایی دیگران شود و سخن حق را بپذیرد که بنا به فرموده قرآن، مقداری از تقوا را داشته باشد و بتواند خود را از لجبازی و خودخواهی حفظ کند. انسان با تقوا، می‌کوشد روز به روز بر «خودنگهداری» خود بیفزاید تا اگر در شرایط گناه و معصیت قرار گرفت، توانایی حفظ خود از گناه را داشته باشد.

اکنون این سؤال پیش می‌آید که چگونه تقوا را در خود تقویت کنیم تا بتوانیم در مواقع ضروری بر خود مسلط باشیم و از لجبازی و گناه دوری کنیم؟

خداوند، انسان را به عملی راهنمایی می‌کند که اگر انسان‌ها به درستی آن را انجام دهند، قدرت «خودنگهداری» و «تقوا»ی در برابر خدا را به دست خواهند آورد این عمل، «روزه» است.

روزه، نمونه کامل تمرین خودنگهداری و صبر و پایداری در برابر خواهش‌های دل است. جالب است که انسان روزه‌دار، خود را در مقابل چیزهایی حفظ می‌کند که به طور معمول برای او مباح بوده و از آن چیزها استفاده می‌کرده است. اما خدا که با نفس ما آشناست، در یک تمرین موقت سالیانه، ما را از خوردن و آشامیدن در طول روز منع می‌کند تا ما بتوانیم خودنگهداری و صبر را تمرین کنیم تا آنگاه که در برابر گناهان قرار می‌گیریم، بتوانیم از خود استقامت و پایداری نشان داده و در برابر گناه، بایستیم، تسلیم نشویم و زیر بار ذلت گناه نرویم.^۱

کسی که یک ماه گرسنگی روزانه را تحمل کند و در عین حال که میل به آب و غذا دارد، به سوی آن نرود؛ کسی که یک ماه چشم خود را از گناه و زبان خود را از دروغ و غیبت نگه دارد؛ گوش خود را از شنیدن بدی‌ها بازدارد، از حجاب و پوشش خود به خوبی مراقبت کند و مردم را از خود نرنجاند، چنین کسی پس از یک ماه، به تسلطی بر خود می‌رسد که قبل از ماه رمضان آن تسلط را نداشته است و اگر هر سال یک ماه این عمل را تکرار کند، سال به سال باتقواتر می‌شود. چنین فردی کم‌کم به جایی می‌رسد که احساس می‌کند که هر کاری را که خداوند دستور داده است، می‌تواند به آسانی انجام دهد و احساس سختی نمی‌کند.

۱- تفسیر المیزان از علامه طباطبائی و تفسیر نمونه از آیت‌الله مکارم شیرازی و تفسیر نور از استاد قراتی ذیل آیه ۲۸۳ سوره بقره.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «چه بسا روزه‌داری که جز گرسنگی و تشنگی چیزی نصیب او نمی‌شود».^۱

مقصود پیامبر گرامی از این سخن چیست؟

احکام روزه

برخی از اموری که روزه را باطل می‌کنند عبارت‌اند از: خوردن و آشامیدن، دروغ بستن بر خدا و پیامبر و جانشینان پیامبر ﷺ، رساندن غبار غلیظ به حلق، فرو بردن تمام سر در آب، خودارضایی، باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح.^۲



فعالیت کلاسی

تکمیل

با مراجعه به رساله توضیح المسائل، عبارت‌های زیر را تکمیل کنید.

۱	اگر روزه‌دار سهواً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه‌اش
۲	اگر روزه‌دار، چیزی را که لای دندانش مانده روزه‌اش باطل می‌شود.
۳	روزه‌دار غبار غلیظ و دود سیگار و تنباکو و مانند آنها را به حلقش برساند.
۴	استفراغ روزه را باطل نمی‌کند، مگر اینکه

۱- کسی که غسل بر او واجب است، اگر عمداً تا اذان صبح غسل نکند یا اگر وظیفه‌اش تیمم است، عمداً تیمم نکند، نمی‌تواند روزه بگیرد. البته اگر سهل‌انگاری کند و غسل نکند تا وقت تنگ شود، می‌تواند با تیمم روزه بگیرد و روزه‌اش صحیح است؛ اما در مورد غسل نکردن، معصیت کرده است.

۲- کسی که غسل بر او واجب است، اگر عمداً تا اذان صبح غسل نکند یا اگر وظیفه‌اش تیمم است، عمداً تیمم نکند، نمی‌تواند روزه بگیرد. البته اگر سهل‌انگاری کند و غسل نکند تا وقت تنگ شود، می‌تواند با تیمم روزه بگیرد و روزه‌اش صحیح است؛ اما در مورد غسل نکردن، معصیت کرده است.

۱- امالی، شیخ طوسی، ص ۶۶۱

۲- برای آشنایی با سایر مبطلات روزه، به رساله مرجع تقلید خود مراجعه کنید.

۳- اگر کسی به علت عذری مانند بیماری نتواند روزه بگیرد و بعد از ماه رمضان عذر او برطرف شود و تا رمضان آینده عمداً قضای روزه را نگیرد، باید هم روزه را قضا کند و هم برای هر روز یک مُد (تقریباً ۷۵ گرم) گندم و جو و مانند آنها به فقیر بدهد.

۴- اگر کسی روزه ماه رمضان را عمداً نگیرد، باید هم قضای آن را به جا آورد و هم «کفاره» بدهد؛ یعنی برای هر روز، دو ماه روزه بگیرد (که باید ۳۱ روز آن پشت سرهم باشد) یا به شصت فقیر طعام بدهد (به هر فقیر یک مُد).

وظیفه شخص مسافر: کسی که به سفر می‌رود، اگر آن سفر شرط‌های زیر را داشته باشد، باید نمازش را شکسته بخواند و نباید روزه بگیرد:

الف) رفتن او بیشتر از ۴ فرسخ شرعی (حدود ۲۲/۵ کیلومتر) یا مجموعه رفت و برگشت او بیشتر از ۸ فرسخ باشد.

ب) بخواد کمتر از ده روز در جایی که سفر کرده، بماند. پس کسی که می‌خواهد ده روز و بیشتر در محلی که سفر کرده است، بماند، باید نمازش را کامل بخواند و روزه‌اش را هم بگیرد.

ج) برای انجام کار حرام سفر نکرده باشد؛ مثلاً اگر به قصد ستم به مظلوم یا همکاری با یک ظالم در ظلم او سفر کند، باید روزه‌اش را بگیرد. اگر فرزند، در عین اینکه پدر و مادر او را نهی کرده‌اند، به سفری برود که آن سفر بر او واجب نبوده است، باید نماز را تمام بخواند و روزه‌اش را بگیرد.

اندیشه و تحقیق

درباره مسائل زیر به توضیح المسائل مرجع تقلید خود مراجعه کنید و پاسخ آن را به دست آورید.

۱	اگر مسافر پیش از ظهر به وطنش یا به جایی که می‌خواهد ده روز در آنجا بماند، برسد، در چه صورتی باید روزه بگیرد و در چه صورتی نباید روزه بگیرد؟
۲	اگر مسافری که صبح حرکت کرده است، بعد از ظهر به وطن یا به جایی که می‌خواهد ده روز بماند برسد، وظیفه‌اش چیست؟
۳	اگر کسی که روزه است، بعد از ظهر مسافرت کند، وظیفه‌اش نسبت به روزه آن روز چیست؟
۴	اگر کسی که روزه گرفته، پیش از ظهر مسافرت کند و بخواد به بیش از چهار فرسخ برود، وظیفه‌اش چیست؟

- درباره آثار و فواید بهداشتی روزه تحقیق کنید و نتیجه آن را در کلاس گزارش نمایید.
- برای این تحقیق می‌توانید به کتاب‌های زیر مراجعه کنید :
- ۱- اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، دکتر پاک‌نژاد
 - ۲- اهمیت پزشکی روزه در سلامت انسان، حبیب‌الله جعفری
 - ۳- اهمیت روزه از نظر علم روز، احمد صبور اردوبادی

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
آداب الصلوة	امام خمینی ره	مؤسسه نشر آثار امام خمینی ره	معلم
راز نماز	محسن قرائتی	مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن	دانش‌آموز
فلسفه روزه برای جوانان	اسدالله محمدی نیا	سبیط اکبر	دانش‌آموز
رازهای نماز	آیت‌الله جوادی آملی	اسراء	معلم
بی‌نمازها خوشبخت‌ترند!؟	فاطمه دولتی	ستاد اقامه نماز	دانش‌آموز

دسریانرهم فضیلت آراستگی



إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَ يُحِبُّ الْجَمَالَ

خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد.

همه انسان‌ها ذاتاً زیبایی را دوست دارند و از زشتی گریزانند. کسی نیست که بگوید از آن چیزی که عموم مردم آن را زیبا می‌دانند، متنفرم و هیچ علاقه‌ای به آن ندارم. اگر کسی چنین بگوید، دیگران از گفته او تعجب می‌کنند و در سلامتی وی تردید می‌نمایند. یکی از لذت‌های زندگی بشر، مشاهده مناظر زیبای طبیعت، شنیدن صوت زیبای پرندگان، خواندن اشعار زیبا و نظایر آن است. بشر حتی می‌کوشد و سایل مورد نیاز زندگی خود، مانند ظروف، فرش‌ها و معماری خانه‌ها را زیبا بسازد. مساجد، کلیساها و سایر مکان‌های مقدس، زیباترین معماری‌ها را در فرهنگ‌های مختلف داشته‌اند.

خصلت دیگری که در همه انسان‌ها هست و همگان به‌طور ذاتی به آن علاقه دارند، عفاف و زندگی عفیفانه است. ممکن است انسان‌ها در مصداق عفاف با یکدیگر اختلاف داشته باشند، اما کسی نیست که بگوید من دوست دارم در جهت مخالف عفاف حرکت کنم و هزینه‌گری نمایم.

حتی آن انسان‌هایی که از دایره عفاف و زندگی آبرومندانه خارج شده و در دام هزینه‌گری افتاده‌اند، در عمق جان و وجدانشان از وضع و حال خود ناراحت‌اند و وقتی خود را با انسان‌های عفیف مقایسه می‌کنند، از حال خود شرمده‌اند و به حال آنها غبطه می‌خورند و به خود وعده می‌دهند که روزی به عفاف باز خواهند گشت و جبران زمان از دست رفته را خواهند کرد.

جمع میان زیبایی و عفاف در انسان به رفتاری می‌انجامد که آن را می‌توان «آراستگی» نامید. به آیات قرآن توجه کنید که با چه ظرافت کاری شگفت‌انگیزی درباره این دو ویژگی ذاتی انسان سخن می‌گوید تا مؤمنان را به یک رفتار آراسته و شایسته انسان هدایت کند و برساند.

قرائت : این آیات را به دقت و با رعایت قواعد صحیح خوانی قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



ای فرزندان آدم (چه مرد و چه زن)
زیبا و آراسته و با زینت‌های خود

* يَا بَنِي آدَمَ
خُذُوا زِينَتَكُمْ

عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ

وَكُلُوا وَاشْرَبُوا

وَلَا تُسْرِفُوا

إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿٣١﴾

* قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ

الَّتِي أُخْرِجَ لِعِبَادِهِ

وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ

قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا

فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ

كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ

لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٣٢﴾

* قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ

مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ

وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ

وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ

مَا لَمْ يُنْزَلْ بِهِ سُلْطَانًا

وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ

مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٣٣﴾

در مساجد و عبادتگاه‌ها حضور یابید

و از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها بهره ببرید

ولی اسراف نکنید.

همانا خدا اسراف کنندگان را دوست نمی‌دارد.

بگو چه کسی حرام کرده زینت الهی را

که برای بندگانش پدید آورده

و رزق پاکیزه او را؟

بگو اینها برای مؤمنان است

در این حیات دنیا

در قیامت نیز اینها همه برای آنان است.

بدین‌سان آیات خود را شرح می‌دهیم

برای آن مردمی که اهل معرفت‌اند.

بگو پروردگارم حرام کرده زشت‌کاری‌ها را

چه آشکار و چه پنهان آنها را

و نیز گناه و سرکشی به ناحق را

و این که چیزی را شریک خدا قرار دهید

که برای آن دلیلی نفرستاده

و اینکه به خدا نسبت دهید

چیزی را که نمی‌دانید.

پس از قرائت آیات، به ترجمه آیات توجه کنید و جمله‌های زیر را تکمیل نمایید و مشخص کنید که هر جمله از کدام آیه گرفته شده است.

ردیف	پیام آیات	آیه
۱	خداوند، زینت‌های جهان را بر بندگانش حرام	
۲	مؤمنان باید از روزی‌هایی که از راه درست و پاک به دست آورده‌اند،	
۳	زینت‌ها و روزی‌های پاک در آخرت، اختصاص به دارد.	
۴	آن چیزهایی که خداوند بر مؤمنان حرام کرده است، عبارت‌اند از: ، ، و	
۵	حضور در پیشگاه خدا باید	
۶	خدا از ما می‌خواهد که در استفاده از نعمت‌ها	
۷	ما نباید از روی سلیقه خودمان نسبت دهیم.	
۸	کسانی می‌توانند به جزئیات سخن خدا برسند که	

■ آراستگی در سبک زندگی مؤمنانه

آراستگی به معنای «بهتر کردن وضع ظاهری و باطنی و زیبا نمودن این دو» است. بنابراین، دو نوع آراستگی داریم. آراستگی باطنی که نتیجه برخورداری روح انسان از صفات زیبایی همچون ادب، حُسن خلق، مهربانی، حیا و عفاف است و آراستگی ظاهری که نتیجه مرتب بودن وضع ظاهر و توجه به نظافت و زیبایی می‌باشد.

انسان به طور طبیعی به آراستگی علاقه دارد و می‌کوشد تا هم درون خود را آراسته کند و هم با ظاهری آراسته در جامعه حضور یابد. دیگران نیز کار او را تحسین می‌کنند و همشینی با او را دوست دارند و از بودن با او لذت می‌برند.

پیشوایان ما در عین حال که در آراستگی باطنی خود تلاش می‌کردند و زیبایی‌های اخلاقی را در حد کمال داشتند، به آراستگی ظاهری خود نیز توجه می‌کردند و مؤمنان را نیز به رعایت آن دعوت می‌نمودند و آراستگی را از اخلاق مؤمنان می‌دانستند.^۱

به طور مثال، هنگامی که کسی در خانه پیامبر را می‌زد و قصد ملاقات با ایشان را داشت، آن حضرت ابتدا به آینه نگاه می‌کرد و موهای خود را شانه می‌زد و لباس خود را مرتب‌تر می‌کرد؛ و می‌فرمود:

خداوند تعالی دوست دارد وقتی بنده‌اش به سوی دوستان خود می‌رود، آماده و آراسته باشد.^۲

ایشان همچنین همواره خود را معطر می‌کرد و سپس در جمع مردم حاضر می‌شد یا به نماز می‌ایستاد. روزی یکی از مدعیان زهد و پرهیز از دنیا، امام صادق (علیه السلام) را دید که لباس زیبایی پوشیده است. وی به امام گفت: جدّ شما این گونه لباس‌ها را نمی‌پوشید.

امام (علیه السلام) فرمود: در آن زمان مردم در سختی بودند، اما امروز ما در شرایط بهتری هستیم و عموم مردم توانایی پوشیدن چنین لباسی را دارند.^۳

همچنین ایشان می‌فرمود: خداوند آراستگی و زیبایی را دوست دارد و از نپرداختن به خود و خود را ژولیده نشان دادن، بدش می‌آید.^۴

و نیز می‌فرمود:

دو رکعت نماز که با بوی خوش گزارده شود، بهتر از هفتاد رکعت نماز بدون بوی خوش است.^۵

در کنار این سفارش‌های عمومی، پیشوایان دین به هریک از گروه مردان و زنان نیز سفارش‌های جداگانه‌ای می‌کردند؛ به عنوان نمونه پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مردان می‌فرمود: **سبیل و موهای بینی خود را کوتاه کنید و به خودتان برسید؛ زیرا این کار بر زیبایی شما می‌افزاید.^۶** ایشان، همچنین مردان را به کوتاه

۱- غررالحکم و دررالکلم، سخنان امیرالمؤمنین، جمع‌آوری تمیمی آمدی، چاپ دانشگاه تهران، ج ۱، ص ۳۰۷

۲- وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱، ص ۲۷۸

۳- اصول کافی، کلینی، ج ۶، ص ۴۴۲

۴- امالی، طوسی، ج ۱، ص ۲۷۵

۵- ثواب الاعمال، شیخ صدوق، ص ۳۶۲

۶- قرب الاسناد، حمیری، ص ۶۷

کردن ناخن سفارش می کرد اما به زنان می فرمود ناخن های خود را اندکی بلند بگذارند چون برای آنان زیباتر است.^۱

این شیوه رسول خدا ﷺ و پیشوایان دیگر ما سبب شد که مسلمانان در اندک مدتی به آراسته ترین و پاکیزه ترین ملت های آن عصر تبدیل شوند و سبک لباس پوشیدن آنها الگو و سرمشق ملت های دیگر قرار گیرد؛ مثلاً همین لباس بلندی که امروزه در دانشگاه های اروپا، اساتید و دانشجویان در هنگام جشن فارغ التحصیلی می پوشند، از لباس دانشمندانی چون ابن سینا الگوبرداری شده، زیرا آنان ابن سینا را بزرگ ترین دانشمند در طب و فلسفه می دانستند و به پوشیدن لباسی به سبک لباس او افتخار می کردند. البته لباس ابن سینا برای دانشمندان مسلمان و ایرانی یک لباس عادی بود و همه به همان سبک لباس می پوشیدند.

نیاز به مقبولیت و آراستگی

یکی از نیازهای انسان، نیاز به مقبولیت در جمع خانواده، همسالان و جامعه است. ما دوست داریم دیگران ما را فرد مفید و شایسته ای بدانند و تحسین کنند. این نیاز، در دوره جوانی و نوجوانی نمود بیشتری دارد و سبب می شود که نوجوان و جوان بیشتر به خود پردازد و توانایی ها و استعداد های خود را کشف و شکوفا کند و در معرض دید دیگران قرار دهد. برخی با نشان دادن استعداد خود در یک رشته ورزشی، برخی دیگر با خلق یک اثر هنری یا کار مؤثر در کارگاه صنعتی و برخی دیگر از راه های دیگر تحسین دیگران را برمی انگیزند و بر مقبولیت خود می افزایند.

۱- اصول کافی، کلینی، ج ۶، ص ۴۹۱؛ وسائل الشیعه، شیخ حرعاملی، ج ۱، ص ۴۳۵

حضرت موسی جوانی رشید و شجاع شده بود. او همچنان در دربار فرعون زندگی می کرد، فرعونی که بنی اسرائیل را به بردگی گرفته بود و در هر کار سختی از آنان استفاده می کرد. حضرت موسی، روزی از راهی می گذشت. دید یکی از فرعونیان یک بنی اسرائیلی را به شدت کتک می زند. تلاش کرد که آن بیچاره را از دست این مرد فرعونی نجات دهد، اما آن مرد اصرار بر کار خود داشت. موسی مُشتی حواله آن مرد کرد. این مُشت به جایی از بدن او خورد که او را از پا درآورد. موسی که می دانست کشتن یک فرعونی قصاصش مرگ است، از مصر مهاجرت کرد و بعد از دو سه ماه به شهر «مدین» رسید. در این شهر پیامبر خدا حضرت «شعیب» زندگی می کرد و مردم را به یکتاپرستی فرا می خواند. نزدیک غروب بود که در ابتدای شهر به چاهی رسید که چوپانان، گوسفندان خود را آب می دادند. موسی دید که دو خانم جوان گوسفندان خود را در کناری قرار داده و به آنها آب نمی دهند. متوجه قضیه شد. جلو رفت و پرسید: چرا شما جلو نمی روید و از چاه آب نمی کشید؟ گفتند: ما منتظریم ابتدا مردان گوسفندان خود را آب دهند و بعد از اینکه کار آنان تمام شد، ما به چاه نزدیک شویم. حضرت موسی جلو رفت و طناب را از دست مردان گرفت و آب از چاه کشیده و گوسفندان آن دو خانم را آب داد، سپس زیر درختی نشست و برای استراحت به آن تکیه داد و دست به آسمان بلند کرد و گفت:

«خدایا من نسبت به هر خیری که از جانب تو فرود آید نیازمندم.»^۱

ساعتی گذشت. یکی از آن دو خواهر که در برگشت به منزل ماجرا را برای پدر تعریف کرده بود به نزد موسی آمد و از طرف پدر او را به خانه دعوت کرد. قرآن کریم رفتار آن خانم جوان و گفت و گویش با موسی را چنین توصیف می کند:

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



* فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا

تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ

قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ

یکی از آن دو خواهر نزد او آمد

درحالی که با شرم و حیا قدم برمی داشت

گفت: پدرم تو را دعوت کرده

لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا

فَلَمَّا جَاءَهُ وَ

وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ

قَالَ لَا تَخَفْ

نَجَّوْتُ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٢٥﴾

﴿٢٥﴾ قَالَتْ إِحْدَاهُمَا

يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ

إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ

الْقَوِيُّ الْأَمِينُ ﴿٢٦﴾

تا پاداش آبر دادن (به گوسفندان) ما را به تو بدهد.

چون موسی نزد شعیب آمد

و سرگذشت خود را برای او بازگو کرد،

شعیب گفت: نترس

تو از دست آن قوم ظالم نجات یافته‌ای.

یکی از آن دو دختر گفت

او را با پرداخت دستمزد به کار بگیر

زیرا بهترین کسی که می‌توانی به کار بگیری

همین فرد قوی امانت‌دار است.

قصص، ۲۵ و ۲۶

حضرت شعیب که رشادت و امانت حضرت موسی علیه السلام را در رفتار او یافته بود، او را به‌عنوان یک یار و مددکار پذیرفت و با دستمزد خوب، برخی از کارها را برای مدت حدود ده سال به وی واگذار نمود. حضرت موسی با یکی از دختران حضرت شعیب ازدواج کرد و صاحب چند فرزند شد، حضرت موسی، پس از گذشت ده سال و اتمام قرارداد خود با حضرت شعیب، تصمیم گرفت همراه با زن و فرزند خود، به مصر برگردد و از حال و وضع خانواده خود مطلع شود. او تا این زمان هنوز به پیامبری مبعوث نشده بود.

قرائت: آیات بالا را با رعایت اعراب کلمات قرائت کنید.

در ترجمه آیات قبل بیندیشید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

۱- چرا یکی از دختران شعیب نزد موسی بازگشت؟

.....

.....

۲- کدام رفتار این دختر برای خداوند مهم و ارزشمند بود که خداوند آن را بازگو کرده و به اطلاع همه انسان‌ها در طول تاریخ رسانده است؟

.....

.....

۳- به خاطر کدام ویژگی‌ها، یکی از آن دو دختر از پدر خود خواست که حضرت موسی را استخدام کند و به او دستمزد بدهد؟ چرا آن ویژگی‌ها مورد توجه آن دختر و حضرت شعیب قرار گرفت؟

.....

.....

■ عفاف و آراستگی

عفاف حالت و خصلتی است که انسان با داشتن آن می‌تواند خود را در برابر تندروی‌ها و کندروی‌ها حفظ کند و سبب می‌شود که فرد انسانی در مسیر اعتدال و میانه‌روی پیش رود و از آن خارج نشود؛ چنین انسانی در برآورده کردن خواسته‌ها و تمایلات خود به گونه‌ای عمل نمی‌کند که به افراط دچار گردد و به‌طور کامل غرق در آن خواسته‌ها شود و از دیگر نیازها غافل بماند و یا به‌طور کل آن را کنار گذارد و به کوتاهی و تفریط برسد.



یکی از جلوه‌های عفاف، در همین آراستگی است. برخی انسان‌ها در آراستگی ظاهری و ابراز وجود، دچار تندروی می‌شوند؛ به گونه‌ای که در آراسته کردن خود، زیاده‌روی می‌کنند و به خودنمایی می‌رسند. قرآن کریم این حالت را «تَبَرِّج»^۱ می‌نامد و آن را کاری جاهلانه می‌شمرد.^۲

۱- تبرج از ریشه برج است و برج بنای بلندی است که از دور به آسانی می‌توان آن را دید. واژه تبرج به این دلیل در بحث افراط در آراستگی به کار گرفته می‌شود که برخی برای جلب توجه دیگران، خود را به شکلی درمی‌آورند که توسط دیگران دیده شوند. امروزه تبرج مصادیق مختلفی یافته که برخی از آنها عبارت‌اند از استفاده از عطرها، تند، پوشیدن لباس‌هایی با عکس‌های نامناسب، پوشیدن لباس‌های بدن‌نما و پاره و ...

۲- سورة احزاب، آیه ۳۳

همان دینی که ما را به آراستگی توصیه می‌کند، از خودنمایی و افراط در آراستگی پرهیز می‌دهد، زیرا زیاده‌روی در آراستگی و توجه بیش از حد به آن، به تدریج باعث غفلت انسان از هدف‌های دیگر زندگی و مشغول شدن به کارهایی می‌شود که عاقبتی جز دور شدن از خدا ندارد.

انسان عفیف، چه مرد و چه زن، که توانایی کنترل خود را دارد، آراستگی خود را در حد متعادل نگه می‌دارد و به «تبرج» دچار نمی‌شود. انسان عفیف زیبایی ظاهری خود را وسیله خودنمایی و جلب توجه دیگران قرار نمی‌دهد و اجازه نمی‌دهد که به شخصیت انسانی او اهانت شود.

انسان عفیف به صفت ممتاز دیگری به نام «حیا» می‌رسد؛ یعنی وقتی صحنه‌ای برای او پیش می‌آید که ممکن است شخصیت او آسیب ببیند، حالتی به نام «حیا» برای او پیدا می‌شود و عکس‌العملی و رفتاری که حافظ شخصیت اوست را از خود نشان می‌دهد. او حیا می‌کند که برخی افراد به خاطر اموری ظاهری و کوچک، زبان به تحسین و تمجید او بکشایند و به او به عنوان ابزاری برای لذت‌جویی نگاه کنند. او در وجود خود، استعداد و ارزش‌های برتر و والاتری می‌یابد که می‌تواند تحسین و احترام واقعی دیگران را برانگیزد.

تدبیر در آیات (۳)

در آیه ۲۵ سوره قصص تأمل کنید و بگویید :

۱- وقتی دختر حضرت شعیب به سوی حضرت موسی آمد، چه رفتاری از خود نشان داد؟

۲- این رفتار به خاطر چه بود؟

انسان عفیف، از مقبولیت نزد همسالان و جامعه گریزان نیست؛ اما خود را با ارزش‌تر از آن می‌داند که بخواهد این مقبولیت را از راه جلب توجه ظاهری به دست بیاورد و خود را در حد ابزاری برای هوس‌رانی دیگران قرار دهد.

به همان میزان که رشته‌های عفاف و حیا در روح انسان قوی و مستحکم می‌شود، نوع آراستگی و پوشش او نیز باوقارتر می‌گردد و به همان میزان نیز که رشته‌های عفاف انسان ضعیف و گسسته می‌شود، آراستگی و پوشش او نیز سبک‌تر می‌گردد و بیشتر جنبه خودنمایی به خود می‌گیرد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید :

«مبادا خود را برای جلب توجه دیگران بیارایی که در این صورت ناچار می‌شوی با انجام گناه به جنگ با خدا بروی».^۱

۱- بحار الأنوار، مجلسی، ج ۷۱، ص ۳۶۳

و امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید :

لباس نازک و بدن‌نما نپوشید؛ زیرا چنین لباسی نشانه سستی و ضعف دینداری فرد است.^۱

گرچه عفاف و حیا، مانند هر فضیلت انسانی دیگر، اختصاص به زن ندارد، اما وجود آن در زنان و دختران ارزش بیشتری دارد؛ زیرا خداوند زنان را بیش از مردان بهره‌مند از نعمت زیبایی کرده است و مرد بیش از زن در مقابل زیبایی جنس مخالف عکس‌العمل نشان می‌دهد و در رفتار ظاهری نمایان می‌سازد. زن، مظهر جمال و زیبایی است و این زیبایی، هم درون او را دربر گرفته و هم ظاهر او را. احساسات لطیف زن که بیانگر زیبایی‌های درونی وی است، با زیبایی ظاهر او عجین شده است. برخی از مردان که کنترلی بر نفس خود ندارند و جز به سوءاستفاده از دیگران نمی‌اندیشند و به شخصیت حقیقی زنان احترام نمی‌گذارند از این امتیاز زنان سوءاستفاده کرده و دام‌های گناه را می‌گسترانند تا به اهداف غیرمشروع خود برسند. برای حفظ همین نعمت است که خداوند احکام ویژه‌ای را برای زن قرار داده است.

دریافت هر نعمتی از جانب خدا، مسئولیتی را نیز به همراه می‌آورد؛ همان‌طور که اگر کسی به نعمت علم زینده شد، نباید علمش را ابزار دست قدرتمندان ستم‌پیشه کند، نعمت زیبایی نیز نباید در خدمت هوسرانان قرار گیرد. و همان‌گونه که اگر انسان از علم خود به درستی استفاده نکند، به جای رستگاری، شقاوت نصیبش می‌شود، عرضه نابجای زیبایی، بجای گرمی بخشیدن به کانون خانواده، عفت و حیا را در جامعه از بین می‌برد و زمینه آسیب‌های جدی به زنان را فراهم می‌کند.

معنای گسترده آراستگی و حیا

آراستگی و حیاء محدود به پوشش انسان نیست بلکه ابعاد گوناگونی را در بر می‌گیرد؛ به عنوان مثال یکی از نمونه‌های برجسته آن، آراستگی و حیای در کلام است. شاید در نگاه اول فکر کنیم که آراستگی اختصاص به لباس و برخی از ظواهر، مانند موی سر دارد. اما این‌گونه نیست. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های آراستگی و حیا و عفاف انسان، در کلام و سخن گفتن است. البته حیا در کلام، خود ناشی از حیا و عفاف در فکر و اندیشه است. افرادی که درون آراسته و با حیایی دارند، اصولاً نمی‌توانند از کلماتی استفاده کنند که عقیقانه نباشد. حتی وقتی با کسی اختلاف پیدا می‌کند و کار به مشاجره و دعوا می‌کشد، نمی‌توانند به طرف مقابل فحش دهند و کلمه‌ی رکیکی بر زبان جاری کنند. بالعکس، کسانی هم هستند که حتی وقتی می‌خواهند دوست و رفیق خود را هم صدا بزنند، کلماتی را که دون شأن یک انسان باحیاست، بر زبان می‌رانند.

یکی از تفاوت‌های زن و مرد نیز در همین‌جا خود را نشان می‌دهد. وقتی به اطرافیان خود نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که این آسیب در میان مردان بیشتر از زنان است و حیای کلامی زنان بیش از مردان است. همهٔ پیامبران و اولیای خداوند و عموم انسان‌های فرهیخته حیای کلام داشته و از به‌کار بردن کلمات زشت دوری کرده‌اند. خوب است که ما نیز با آنان همراه شویم و به درون خود و شخصیت انسانی خود، با به‌کار بردن کلمات ناپسند، آسیب وارد نکنیم.

✽ بررسی

با توجه به شکل پوشش‌های موجود در جامعه برای پسران و دختران، بگویید که کدام‌یک از آنها عفت افراد را بیشتر تضمین می‌کند؟ چرا؟

اندیشه و تحقیق

- ۱- آراستگی چه تفاوتی با خودنمایی دارد؟
- ۲- چرا خصلت ارزشمند عفاف در وجود زنان از ارزش بیشتری برخوردار است؟

پیشنهاد

- ۱- پیرامون ما افرادی هستند که با استفاده از خلاقیت‌های خود تحسین دیگران را برانگیخته‌اند و در زمینه‌های گوناگون هنری، ورزشی، علمی، اجتماعی و اخلاقی به فردی مؤثر در جامعه تبدیل شده‌اند. آنچه دربارهٔ عوامل این موفقیت می‌دانید، بیان کنید.
- ۲- با خود بیندیشید و ببینید که تا چه اندازه کوشش کرده‌اید آراستگی همراه با عفاف داشته باشید. آیا موانع درونی در مقابل این کوشش وجود داشته است؟ آنها را برای خود مشخص کنید و برای برداشتن آن موانع، راه حل مناسب تنظیم نمایید. موانع‌های بیرونی چگونه؟ آیا آنها هم وجود داشته‌اند؟ با آن موانع چگونه برخورد کرده‌اید؟

پاداشی به اندازه پاداش شهیدان!

امام علی (علیه السلام) :

پاداش انسان عقیف و پاک دامن که می تواند گناه کند، اما خود را به آن آلوده نمی کند، کمتر از پاداش مجاهد شهید در راه خدا نیست. همانا انسان عقیف و پاک دامن، فرشته ای از فرشته هاست.

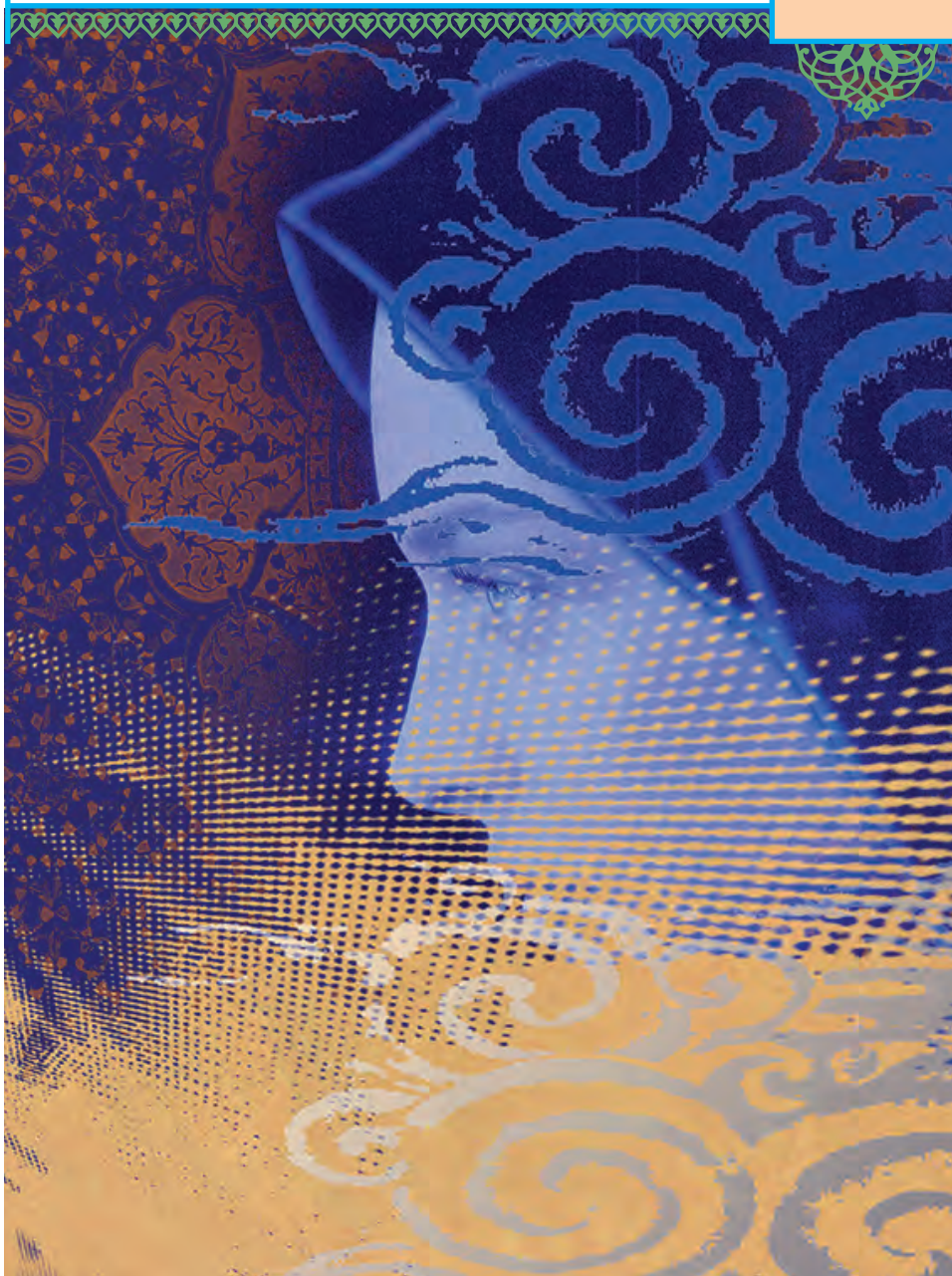
نهج البلاغه، حکمت ۴۷۴

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی	غلامعلی حداد عادل	سروش	دانش آموز / معلم
مسئله حجاب	شهید مرتضی مطهری	صدرا	دانش آموز / معلم
حیا	امیرحسین بانکی پور	حدیث راه عشق	دانش آموز / معلم
درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام (بررسی مقایسه ای دیدگاه اسلام و غرب)	زیبایی نژاد و سبجانی	نصایح	معلم



پیام پوشیدگی

درس و نهم



قرائت : آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



* قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ
يَغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ
وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ
ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ

إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ﴿٣٠﴾

* وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ
يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ
وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ
وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ
إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا
وَلِيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ
عَلَى جُيُوبِهِنَّ... ﴿٣١﴾

به مردان با ایمان بگو
دیدگان خود را از نگاه حرام فرو بندند
و پاکدامنی پیش گیرند
که این برای آنان بهتر است
خدا به آنچه می کند، آگاه است.
به زنان مؤمن بگو
دیدگان خود را از نگاه حرام فرو بندند
و دامان خود را (از گناه) حفظ نمایند
و زینت های خود را آشکار نکنند
مگر آنچه نمایان است، (مانند گردی صورت)
و روسری های خود را بر روی سینه
و گردن خویش ببندازند.

نور، ۳۰ و ۳۱

* يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ
قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ
وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ
يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيهِنَّ^۱
ذَلِكَ أَدْنَى
أَنْ يُعْرَفْنَ
فَلَا يُؤْذَيْنَ
وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٥٩﴾

ای پیامبر
بگو به همسران و دختران خود
و زنان مؤمنین
که روسری های خود را به دور خود بگیرند
این کار از این جهت بهتر است
که [به عفاف] شناخته شوند
تا مورد اذیت قرار نگیرند
و خداوند همواره آمرزگار و مهربان است.
احزاب، ۵۹

۱- جلابیب جمع جلاب است. جلاب، پوششی است که از روسری بزرگ تر و از جادر کوتاه تر است. (تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۲۸)

■ حجاب در سایر ادیان

گرایش به پوشش یک گرایش طبیعی و فطری در میان انسان‌هاست و یکی از وجوه تمایز و تفاوت انسانیت از حیوانیت به‌شمار می‌آید. اگر انسان، حقیقتی بالاتر از حیوان نداشت و صرفاً یک حیوان پیچیده‌تر از سایر حیوان‌ها بود، مانند آنها رفتار می‌کرد و اندام خود را نمی‌پوشاند^۱. در همهٔ سرزمین‌ها و در نقاط مختلف زمین، جز در اقوام اولیه که درک درستی از فرهنگ و تمدن نداشته‌اند و به زندگی حیوانی نزدیک بوده‌اند، ردّ پای پوشش مشاهده می‌شود. در تمام جوامع متمدن، کسانی که بیشتر به ارزش‌های اخلاقی و معنوی و ایمان به خدا گرایش داشته‌اند، پوشش آنها کامل‌تر بوده است.



ادیان الهی، که در اصل و حقیقت خود، یک دین هستند، بدون استثنا همواره بر پوشش کامل تر زنان تأکید کرده‌اند و آن را لازمهٔ دین‌داری شمرده‌اند. مطابق با آیین یهود، زنان هنگام حضور در اجتماعات، موی سر خود را می‌پوشاندند و به حجاب پایبند بودند.^۲ در آیین مسیحیت نیز پوشش اهمیت زیادی داشته است و زنان معتقد به حضرت مسیح علیه السلام می‌کوشند مانند حضرت



مریم علیها السلام موی خود را بپوشاندند و با حجاب وارد جامعه شوند. نقاشان مسیحی، به خصوص نقاشان قدیم‌تر، تصویر حضرت مریم علیها السلام را با پوشش و حجاب کامل می‌کشیدند. همچنین زنان راهبه و قدیس یکی از کامل‌ترین حجاب‌ها را داشته و دارند. این امر نشان می‌دهد که از نظر آنان، داشتن حجاب، به دین‌داری نزدیک‌تر و در پیشگاه خدا پسندیده‌تر است.

در دوران اخیر که پایبندی به تعالیم دینی در اروپا و برخی مناطق دیگر کمتر شده، آن بخش از دستورات و سنت‌های حضرت موسی علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام هم که باقی مانده، مورد غفلت قرار گرفته و کمتر به آنها عمل می‌شود. بی‌حجابی زنان غرب نه تنها جایگاهی در اندیشهٔ مسیحیت حقیقی ندارد؛ بلکه بازگشتی

۱- خداوند، برای نشان دادن این میل طبیعی و فطری، هنگام ذکر داستان خلقت آدم علیه السلام، یعنی در مهم‌ترین داستان قرآن، از گرایش فطری آدم و حوا به پوشش یاد می‌کند و متذکر می‌شود که همین که آدم و حوا از میوهٔ ممنوعه خوردند و متوجه برهنگی خود شدند، فوراً با کندن شاخ و برگ درختان برای خود پوششی درست کردند و خود را با آن پوشاندند.

۲- تاریخ تمدن، ویل دورانت، ج ۴، بخش اول، فصل پانزدهم، ص ۴۶۱

به سنت‌های مشرکانه قبل از حضرت مسیح علیه السلام در دوره‌های یونان و روم محسوب می‌شود، دوره‌ای که مردم بت‌پرست بودند و زندگانی مشرکانه داشتند.

زنان ایرانی قبل از اسلام که عموماً پیرو آیین زرتشت بودند، با پوشش کامل در محل‌های عمومی رفت و آمد می‌کردند. پوشش و حجاب زنان در ایران باستان چنان برجسته بود که حتی برخی از مورخان غربی بر این باورند که ایران باستان منشأ اصلی گسترش حجاب بوده است.^۱ در ادیان دیگر و عموم فرهنگ‌ها، پوشش زنان یک اصل پسندیده شمرده شده و کمتر قوم و ملتی است که زنان آن، پوشش مناسبی نداشته باشند. تفاوت‌ها مربوط به چگونگی و حدود آن بوده است.



زنان زرتشتی



راهبه‌های مسیحی

اینک چند سؤال و پاسخ آن، با توجه به آیات درس :

■ آیا در قرآن کریم درباره عفاف و پوشیدگی، دستور خاصی وجود دارد؟

خدای متعال در قرآن کریم، هم برای مردان و هم برای زنان، وظایف خاص و روشنی معین کرده است از جمله اینکه :

الف) وظیفه مردان است که چشم خود را کنترل کنند و از نگاه به زنان نامحرم خودداری کنند و دامان خود را از گناه نگه دارند.

سوره/آیه

.....

ب) زنان نیز مانند مردان وظیفه دارند که از نگاه به نامحرم خودداری کنند و دامن خود را از نگاه حفظ نمایند.

سوره/آیه

.....

ج) استفاده از زینت و زیورآلات نباید به گونه‌ای باشد که توجه نامحرم را به خود جلب کند.

سوره/آیه

.....

د) زنان باید پوشش خود را به گونه‌ای تنظیم کنند که علاوه بر موی سر، گریبان و گردن آنها را هم بپوشاند.

سوره/آیه

.....

پیشوایان ما دربارهٔ حدود پوشش سخن گفته و ما را به رعایت این حدود امر کرده‌اند.

مثلاً امام کاظم علیه السلام در جواب برادرش که پرسید: «دیدن چه مقدار از بدن زن نامحرم جایز است؟»

فرمود: «چهره و دست تا میچ».^۱

یکی از یاران امام صادق علیه السلام به نام فضیل بن یسار نیز می‌گوید از امام پرسیدم: آیا ساعد زن از

قسمت‌هایی است که باید از نامحرم پوشیده شود؟

فرمود: «بلی، آنچه زیر روسری قرار می‌گیرد، نباید آشکار شود. همچنین از میچ به بالا

باید پوشیده شود».^۲



خداوند دربارهٔ علت این دستور می‌فرماید: این پوشش سبب می‌شود که زن به عفاف و

پاکی شناخته شود و افرادی بی‌بند و بار که اسیر هوی و هوس خود هستند، به خود اجازهٔ سوءاستفاده و حتی

نگاه بد به او را هم ندهند.

۱- قرب الاسناد، حمیری، ص ۱۰۲

۲- اصول کافی، کلینی، ج ۵، ص ۵۲۱؛ وسائل الشیعه، شیخ حرعاملی، ج ۳، ص ۲۵

قرائت : بار دیگر آیات ابتدای درس را به درستی قرائت کنید.

■ آیا اسلام شکل پوشش را معین کرده است؟

می‌دانیم که امت اسلامی از اقوام و ملل گوناگون تشکیل شده و میان هر ملت و قومی آداب و رسوم خاصی رایج است، از جمله اینکه هر کدام پوشش و لباس مخصوص خود را دارند. حتی ممکن است در کشوری، مثل کشور عزیزمان ایران، اقوام مختلفی زندگی کنند که هر کدام از آنها شکل خاصی از پوشش را برای خود برگزیده باشند.

بنابراین، چگونگی و نوع پوشش، تا حدود زیادی تابع آداب و رسوم ملت‌ها و اقوام است. اسلام، ضمن پذیرش این تنوع و گوناگونی، مردان را موظف کرده است، لباسی بپوشند که وقار و احترام آنان حفظ شود و با ارزش‌های اخلاقی جامعه هماهنگ باشد. بنابراین، پوشیدن لباسی که آنان را نزد مردم انگشت‌نما کند یا وسیله جلب زنان نامحرم قرار گیرد، حرام است.

زنان نیز موظف‌اند که دو شرط زیر را رعایت کنند :

۱- تمام بدن خود را، به جز صورت و دست‌ها تا مچ، از نامحرم بپوشانند.

۲- پوشش آنان نباید نازک، چسبان و تحریک‌کننده باشد.

این وظیفه الهی، مانند هر عمل دیگری، هرچه کامل‌تر و دقیق‌تر انجام شود، نزد خدا با ارزش‌تر و آثار و ثمرات فردی و اجتماعی آن افزون‌تر است و فرد را به رشد و کمال معنوی بالاتری می‌رساند. از این‌رو، استفاده از «چادر» که دو شرط قبل را به طور کامل دارد و سبب حفظ هرچه بیشتر کرامت و منزلت زن می‌گردد و توجه مردان نامحرم را به حداقل می‌رساند، اولویت دارد.

■ آیا حجاب زنان، کاهش حضور آنان در جامعه را به دنبال دارد؟

تجربه عینی به ما نشان می‌دهد که این حکم نه تنها سبب کاهش حضور زنان نمی‌شود، بلکه به حضور مطمئن و همراه با کرامت آنان می‌انجامد و سبب می‌شود از نگاه ناهلانی که در جامعه حضور دارند، در امان باشند. تجربه کشور ما به خوبی نشان می‌دهد که حجاب نه تنها سبب کاهش حضور زنان در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و اجتماعی نشده بلکه حضور آنان را چند برابر هم کرده است.

علاوه بر این، ادعای خانه‌نشین کردن زنان و سلب آزادی آنان با نگاه قرآن و سیره پیشوایان دین و پیشرفت‌های مختلف زنان امروز جامعه ما کاملاً ناسازگار است. قرآن کریم عفت حضرت مریم علیها السلام را در معبدی که همگان، چه زن و چه مرد، به پرستش می‌آیند، می‌ستاید؛ حیای دختران حضرت شعیب علیهم السلام را در حال چوپانی و آب‌دادن به گوسفندان در جمع مردان، مثال می‌زند. تاریخ نیز از حضور زنان مسلمان در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله، در پشت جبهه‌های جنگ برای پرستاری و کمک به مجروحان خبر می‌دهد. پس پوشش اسلامی، قانونی برای سلب آزادی زنان و خانه‌نشین کردن آنان نیست؛ بلکه کمک می‌کند تا جامعه به جای آنکه ارزش زن را در ظاهر و قیافه وی ببیند، در شخصیت و توانایی‌ها و کرامت ذاتی وی مشاهده کند. این امر موجب می‌شود سلامت اخلاقی جامعه بالا رود؛ حریم و حرمت زنان حفظ شود و آرامش روانی وی افزایش یابد.

در مورد مسئله حجاب با چه منابعی آشنایی دارید؟



اندیشه و تحقیق

- ۱- برای حضور سالم در جامعه، چه پیشنهادهایی برای مردان و زنان دارید؟
- ۲- با اینکه پوشش بدن و حتی موی سر در دین حضرت مسیح علیه السلام یک امر پسندیده است، بسیاری از مسیحیان نسبت به این موضوع بی‌توجه‌اند. به نظر شما، علت آن چیست؟

وضع جامعه اطراف خود را بررسی کنید و ببینید :

۱- رفتار پسران و مردان در جامعه چگونه باید باشد تا سلامت اخلاقی جامعه حفظ شود؟

۲- حفظ حرمت دختران و زنان تا چه میزان به وضع پوشش آنان بستگی دارد؟

۳- با دوستان خود مشورت کنید و ببینید که رعایت پوشش اسلامی توسط زن در هریک از موارد زیر چه نتایج و ثمراتی دارد.

۱- برای زن :

.....

.....

۲- برای مرد :

.....

.....

۳- برای خانواده :

.....

.....

۴- برای جامعه :

.....

.....



نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
نظام حقوق زن در اسلام	مرتضی مطهری	صدرا	دانش آموز / معلم
پرسش های امروز جوانان	جمعی از نویسندگان	مدرسه	دانش آموز
دختران آفتاب	امیرحسین بانکی پور	سروش	دانش آموز
دختران ایران	جمعی از نویسندگان	راه یار	دانش آموز/معلم
شاخه نبات (راهکارهای مدیریت شهوت و نگاه)	عماد داوری دولت آبادی	اعتلای وطن	معلم / دانش آموز
فلسفه فشن (تحول لباس در طول تاریخ)	لارس اسونسن	نشر مشکی	معلم
مسئله حجاب در غرب	علی غلامی	دانشگاه امام صادق علیه السلام	معلم
مهاجر سرزمین آفتاب	حمید حسام	سوره مهر	دانش آموز/معلم
ناگفته های صورتی (نقشه های استعمار علیه زن)	سید محمد حسین راجی	معارف	معلم
سرکار علیّه	زهره عیسی خانی	کتابستان	دانش آموز/معلم
خاطرات سفیر	نیلوفر شادمهری	سوره مهر	دانش آموز/معلم



معلّمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می توانند نظر اصلاحی خود را درباره مطالب کتاب های درسی از طریق سامانه «نظرسنجی از محتوای کتاب درسی» به نشانی «nazar.roshd.ir» یا نامه به نشانی تهران – صندوق پستی ۴۸۷۴ – ۱۵۸۷۵ ارسال کنند.



سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی